# هفت صبح

ویژه آخر هفته

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۴ بهمن ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۹۷۳
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان


## وزنه و حمام ترکی و ماساژ با سنگ داغ!

### هزینه ورزش کردن در باشگاه‌های بالای شهر با چشم انداز کوه چقدر است؟

● سفر به عجیب ترین نقاط جهان / هزینه بلیت هواپیما برای سفر به پاکستان، مغولستان، کنیا و... چقدر است؟ ● لوس نباشیم و با هم بزرگ شویم / درباره علیرضا افتخاری، مسلک و غرور ملی ● اقتدار به سبک مظفرالدین شاه / قصه های گمشده - پاورقی روزهای فرد ● دو انتقاد قضایی از قانون تسهیل وکالت / رعایت مقررات با تضمین توانایی وکلا برای استیفای حقوق موکلین همراه باشد ● حل معماهای جدید؛ از میدان ارگ تا زندان سمنان / توضیحات جدید قوه قضاییه درباره اسلحه قاتل دو قاضی و اطلاعاتی جدید درباره خودکشی تبعه سوییس ● یک خشت خانه با رنگ خون / درگیری‌های مالک و مستاجرها خیلی وقت‌ها منجر به جنایت شده است ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

## تیم ۴ نفره بهترین خودروهای ۲۰۲۴

بررسی ۴ خودروی اول سال ۲۰۲۴ از نظر میزان فروش در تمام نقاط جهان؛ چین کجای جهان است؟ صفحه ۰۵ را بخوانید

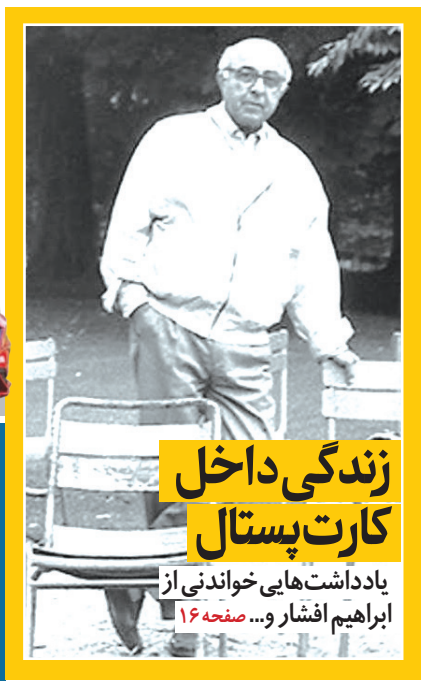

## زندگی داخل کارت پستال

یادداشت‌هایی خواندنی از ابراهیم افشار و... صفحه ۱۶

## زمستان گرم داووس

### آنچه باید درباره دهکده زیبای سوئیسی و مجمع جهانی اقتصاد بدانیم

در بسته آخر هفته بخوانید:

● **انتقال پایتخت به کویر لوت، بشتابید!**
غلامرضا تختی، فصل درختکاری، تصویب پالرمو CFT، فردوسی پور، خانه پوچ و بازجویی محترمانه...

● **ستاره‌ها در جشنواره ۴۳**
مروری بر نقش‌های مهم زنان در فیلم‌های امسال و یادی از آنها که نیستند یا نتوانستند

● **استقلال از موسیمانه عبور نمی‌کند**
اولتیماتومی به سرمربی استقلال داده نشده و جلسات اخیر او با مدیران مثبت بوده است

# هشت جنگ جهانی کوچک

## افزایش حیرت انگیز جنجال و زدوخورد های بی‌شرمانه و خونین در مسابقات فوتبال و فوتسال و والیبال و کشتی در ۱۰ روز گذشته. چه مرگمان شده است ؟

**نگین باقری |** فقط از ۲۲ دی ماه تا امروز هفت جنگ جهانی کوچک بین بازیکنان در زمین‌های ورزشی یزد، اهواز، اراک، تهران، گرگان و شیراز اتفاق بالا گرفته است. یک نفر خوشحالی کرده، تیم حریف ناراحت شده. یک استادیوم دیگر بازیکن با حراست یا با توپ‌جمع کن دعوا کرده. یک نقطه دیگر هم فتیله دعوا با کل کل دروازه‌بان و عکاس بالا کشیده. خروجی همه آنها هم توهین و تحقیر، صورت‌های زخمی، شیشه‌های شکسته و دست و پاهایی خونین بوده. این دعواها کی، کجا و چطور اوج گرفت؟

۱- دو روز پیش تقریبا دقیقه ۹۰ بازی سپاهان و چادرملو یک تنش بزرگ اتفاق افتاد. بازیکن سپاهان که گل برتری تیمش را زده بود، رو به هواداران تیم میزبان کرد و دستش را حرکت داد. او با نشان دادن یک فیگور شادی جنجالی و تحریک‌آمیز داور را عصبانی کرد و کارت قرمز گرفت. اما ماجرا اینجا تمام شد؟ نه. دوباره کارش را بعد از کارت قرمز هم ادامه داد و همین موضوع باعث شد یکی از چادرملویی‌ها از نیمکت خارج شود و یک بطری آب سمت او پرت کند. اینجا بود که دعوا بالا گرفت. البته محمدمهدی محبی هم یک شادی معمولی نکرده بود. او بعد از ضربه گل خود رو به هواداران تیم مقابل دستش را شبیه به علامت خوابیدن گرفت. انگار که دارد به آنها می گوید: «شب بخیر. بروید بخوابید.» این دعواها ادامه داشت و سوت پایان باعث نشد که آتشفشان عصبانیت یزدی‌ها خاموش شود. تا جایی که زمان خروج اتوبوس سپاهان، هواداران چادرملو به سمت اتوبوس سنگ پرتاپ کردند و شیشه را شکستند. حتی یکی از اعضای کادر تیم به خاطر این پرتاپ سنگ مجروح شد.

۲- همان روز که در یزد چنین بلوایی به پا شده بود، یک درگیری دیگر در شهر اهواز و بین تیم‌های نساجی و فولاد در جریان بود. اول یک دعوا و درگیری در دقیقه ۹۰ اتفاق افتاد و به دنبال آن دو بازیکن از زمین اخراج شدند و سپس جرقه تنش بعدی از سمت ساکت الهامی سرمربی نساجی زده شد. گره اول چطور شکل گرفت؟ بازیکن تیم نساجی که منتظر شوت توپ جمع کن بود، احساس کرد این نوجوان اهوازی به خاطر جلو افتادن تیم محبوبش، علاقه‌ای به انداختن توپ ندارد و دارد وقت را تلف می کند. البته اینطور که خبرنگاران می گویند این حرکت را توپ‌جمع کن‌های دیگر هم با بازیکنان حریف داشتند. محمدرضا حسینی (بازیکن نساجی) هم عصبانی می‌شود و با او دعوا می کند. این تازه اول ماجرا بود. چند ثانیه بعد یکی از بازیکنان ،دعوا با توپ جمع کن را ادامه می‌دهد. اینجا دیگر خون بازیکن فولاد به جوش می‌آید و دعوای مهرداد رضایی و محمد عسگری بالا می گیرد که در نهایت هم هر دو اخراج می‌شوند. ماجرا تمام شد؟ باز هم نه. بعد از بازی، ساکت الهامی، سرمربی تیم نساجی مازندران با الفاظی زشت شروع به توهین به یحیی گل‌محمدی، سرمربی خوزستانی‌ها می کند.

۳- حالا از اهواز به بازی دیگری در تبریز سفر کنیم. این بار حامد لک دعوا را شروع می کند. آن هم دعوا مقابل یکی از عکاسان پشت دروازه. دقیقه ۷۴ بازی بود که لک به سمت یکی از عکاسان لگد زد. او قبل از این کار ابتدا داور را صدا می زند و وقتی داور سمت او نمی‌رود، لک سمت عکاس حمله و گویا چند فحش نثارش می کند. این بازی بین تیم‌های تراکتور و مس بود و مشخص نیست دلیل این دعوا چه بوده؛عکاس ادعا می کند که آن لحظه فقط گفته: «ای وای» ولی از طرف دیگر، لک می گوید عکاس فحش داده است.

۴- برگردیم به پنج روز قبل، یعنی ۲۹ دی ماه که سپاهان و پرسپولیس در ورزشگاه اراک مقابل هم بازی داشتند. این بار مراسم قهرمانی سوپرجام بود که بازیکنان سپاهان با حراست ورزشگاه امام خمینی اراک دعوا کردند. به یاد بیاوریم که یکی از همین دعواهای دو روز پیش را هم سپاهان با چادرملو داشت. این بار اما دعوا مثل قبلی‌ها مفصل نبود. در جشن قهرمانی سپاهان چند هوادار وارد زمین می‌شوند و مامورهای حراست سعی می کنند او را کنترل کنند که دروازه‌بان ذخیره سپاهان دخالت می کند و درگیری مختصری شکل می گیرد.

### جنگ آخر به از بازی اول

۵-برویم به ۲۸ دی ماه و بازی تیم نوجوانان. اینجا هم یک درگیری باورنکردنی بین پرسپولیس و تیم شاهین تهران در دقیقه ۹۴ اتفاق افتاد که خروجی آن چندین مصدوم بود. درگیری از داخل نیمکت شروع می‌شود. همینطور که همه به سمت نیمکت می‌رفتند، یکی از بازیکنان پرسپولیس تک نفره شروع به هل دادن بقیه می کند و جنجال را به راه می‌اندازد. اینجا همه مشکی پوش‌های تیم حرف از راه می‌رسند این گوشه زمین بعد از چند ثانیه دعوا آرام می گیرد. البته دعوا به جای خاموش شدن، به نقطه دیگری از زمین منتقل می‌شود و قرمز و مشکی آنقدر به هم گره می‌خورند که در این بزن بزن رنگ‌ها را نمی‌شد دیگر از هم تشخیص داد. این ماجرا تا آمدن نیروی انتظامی تمام نشد. از آن وحشتناک‌تر دعوای مشابهی بود که یک سمت آن تیم جوانان کیا قرار داشت و دوباره سمت دیگر آن تیم جوانان پرسپولیس. این دعوا بعد از گل غیرمنتظره بازیکن پرسپولیس در دقیقه ۹۰+۹ اتفاق افتاد که این تیم را از یک شکست نجات داد. بازیکن پرسپولیس بعد از این گل به سمت بازیکنان کیا رفت و شروع به خوشحالی کرد. همان خوشحالی‌های دردسرساز فوتبالیبازیکنان کیا هم طاقت نیاوردند و درگیری فیزیکی عجیب با مشت و لگدهای فراوان شروع شد. به جز چند بازیکن که خود را جدا کرده و راهی نیمکت شدند، تقریبا همه در درگیری شرکت داشتند. از این دعوا صحنه‌هایی باورنکردنی به جا ماند طوری که بازیکنانی که هیچ سمت این دعوا نبودند دور زمین می‌چرخیدند و نمی‌دانستند دقیقا چه کسی را از زیر مشت و لگد نجات دهند.

۶- همین بیست و هشتم دی ماه که از آن حرف شد، یک تنش دیگر هم در زمین فوتسال پشت سر گذاشت. این یکی مربوط به درگیری مدیران مس سونگون با کادر فنی تیم گیتی‌پسند می‌شد. درست در حساس‌ترین نقطه بازی وقتی مس سونگون در خانه مغلوب حریف شده بود، حین خروج بازیکنان تیم مهمان، هواداران مس با بتطری از آنها پذیرایی کردند. این بار بازیکنان تلاش داشتند آرامش را به زمین برگردانند اما مدیران و مسئولان تیم‌ها دست بردار نبودند. دیدار دو تیم گیتی پسند و مس سونگون بارها در اصفهان به جنجال کشیده شده که آخرین مورد آن همین مرداد ماه امسال بوده است.

۷- جنگ و جدال بازیکنان در همین دو هفته اگرچه در فوتبال به حالت انفجار رسیده اما فقط محدود به فوتبالیست‌ها نبوده. بازیوالیبال پاس گرگان و شهرداری ارومیه از آن جدال‌هایی بود که هیچ توضیح منطقی برای آن نمی‌شد آورد. نه بازیکنی خوشحالی بی‌ادبانه‌ای داشت، نه توپ‌جمع کن و نه حراست دخیل بود. دعوا را اتفاقا برخلاف انتظار تیم برنده شروع کرد. ۲۶ دی ماه تیم والیبال ارومیه و پاس گرگان با هم بازی داشتند. اینطور که از ویدیوها پیداست بازیکن ارومیه چند بار با عصبانیت حرکات عجیبی نسبت به تیم مقابل، داور، هواداران و هر کسی که در این زمین بود و نبود انجام می دهد. این بازیکن باسابقه و همیشه عصبانی به نام عرشیا به‌نژاد از تیم ارومیه بعد از اخرج به عیسی سنگدوینی (سرمربی تیم پاس گرگان) لگد می زند. یکی از تماشاگران هم که این صحنه را می‌بیند خودش را به وسط زمین می‌رساند و با مشت او جنگ جهانی شروع می شود. در این دعوا حتی یکی از هوادارها با چاقو به سمت فرد دیگری حمله‌ور می‌شود که او را کنترل می کنند و نسبتا به خیر می گذرد.

۸-شنبه ۲۲ دی ماه هم هنگام برگزاری مسابقات کشتی فرنگی جوانان استان فارس در شهرستان کوار درگیری بین مربیان شیرازی رخ داد. دیگری در این حد که یک نفر چاقوی خود را از جیب درمی‌آورد و یکی از حاضرین (که پدر یک بازیکن بوده) از ناحیه پا با آن زخمی می‌شود. این دعوا هم از سمت مربی شیراز و کشتی گیر شکل گرفت که باز هم مثل همه موارد بالا هواداران را از سکو به میدان کشاند. تصاویر باقی مانده گویای همه چیز است. مردی پشت دوربین مدام تکرار می کند: «آی جوون مردم رو کشتند» همه تماشاچی‌ها داخل زمین هستند و گروهی روی سکوها یقه هم را می گیرند و همدیگر را از روی پله‌ها به پایین پرتاپ می کنند. بازی نیمه تمام به پایان رسید اما حتی دخالت نیروی انتظامی و گاز اشک‌آور هم دعوا را تمام نکرد. تماشاگران و کشتی گیران از سالن خارج شدند و دوباره در خیابان اطراف سالن شروع به کتک زدن همدیگر کردند. فاجعه‌ای که در نهایت منجر به تعطیلی مسابقات کشتی فرنگی در فارس شد.

## من و خاطرات سخت بیمارستان!

### روایت‌های تکان‌دهنده رزیدنت‌ها از رفتارهای عجیب اساتید وسال‌بالایی‌ها

**فاطمه رجبی |** «ما هم آدمیم خانم دکتر، ما هم احساس داریم، ما هم یک‌جایی واقعا کم می‌آوریم از این همه بی‌احترامی...» این بخشی از حرف‌های یکی از رزیدنت‌های دانشگاه شهید بهشتی است که در بیمارستان شهدای تجریش کار می کند و آموزش می‌بیند. وقتی شکایت‌هایش تمام می‌شود صدای یکی از اساتید را می‌شنویم که می گوید: «خانم دکتر، رزیدنتی سخته اگر شما احساس می کنید اشتباه کردید انصراف بدید» این ویدئویی است که در کنار خبر هولناک خودکشی چهار رزیدنت دیگر، بهانه‌ای شده برای بازشدن درددل رزیدنت‌ها یا همان دانشجویان دوره تخصص پزشکی اما این‌بار جنس درددل‌ها کمی متفاوت است، این‌بار دانشجویان دوره تخصصی پزشکی دانشگاه‌های دولتی نه از موظفی‌های طولانی به شکل شیفت‌های پی‌درپی، نه از حقوق کم، نه از شرایط اضطراب‌آور کاری و کمبود پزشک که از یک موضوع عجیب دیگر شکایت می کنند؛ یعنی سلسله‌مراتب پادگانی بین اساتید و سال‌بالایی‌ها و سال‌پایینی‌ها، سیستمی که در آن به هرکس که زورش می‌رسد اجازه می‌دهد با فرد پایین‌تر در این سلسله‌مراتب عجیب، رفتارهایی داشته باشد که ما از خواندن و شنیدنش انگشت به دهان بمانیم.

### آدمت می کنم

«اجازه ندادم ۴۸ ساعت بخوابه تا درس‌عبرت بگیره» این عبارتی است که یکی از رزیدنت‌های سال‌بالایی خودش درباره رفتار با یک رزیدنت سال‌اولی که خطایی مرتکب شده بود تعریف می کند. از این روایت‌ها کم نیست: «بهشون می گفتم اگر با صدای بلند گزارش کنی یه کاری می کنم که کارت به تیمارستان بکشه، واقعا مگه اعصاب من چقدر کشش داره؟» روایت‌ها وقتی از جانب خود رزیدنت‌های سال پایینی روایت می‌شود به مراتب ترسناک‌تر است و گاهی حتی غیرقابل‌باور. یکی از رزیدنت‌های سال سوم جراحی می گوید: «شاید باورتان نشود که بی‌خوابی دادن، یکی از تنبیه‌های بسیار معمولی و رایج بود طوری که اصلا ما حس نمی کردیم کار بدی در حقمان انجام شده است، البته وقتی می گویم بی‌خوابی دادن درباره بی‌خوابی عادی در طول شیفت حرف نمی‌زنم بلکه در مورد تجدید شیفت حرف می‌زنم، مثلا رزیدنت سال‌بالایی به هر دلیلی از دست شما ناراحت است، تصمیم می گیرد بعد از اینکه شیفتتان تمام شد و ۲۴ ساعت تمام نخوابیده‌اید و مریض دیده‌اید، شیفت را تمدید کند و این ۲۴ ساعت به ۴۸ ساعت یا حتی ۷۲ تبدیل شود، طوری که شما در پایان شیفت به حالت نیمه‌هوشیار در بیایید که اصلا اتفاقات اطرافش را به‌درستی متوجه نمی شود. تازه رزیدنت می‌تواند در طول این بی‌خوابی دادن‌ها کارهای دیگری هم بکند مثلا از شما بخواهد چندباره چندباره درباره بیماران مختلف گزارش بدهید یا نمونه‌های آزمایشی و جواب تست‌ها را به بخش‌های مختلف برسانید در حالی که این کارها اصلا ضروری نبوده است و بقیه نیروها آن کارها را انجام می‌دهند. حالا فکر نکنید دلیل عصبانیت آن رزیدنت از شما لزوما به کوتاهیتان در امر درمان و مراقبت از بیمار و... مربوط بوده‌ها، ممکن است یک خنده بیجا، یک حرف ناخوشایند، یک مدل خاص نگاه کردن شما یا حرفی که کسی به نقل از شما به گوش رزیدنت رسانده کاری کند که برای مدت نامعلومی تمام شیفت‌ها برایتان به یک جهنم تمام‌عیار تبدیل شود.»

یک رزیدنت دیگر که در دانشگاه علوم پزشکی ایران درس می‌خواند می گوید: «سال اول بودم که جلوی اتند یعنی استاد، پریدم وسط حرف یکی از رزیدنت‌های سال سه، اینطور نبود که ندانم این کار عواقب دارد، ما از همان دوران عمومی می‌دانیم که قواعد حاکم بر رزیدنتی چیست، اصلا در همان دوره عمومی هم رفتارهای خیلی بدی در شیفت‌های بیمارستانی با ما می‌شد اما واقعا در آن لحظه حواسم نبود، شب قبل شیفت بودم و نکته‌ای در مورد یکی از بیماران به ذهنم رسید. بعد از جلسه مورنینگ، آن رزیدنت سال سه در حالی که از کنارم رد می‌شد گفت آدمت می کنم و واقعا هم چهار ماه بعد از آن روز بدترین روزهای زندگی‌ام شدند. آنقدر تحقیر شدم و توهین شنیدم و شیف های اضافه برداشتم که از ۷۴ کیلو رسیدم به ۶۱ کیلو و انگشت کوچک دست راستم پرش گرفته بود. ادامه در صفحه ۰۳

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

## در دنیای تو ترامپ چند است؟

خوب است از این گنگی و خواب‌آلودگی در بیاییم: آیا باید با دولت ترامپ مذاکره کنیم؟ شما ممکن است معتقد باشید او قاتل مهم‌ترین و اثرگذارترین سردار معاصر ایرانی است و در تعارض و تناقض با همه آرمان‌های ملی و دینی ما عمل کرده یا شاید معتقد باشید برای حفظ شرایط زندگی مردم، با شیطان هم می‌توان مذاکره کرد. ۱۰ سال از همین پرسش، گذشته است. ۱۰ سال پیش که مذاکرات برجام در حال پیشروی بود و همه ما پیگیر اتفاقات شهر ژنو بودیم، همین سؤالات در روزنامه‌های له و علیه دولت مطرح و حمله‌ها و دفاعیه‌ها صورت می‌گرفت. ۱۰ سال پرحادثه‌ای که در آن مردم ایران به اندازه چند دهه حوادث مختلف و پرمشقت را تجربه کردند و فشار روانی بسیاری را متحمل شدند. آیا دوگان آرمان-معیشت که امروز خیلی‌ها به آن می‌دمند، اساسا دوگانه درستی است؟ آیا ضلع سوم و مسئله اصلی فرهنگی نیست؟ ما خوابیم و نمی‌بینیم فضای عمومی غرب ایران را قربانی بعدی می‌خواهد تا به‌زعم خودش کار خاورمیانه یکسره شود. فضای سیاسی، اقتصادی و حالا فرهنگی کاملا علیه ایران است. در همین یک سال در سه سریال تلویزیونی مشهور، یعنی لاکربی، فصل دوم شیرزن و قسمت آخر فصل دوم سیلو، ایران خطر جهان است؛ یعنی افکار عمومی جهان برای آسیب زدن به ایران باید آماده شوند. آیا مردم ما آماده‌اند؟ آیا کسی با ما حرف می‌زند؟ بدیهی است که کار سختی در پیش داریم. برای سیاستمداران و متولیان حوزه اقتصاد و حتی دفاعی سخت‌تر، اما متولیان فرهنگی کجا نشستند؟ ما به مردم چه باید بگوییم؟ چرا مدام در ابهام صحبت می‌کنیم و اجازه می‌دهیم تا کلامان تفسیرپذیر باشد و دوگانه آرمان-معیشت سیاسی و عقیدتی شود. برای مردم ترامپ، نماد یک فشار حداکثری است و هر کس در دنیای خودش او را به یک حادثه، اندیشه یا مسیر دلالت می‌دهد. من می‌فهمم که در عالم سیاست و اقتصاد هنوز کار زیادی با او و جهان داریم و باید قدم‌های آهسته و باتدبیر برداریم؛ اما مردم کجای قدم‌ها و تصمیمات ما هستند؟

پس از روی کارآمدن ترامپ یادداشتی پیرامون بازگشت جهان به ایده‌های پیش از جنگ جهانی دوم نوشتم. حالا می‌توان طلیعه تحقق بسیاری از آن‌ها را در رفتارهای همین چند روز رئیس‌جمهور جدید آمریکا مشاهده کرد و باور داشت که جهان با رهبران محافظه‌کار غربی یک رجعت جبری را سپری خواهد کرد و آن پسامدرنیسم بازگشتی محقق می‌شود. امواج آمدن ترامپ اول از همه فرهنگی است که ما آن را درک نمی‌کنیم و برایش برنامه نداریم. در اینجا ترامپ یک نماد ذهنی است که ذیل یک دوگانه پیچیده سیاسی-اقتصادی، مضاعف و تشدید می‌شود: آرمان یا معیشت. مذاکره آری یا نه. همه به ۱۰ سال پیش بازگشتند و قرار است در تب‌وتاب انتظار رخدادهای پیش رو باشند. ما باید بفهمیم امواج فرهنگی ترامپ از تأثیرات شخص او مهم‌تر است. او حامل ترس و اضطراب، دلهره و بی‌آیندگی است. دعوای نخبگانی را بگذاریم کنار، مردم نگران‌اند و باید به لحاظ فرهنگی آن‌ها را آرام کنیم. مردم سؤالشان این است که سرنوشت فردی و جمعی ما چه می‌شود و در ذهنش ترامپ یعنی گرانی بیشتر، یعنی سایه جنگ، یعنی تشدید تنش. ما اقتصاد و سیاست را می‌بینیم اما نیازمان فرهنگی است. ما مدیریت افکارعمومی می‌خواهیم چون سرمایه اجتماعی‌مان در گرو آن است. چه برای تصمیمات سخت و چه برای در دست گرفتن نبض جامعه، ما باید بدانیم در دنیای ما ترامپ «چند» است.

اپ خبری هفت صبح
دانلود از وب سایت هفت صبح
www.7sobh.com

با نصب این نرم افزارموبایلی ، همزمان با تحریریه روزنامه هفت صبح از تازه ترین اخبار، تصاویر و ویدئوهای خبری آگاه شوید. محتوای خبری این اپلیکیشن متفاوت از روزنامه چاپی خواهد بود وسعی‌مان این است بین صدها خبر و گزارش روزانه ، مهم ترین اخبار را در اختیاراتان قرار دهیم. برای ثبت نظر ، لایک و ابراز احساسات نسبت به اخبار منتشر شده باید به عنوان عضو عادی ثبت نام کنید.
عضویت عادی و استفاده از نرم افزار رایگان است اما در نسخه جدید نرم‌افزار خبری هفت‌صبح این امکان فراهم شده است که اعضاء ویژه با خرید اشتراک هفتگی ، ماهانه یا سالیانه به نسخه pdf روزنامه و سایر گزارش‌ها ، یادداشت‌ها و مطالب اختصاصی روزنامه دسترسی پیدا کنید.

# دستگاه‌های دولتی و نظارتی نباید سرعت گیر بخش خصوصی باشند

## رهبر انقلاب: آینده نشان خواهد داد چه کسی ضعیف شده

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به سخنانی ناشی از توهم و خیالبافی مبنی بر ضعیف شدن ایران، گفتند: آینده نشان خواهد داد که چه کسی ضعیف شده است.

» نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور به عنوان یک الزام کاملا جدی، به بخش خصوصی کمک کند و موانع را از مسیر تحرک و پیشرفت آن بردارد.

» متاسفانه به علت کم‌کاری‌های رسانه‌ای، جوانان، دانشجویان و قشرهای دیگر از این خبرهای خوش و پیشرفت‌های به‌دست آمده مطلع نیستند که مسئولان این امر باید با بحث و بررسی دقیق، یک کار مهم رسانه‌ای را در این زمینه برنامه‌ریزی و اجرا کنند.

» در سال ۹۸ و در اوج تحریم‌ها و تهدیدهای مضاعف، تولیدکنندگان و کارآفرینان را فرماندهان خط‌مقدم جنگ اقتصادی نامیدیم و رشد تولید را خواستار شدیم که جلسات سال‌های بعد نشان داد بخش‌خصوصی در روند افزایش قدرت و خلاقیت حرکت می‌کند.

» اگرچه بخش‌خصوصی در زمینه اقتصاد از مصادیق پیشرفت کشور است اما در عرصه علم و تحقیق و بخش‌های دیگر هم نشانه‌های پیشرفت آشکار است؛ البته مشکلات، عیوب و نواقص هم کم نیست که رفع آنها به ما مسئولان برمی‌گردد.

» با تاکید بر وظیفه جدی مسئولان برای رفع گله‌های فعالان اقتصادی: نظام تصمیم‌گیری و اجرایی به مفهوم واقعی کلمه «باید» به بخش خصوصی کمک و موانع پیشرفت آن را رفع کند.

» باید در عین افزایش مراقبت‌ها، کمک‌ها را هم برای کسانی که خواهان پیشرفت کشور هستند افزایش داد.

» رشد ۸ درصدی البته معجزه نمی‌کند اما اگر استمرار پیدا کند و عوائد و نتایج آن عادلانه تقسیم شود، وضع کشور تغییر محسوس خواهد کرد.

» سامانه مالی بریکس که تبادل مالی با ارزهای کشورهای عضو را ممکن می‌کند، ظرفیت مهمی است.

» حذف هر چه ممکن دلار از مبادلات تجاری ضروری است. این کار که رئیس‌جمهور محترم هم به دنبال آن هستند، کاری بزرگ و مهم و در کارزار اقتصادی، حرکتی بسیار قاطع و تعیین‌کننده است و بانک مرکزی باید میدان را برای تخصیص ارزهای دیگر باز کند، البته انجام آن عکس‌العمل‌هایی خواهد داشت اما دست کشور را قوی‌تر می‌کند.

» با اشاره به گلایه یکی از تولیدکنندگان در نمایشگاه روز سه‌شنبه مبنی بر طولانی‌تر شدن زمان صدور یک مجوز با وجود تذکر این موضوع در سخنرانی سال گذشته رهبری: من از این مسئله واقعاً شرمنده شدم. این مسائل را باید حل کرد و حل آنها در گرو باور و پای‌بندی عملی به ضرورت کمک به بخش خصوصی است به گونه‌ای که بخش خصوصی احساس کند که پشتش به کمک‌های دولتی گرم است و امور بدون مانع‌تراشی، سهل و روان انجام می‌شود.

» با اشاره به سخنانی ناشی از توهم و خیالبافی مبنی بر ضعیف‌شدن ایران: آینده نشان خواهد داد چه کسی ضعیف شده است همچنان که صدام نیز به خیال ضعیف‌شدن ایران، تهاجم را آغاز کرد و ریگان هم با همین خیال به او کمک‌های آنچنانی کرد اما سرانجام آن دو دهه‌ها متوهم دیگر، همه به درک واصل شدند و دیگری اسلامی روزبه‌روز رشد پیدا کرد که این تجربه به فضل الهی قابل تکرار است.

**زیرک اما پرحاشیه؛ در مورد معاون اول ترامپ چه می‌دانیم؟**

**مهسا مژدهی | در دل آپالاچی، جایی که رویای آمریکایی برای بسیاری رنگ باخته، پسری به دنیا آمد که سرنوشتش را خود رقم زد. این داستانی است که توانسته قلب ایرانی‌ها طرفدار ترامپ و آمریکایی‌ها را به شوق بیاورد و زندگی جی‌دی‌ونس، معاون اول دولت ترامپ را تبدیل به قصه‌ای سرشار از جذابیت کند.**

**جیمز دیوید ونس، که امروز به عنوان معاون رئیس‌جمهور منتخب آمریکا شناخته می‌شود، زندگی خود را به شکلی روایت می‌کند تا ستاره و قهرمان زندگی‌اش شناخته شود. او متولد سال ۱۹۸۴ در ایالات اوهایو است و ۴۱ سال سن دارد. طبق زندگینامه خودنوشت ونس که بعدها فیلمی هم از روی آن ساخته شده، کودکی او با چالش‌های بسیاری همراه بوده است. مادری که با اعتیاد دست و پنجه نرم می‌کرد و پدری که خانواده را ترک کرده بود. ونس با پیوستن به نیروی تفنگداران دریایی آمریکایی و ورودش را به زندگی بزرگسالی اعلام کرد. پس از خدمت نظامی، او راهی دانشگاه شد و در دانشگاه ایالتی اوهایو و دانشکده حقوق ییل درس خواند. اما آنچه ونس را به شهرت رساند، کتاب خاطراتش مرثیه هیلبیلی بود. این کتاب که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد، نه تنها داستان زندگی او، بلکه روایتی از چالش‌های طبقه کارگر آمریکا به حساب می‌آمد. قلم و نحوه نگاه ونس توجه زیادی را به خود جلب کرد.**

**در عرصه سیاست، ونس خود را به عنوان یک محافظه‌کار ملی‌گرا معرفی می‌کند. دیدگاه‌های او ترکیبی جالب از ارزش‌های سنتی و ایده‌های اقتصادی جدید است. مواضع سیاسی ونس گاهی هم جنجال‌برانگیز بوده است. او در حالی که از سیاست‌های حمایتی برای کارگران دفاع می‌کند، با بسیاری از جنبش‌های اجتماعی مدرن مخالف است. این تناقض ظاهری، او را به چهره‌ای پیچیده و بحث‌برانگیز در صحنه سیاسی آمریکا تبدیل کرده است که مخالفان زیادی دارد. تصویری که او از زندگی شخصی‌اش ارائه می‌کند؛ یک مرد سعادتمند با همسری است که عاشقانه او را دوست دارد. اوشا وکیلی هندی آمریکایی است و این زوج دو فرزند دارند.**

**انتخاب ونس به عنوان معاون رئیس‌جمهور منتخب در سال ۲۰۲۵، نقطه عطفی در زندگی سیاسی او بود. بیش از آن کسی فکر نمی‌کرد که این مرد جوان نسبتا کم‌تجربه و پرشور بتواند جای افرادی چون کامالا هریس را بگیرد. در واقع برای دموکرات‌های آمریکایی، رسیدن ونس به این مقام به یک شوخی شبیه داشت. اما جی‌دی‌ونس بخش مهمی از موفقیت خود را مدیون شناختش از شبکه‌های اجتماعی است. او به‌نوعی یک ستاره شبکه‌های اجتماعی محسوب می‌شود و از این امتیاز برای پیشرفت‌های سیاسی استفاده کرده است. ونس دوربین، اینستاگرام، توئیتر و تیک تاک را از این ابزارها چطور برای پیشبرد اهدافش استفاده کند.**

**خبر**

# سخنگوی شورای نگهبان: اشکالی به لایحه پالرمو نداریم

طحان نظیف روز گذشته در نشست خبری خود در مورد برخی از مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در شورای نگهبان اطلاع‌رسانی کرد. یکی از این موضوعات مساله افای تی اف بود. طحان نظیف در این زمینه گفت شورای نگهبان نسبت به لایحه پالرمو ابهام و اشکالی نداشته است و علت ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت ناشی از ایرادات هیأت‌عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام بود که با اصرار مجلس به مجمع، ارجاع شد.

طحان نظیف درباره واردات خودرو هم توضیح داد: شورای نگهبان درباره واردات خودرو هیچ ابهام و اشکالی نداشت و این موضوع به مجلس منعکس شد، در حال حاضر بایدا از مجمع پیگیر باشید که آیا اصلاحات انجام شده توسط نمایندگان رافع ایراد هیات‌عالی نظارت بوده یا خیر.

ندارد. او با اشاره به طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت نیز گفت: ایرادات این طرح بعد از چند بار رفت و آمد بین مجلس و شورای نگهبان برطرف شد. اما هیأت‌عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام اشکالاتی نسبت به آن داشت که به مجلس ارجاع شد و با اصرار مجلس به مجمع تشخیص ارجاع شد.

طحان نظیف درباره واردات خودرو هم توضیح داد: شورای نگهبان درباره واردات خودرو هیچ ابهام و اشکالی نداشت و این موضوع به مجلس منعکس شد، در حال حاضر بایدا از مجمع پیگیر باشید که آیا اصلاحات انجام شده توسط نمایندگان رافع ایراد هیات‌عالی نظارت بوده یا خیر.

و درباره گمانه‌زنی برخی از جریانات سیاسی درباره مهندسی انتخابات توسط شورای نگهبان نیز گفت: شورای نگهبان یک نهاد تخصصی حقوقی است و مبنایش در بحث احراز شرایط داوطلبان قانون است. آنچه شورای نگهبان بررسی می‌کند این است که افراد تبت‌نام کننده شرایط قانونی دارند یا نه، طبیعتاً جریانات با عینک سیاسی به موضوعات نگاه می‌کنند و ممکن است با عینک سیاسی درباره شورای نگهبان قضاوتی داشته باشند، اما شورای نگهبان نگاه جناحی، حزبی یا گروهی نداره و مبنای خود را قانون می‌داند و برای خوش آمد یا خوش‌نیامد دیگران کاری را انجام نمی‌دهد.

**چهره روز**

# ظریف: نابودی پدافند هوایی ایران توسط اسرائیل یک ادعاست

محمدجواد ظریف، ساعت چهار عصر روز چهارشنبه سوم بهمن‌ماه در داووس، پای سوالات خبرنگار مشهور آمریکایی، فرید زکریا نشست و به برخی از پرچالش‌ترین سوالات زکریا پاسخ داد. فرید زکریا که پنج سال از ظریف کوچک‌تر است، اصلیتی هندی دارد و از چهره‌های شناخته‌شده در حوزه سیاست خارجی محسوب می‌شود. او دکترایش را از دانشگاه هاروارد گرفته و علاوه بر تسلط بر مسائل بین‌المللی، به‌دلیل تسلطش به زبان انگلیسی فاخر، مورد توجه قرار می‌گیرد. فرید زکریا پیش از مصاحبه روز گذشته در محل برگزاری نشست داووس، دو مرتبه دیگر هم با او گفت‌وگو کرده بود. در سال ۲۰۱۳، فرید زکریا یک مصاحبه اختصاصی با ظریف انجام داد که در شبکه سی‌ان‌ان پخش شد. سال ۲۰۲۱، مصاحبه دیگری بین این دو نفر برگزار شد که مورد توجه قرار گرفت.

» اعضای مجموعه مقاومت هرگز از ایران با دستورات آن پیروی نکرده‌اند. ما از هفتم اکتبر اطلاعی نداشتیم، ما نیز شوکه شدیم، زیرا قرار بود با آمریکایی‌ها درباره برجسام در نهم اکتبر دیدار داشته باشیم که به‌خاطر عملیات طوفان‌الاقصی، دیداری صورت نگرفت.

» اگر به خاطر داشته باشید در سال ۱۹۸۲ اسرائیل در جنگ خود علیه لبنان، تا بیروت را فتح کرد تا مقاومت فلسطین را به کل نابود کند. از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷، جهاد اسلامی، حزب‌الله و حماس شکل گرفتند. در همین راستا از دیگران می‌خواهم درباره نابودی حماس، حزب‌الله یا قطع دست‌های ایران در منطقه رویاپردازی یا ابراز خشنودی نکنند، زیرا مقاومت تا زمانی که اشغالگری ادامه پیدا کند، باقی خواهد ماند.

» مقاومت در برابر نسل‌کشی، اشغالگری و آپارتاید اسرائیل حتی پیش از انقلاب اسلامی در ایران وجود داشت. مقاومت دقیقا در زمانی که اسرائیل باور داشت مقاومت فلسطین را درهم شکسته، قدرت گرفت.

» اکنون به غزه نگاه کنید، حماس همچنان در غزه حضور دارد، نتانیاهو به هیچ یک از اهداف خود از جمله نابودی حماس نرسید، از طرفی اسرائیل واداز به پذیرش آتش‌بسی موقت شد که امیدوارم این آتش‌بس به‌خاطر ۵۰ هزار غیرنظامی که توسط اسرائیل قتل‌عام شدند، ادامه پیدا کند. مقاومت نموده است. آرزوهای دیگران دربباره از بین رفتن مقاومت، بر پایه اطلاعات و چارچوب ساخته شده توسط اسرائیل شکل گرفته است.

» درباره ادعای زکریا از پیرامون تسلیح نیروهای موضوع صحبت نکنیم. بسیاری، از نیروها و کشورها را علیه دیگران تسلیح و مجهز می‌کنند و موفق نبوده‌اند. بگذارید آشکار بگویم، ما همواره از حقوق‌شهر حمایت کردیم.

- در پاسخ به ادعای زکریا درباره نابودی پدافندهای هوایی ایران توسط اسرائیل: این صرفا یک ادعاست. ما بدون هیچ پدافند هوایی با سلاحی علیه عراق جنگیدیم.

» در پاسخ به سوالی درباره حضرت در ایران: اگر در خیابان‌های تهران قدم بزنید، می‌بینید که برخی خانم‌ها حجاب بر سر ندارند و علیرغم اینکه این اقدام غیرقانونی است؛ اما حکومت تصمیم گرفته که به زنان فشار وارد نکند. این وعده‌ای است که آقای پزشکیان داده بود. باید بگویم این امر با تلاش آقای پزشکیان و با رضایت مسئولان عالی ایران شامل رئیس قوه‌قضائیه، رئیس پارلمان و شورای امنیت‌ملی انجام گرفته است.

» در پاسخ به ادعای نبود حقوق‌بشر و آزار و اذیت زنان در ایران: من افتخار این را داشتم که توانستم نقشی در تشکیل کابینه دولت داشتم و هم‌اکنون چهار زن در کابینه حضور دارند.

- در پاسخ به سوال فرید زکریا که پرسید آیا وزرای زن را روسری سر جلسات دولت حاضر می‌شوند: بله. خود آنان انتخاب کرده‌اند که به قوانین کشور احترام بگذارند.

**گزارش روز**

# حل معماهای جدید؛ از میدان ارگ تا زندان سمنان

## توضیحات جدید قوه قضاییه درباره اسلحه قاتل دو قاضی و اطلاعاتی جدید درباره خودکشی تبعه سوئیس

سخنگوی قوه قضاییه دیروز در نشست خبری خود درباره پرونده تتلو، اتهام اقتصادی رییس سازمان خصوصی‌سازی، ترور دو قاضی و عامل حمله به سفارت آذربایجان در خرز زد. بخش‌های مهم اظهارات او را می‌خوانید.

» **پرونده اقتصادی برای رئیس فعلی سازمان خصوصی سازی**: به اتهام معاونت در اخلال در نظام اقتصادی کشور یک پرونده برای رئیس سازمان خصوصی‌سازی باز شده است. اصغر جهانگیر درباره اتهام‌های این فرد اینطور توضیح داده که در زمان مدیریت رییس اسبق بر سازمان خصوصی‌سازی به تسهیل یک بزه کمک کرده است. به گفته قوه قضاییه «او از طریق تضییع وجوه دولتی به نحو تسهیل وقوع بزه در برخی از واگذاری‌های سازمان خصوصی‌سازی که در دوره رئیس اسبق سازمان خصوصی سازی انجام شده بوده متهم شده است.» این رییس اسبق که از آن حرف زده می‌شود پوری حسینی است که سال ۱۳۹۸ از سوی دستگاه قضایی کشور بازداشت شد. پس از آن فرهاد دژپسند وزیر امور اقتصادی و دارایی طی حکمی، داوود خانی را به عنوان سرپرست سازمان خصوصی سازی منصوب کرد و پوری حسینی به ۱۵ سال حبس محکوم شد. از جمله اتهامات پوری حسینی، این بود که بخش زیادی از واگذاری‌ها بدون رعایت تشریفات قانونی انجام شده و شرکت‌ها بدون رعایت مقررات به افرادی واگذار شده که صلاحیت اداره این شرکت‌ها را نداشتند.

» **دستگیری متهم مربوط به حادثه تروریستی اخیر و شهادت دوقاضی**: اسلحه قاتل غیرسازمانی و فاقد پایه یک خط گروهکی و منافق در ارتباط بوده است. فردی در یکی از استان‌ها شناسایی شد که ظاهراً اسلحه را با هماهنگی ایشان منتقل کرده بود و آن فرد دستگیر شده و در حال اعزام به تهران است.

» **تتلو**: هنوز حکم قطعی برای او صادر نشده است.

» **آخرین وضعیت پرونده شهادت روح الله عجمیان**: در این رابطه با صدور حکم اعدام برای دو نفر از متهمان و همچنین عفو ۵ نفر از متهمان و حبس ۸ نفر از متهمان از جمله همین آقای حمید قره حسنلو که به ۱۵ سال حبس در تبعید در زندان یزد محکوم شد، حکم قطعی و در حال اجراست.

» **خودکشی تبعه سوییس در زندان**: ایشان در مهرماه سال جاری با خودرو شخصی که مجهز به انواع تجهیزات فنی با کاربردهای مختلف بوده از مرز دوغارون به عنوان گردشگر وارد کشورمان شده است. نام برده متولد کشور نامیبیا و تبعه سوئیس بوده که پس از عبور از چند استان وارد سمنان شده و در منطقه دلتای نظامی که منطقه ممنوعه نظامی است، حین عکسبرداری از منطقه ممنوعه دستگیر و به اتهام عکس برداری از مناطق ممنوعه و به اتهام همکاری با دول متخاصم بازداشت و در نتیجه به زندان منتقل شده است. همزمان با دستگیری نامبرده مراتب درخواست وی به سفارت سوئیس در تهران هم اطلاع رسانی شده است. در روز حادثه نام برده پس از صرف صبحانه به صورت سرپایی که قیلم آن موجود است در غیاب هم سلولی خودش بزل سلول را خاموش کرده و در نقطه ای که امکان رصد دوربین وجود نداشته و امکان ضبط دوربین نبوده با استفاده از برشی که در پارچه موجودی که در پرده ورودی سرویس بهداشتی بوده موفق شده که خودش را حلق آویز کند. با اجازه صادره مقامات قضایی هیأتی از سفارت سوئیس هم به همراه پزشک معتمد در محل حادثه حاضر شدند و جسد را معاینه کردند و خودکشی این شخص را تایید کردند. جسد به پزشکی قانونی تهران منتقل شد و با حضور نماینده‌گان سفارت سوئیس برای انتقال جسد به آنها برای انتقال به خارج از کشور جسد تحویل آنها داده شد.

» **آخرین وضعیت پرونده عامل حمله به سفارت آذربایجان**: پرونده پس از صدور رای به تایید رییس کنونی سازمان، در زمان ریاست پوری حسینی مسئولیت داشت.

» **دستگیری متهم آلودگی هوا**: در خصوص قانون هوای پاک پرونده‌ای در مجتمع قضایی کارکنان دولت تحت رسیدگی قرار گرفته که پس از صدور کیفرخواست از سوی دادسرای تهران چند نفر متهم شناخته و محکوم شدند. یکی از آنها یکی از معاونین سازمان ملی استاندارد متهم به سوء استفاده از مقام و موقعیت شغلی مرتبط شده. یکی دیگر از این افراد یکی از معاونین وزارت نیرو نفت است. یکی دیگر از متهمان یکی از معاونان وزارت نیروست. یکی دیگر هم یکی از معاونین سازمان ملی استاندارد است و نفر بعدی هم یکی از معاونان سازمان محیط زیست بوده.

**گلری**

۷ «شاهین مصطفی‌اف» معاون نخست‌وزیر جمهوری آذربایجان، ظهر چهارشنبه با «علی‌اکبر احمدیان» دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در ساختمان این شورا دیدار و گفت‌وگو کرد. عکس از احمد معینی جم / ایرنا.

۸ قابی از نمایش جشنواره الفبا به کارگردانی گلاب آدینه و نوشته افشین هاشمی که هر شب ساعت ۱۸:۴۵ در تماشاخانه ملک به روی صحنه می‌رود. عکس از ایلنا.

۶ سرلشکر محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، همراه‌سازی رئیس قوه قضاییه و علی لاریجانی در مراسم ترحیم دو قاضی ترور شده دیوان عالی کشور. عکس از علی خلیلی / ایلنا.

۶ خانم شیوا خادمی، نویسنده کتاب «خاک کارخانه: پارچه‌های تاتمام چیت‌سازی بیشهر و سرگذشت آخرین کارگران» از نشر اطراف که دیروز در جشنواره جلال آل‌احمد شایسته تقدیر شناخته شد. عکس از هادی زند / ایسنا.

۷ یکی از حاضران در دیدار دیروز فعالان اقتصادی با رهبری. عکس از سایت رهبر انقلاب.

۸ خانم فریبا متخصص در آیین افتتاحیه جشنواره تئاتر فجر از او در این مراسم تقدیر شده است. عکس از شیدا پوریوسف / ممیزان.

۶ قابی از رقابت‌های تیراندازی المپیاد ورزشی بازنشستگان شهرداری تهران که صبح چهارشنبه در سالن تیراندازی مجموعه ورزشی کیکانیان برگزار شد. عکس از برنا.

**سایت نگار سیاسی / گزیده‌ای از تحلیل‌های جناح‌های سیاسی**

» **با ترامپ باید چه کنیم؟** گزیده صحبت‌های محمد خواجویی، عضو مرکز تحقیقات استراتژیک خاورمیانه، در گفت‌وگو با انتخاب را بخوانید: اولین نکته‌ای که باید پذیرفته شود، این است که دیگر نمی‌شود با دست‌فرمان فلبی حرکت کرد و باید سیاستی جدید در پیش گرفته شود. شرایط به طور کلی با دولت اول ترامپ متفاوت است. در آن سال‌ها ایران و معروف مقاومت از نوع قدرت در منطقه بودند و امکان تاب‌آوری کمتر ایران نیز بسیار بیشتر بود. اما در حال حاضر به دلیل تحولات ۱۵ ماه اخیر در منطقه از جمله آسیبی که گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان و عراق متحمل شده‌اند و نیز سقوط بشار اسد در سوریه، ایران چندان نمی‌تواند از ابزار قدرت خود در حوزه منطقه‌ای استفاده کند. اقتصاد ایران نیز قدرت تاب‌آوری برای یک دوره چهار ساله فشار حداکثری و کاهش درآمدهای نفتی را ندارد. بنابراین باید پذیرفت که وضعیت کنونی، برای ایران مطلوب نیست و نمی‌تواند بدون هزینه از این وضعیت خارج شود. مهم این است که با کمترین هزینه این اتفاق بیفتد. به باور من هر سیاستی که ترامپ را به رقابت با ایران وادار کند، آسیب‌زاست. ویکردهای نتانیاهو در قبال ایران سوق داده‌اند، اشتباه است. بنابراین به باور من باید به سمت ابزارهای دیپلماتیک و سیاسی رفت. هرچند نباید انتظار داشته باشیم که بتوانیم به توافقی نسبتی برسیم. با بسیاری از فرصت‌ها از دست داده‌ایم و طبیعی است که در شرایط کنونی انتخاب‌های زیادی نداریم. به نظر می‌رسد در ایران تصمیم قاطع و واحد و مشخصی درباره رفع چالش‌ها با آمریکا شکل نگرفته است. در حالی که بخشی از حاکمیت به‌ویژه در دولت پزشکیان از ضرورت مذاکره سخن می‌گویند، بخش‌های دیگری نیز از پی‌نتیجه بودن مذاکره صحبت می‌کنند و حتی به مدافعان مذاکره حمله می‌کنند. مشکل دسته دوم این است که هیچ ایده ایجابی برای پیشبرد منافع ایران ارائه نمی‌دهند. اگر مذاکره بد است پس چه چیزی خوب است؟

» **نماینده حامی طرح صیانت، رئیس فراکسیون هوش مصنوعی مجلس**: بهروز محبی نجم‌آبادی سخنگوی فراکسیون هوش مصنوعی و فناوری‌های دانش‌بنیان مجلس دوازدهم گفت: فراکسیون هوش مصنوعی و فناوری‌های دانش‌بنیان مجلس دوازدهم تشکیل و انتخابات هیات رئیسه آن برگزار شد.

وی گفت: براساس این گزارش تمامی فراکسیون هوش مصنوعی و فناوری‌های دانش‌بنیان، رضا تقی‌پور انوری، نماینده تهران، زری شهریار، اسلامشهر و پردیس به عنوان رئیس و مصطفی طاهری، نماینده زنجان و طارم و محمد جلالی، نماینده محلات و دلیجان به ترتیب به عنوان نایب رئیس اول و دوم این فراکسیون انتخاب شدند. نجم‌آبادی خاطرنشان کرد: سیدعلی یزدی‌خواه، نماینده، تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس به عنوان دبیر و بهروز محبی نجم‌آبادی، نماینده شهرستان، جغتای، جوین، خوشاب، داورزن و شاندیز به عنوان سخنگوی فراکسیون هوش مصنوعی و فناوری‌های دانش‌بنیان مجلس دوازدهم انتخاب شدند. (تسنیم)

» **تحلیل‌های جدید محسن رضایی و توصیه او به ترامپ!** فرمانده سپاه پاسداران در دوران جنگ تحمیلی در مصاحبه با شبکه المیادین گفت:

هدف اصلی بازگشت آمریکا به منطقه و تسلط بر منابع آن و بازیابی قدرت خود و توانمند شدن برای مقابله با چین و داشتن جایگاه قدرت در آینده جهان است و موضوع فقط ایران نیست. اسرائیل نیز در این میان به دنبال آینده خود است اما می‌بینیم که بی‌آینده و دچار شکستی مفتضحانه شده است.

آنچه در ۱۵ ماه اخیر در منطقه رخ داد، نبردی تمام‌عیار میان محور مقاومت و محور سلطه در منطقه بود. دو حادثه مهم در این مدت اتفاق افتاد؛ اول عملیات طوفان‌الاقصی که ۲۴ ساعته انجام شد و دیگری حمله ۱۸۰ ماهه اسرائیل به غزه و محور مقاومت و مقابله غرب، لبنان، یمن و عراق با اسرائیل که در هر دو نبرد اسرائیل به گواه کارشناسان و تحلیلگران خودشان شکست سنگینی خورد. اسرائیل پس از عملیات پیجرها و همچنین ترور شهید سیدحسن نصرالله به خیال پیشروی سریع تا رودخانه لیتانی تجاوز زمینی را آغاز کرد اما حتی تا مناطق پیشروی در حدّ ۳۳ روزه هم نرسید و لذا مجبور به دیپ و بهروز محبی نجم‌آبادی، نماینده شهرستان، جغتای، جوین، خوشاب، داورزن و شاندیز به عنوان سخنگوی فراکسیون هوش مصنوعی و فناوری‌های دانش‌بنیان مجلس دوازدهم انتخاب شدند. (تسنیم)

» **تحلیل‌های جدید محسن رضایی و توصیه او به ترامپ!** فرمانده سپاه پاسداران در دوران جنگ تحمیلی در مصاحبه با شبکه المیادین گفت:

هدف اصلی بازگشت آمریکا به منطقه و تسلط بر منابع آن و بازیابی قدرت خود و توانمند شدن برای مقابله با چین و داشتن جایگاه قدرت در آینده جهان است و موضوع فقط ایران نیست. اسرائیل نیز در این میان به دنبال آینده خود است اما می‌بینیم که بی‌آینده و دچار شکستی مفتضحانه شده است.

آنچه در ۱۵ ماه اخیر در منطقه رخ داد، نبردی تمام‌عیار میان محور مقاومت و محور سلطه در منطقه بود. دو حادثه مهم در این مدت اتفاق افتاد؛ اول عملیات طوفان‌الاقصی که ۲۴ ساعته انجام شد و دیگری حمله ۱۸۰ ماهه اسرائیل به غزه و محور مقاومت و مقابله غرب، لبنان، یمن و عراق با اسرائیل که در هر دو نبرد اسرائیل به گواه کارشناسان و تحلیلگران خودشان شکست سنگینی خورد. اسرائیل پس از عملیات پیجرها و همچنین ترور شهید سیدحسن نصرالله به خیال پیشروی سریع تا رودخانه لیتانی تجاوز زمینی را آغاز کرد اما حتی تا مناطق پیشروی در حدّ ۳۳ روزه هم نرسید و لذا مجبور به

**یادداشت**

# یافتن راه رستگاری میان تولید و ورشکستگی

**مهدی الیاسی** | اگر تولید کننده‌اید حواستان باشد ورشکست نشوید و این یادداشت را تا پایان بخوانید! تولید در اقتصاد تورمی و بی‌رونق ایران زهره شیر می‌خواهد. تورم، قیمت فروش را بالا می‌برد، همچنین قیمت مواد اولیه و دیگر هزینه‌های تولید همچون حمل‌ونقل و انبارداری را هم پیوسته می‌افزاید. این شرایط در کنار رکود، سود موثر تولیدکننده بی‌نوا را می‌کاهد.

در چنین وضعیتی نظارت دقیق بر فروش، وصول مطالبات و مهار هزینه‌ها اقداماتی است که همواره در تیررس تولیدکنندگان است تا مبادا زیان کند که ما عامل پنهان دیگری نیز هست که در عین مستوری، خطرناک است و آن «پهای تمام شده» کالاهای تولیدی است. گویند شیطان در جزئیات است پس باید در جزئیات، نازک‌تر شویم. اگر درآمد فروش کالا را از هزینه‌های عمومی و اداری بکاهیم آنگاه بهای تمام کالای فروخته شده مشخص می‌کند آیا فعالیت تولیدی شما سودده یا زیان‌ده بوده است. ظاهر این معادله ساده است اما عنق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها! اگر محاسبه سود یا زیان به همین سادگی است، چرا بسیاری از تولیدکنندگان ناگهان ورشکست می‌شوند؟ در همین معادله به ظاهر ساده، در آمد فروش و هزینه‌های شرکت مشخص از هزینه خطوط و دستمزد گرفته تا هزینه تنخواه و تعمیرات و سایر هزینه‌ها است اما به بهای تمام شده کالا توجهی نشده و اغلب تولیدکنندگان خود نمی‌دانند کالایی که تولید می‌کنند برای‌شان چقدر تمام می‌شود؟

این مشکل زمانی حادتر می‌شود که کارخانه با کارگاه محصول واحدی تولید نمی‌کند. مثلا چند تنو کیک و بیسکویت در اندازه‌ها و وزن و کیفیت و بسته‌بندی گوناگون تولید می‌کند. موضوع هنگامی پیچیده‌تر می‌شود که یک کارگاه یا کارخانه، بیش از یک گروه محصول مثل انواع کیک و بیسکویت، انواع شکلات و انواع بستنی تولید و در چنین شرایطی محاسبه برای قیمت تمام شده کالا پیچیده است.

بهای تمام شده شامل مواد و دستمزد مستقیم است که می‌توان آن را خرج شرکت خواند اما باید برج را هم محاسبه کرد و بر این خرج افزود. برج همان هزینه‌های سربار است. اما موضوع به همین سادگی نیست. باید دقیقا مشخص شود هر واحد کالا از چه مواد‌ی به چه میزان و با چه کیفیتی تشکیل شده، کارگران چه مدت برای تولید هر واحد کالا وقت صرف کرده‌اند و چه مقدار از دستمزدی که دریافت کرده‌اند برای ساخت فلان کالا بوده، همچنین هزینه‌های متفرقه تولید هر واحد کالا چقدر است. محاسبه دقیق این موارد شاید در سخن، ساده باشد اما در عمل دشوار است.

اغلب تولیدکنندگان که چنین محصول یا چندین گونه محصول تولید می‌کنند، درعمل به‌طور دقیق نمی‌دانند بهای تمام شده کلای تولیدی‌شان چقدر است. شاید از چند محصول سود ببرند اما دیگر محصولات‌شان زیان‌ده باشد و چون از بهای تمام شده واقعی خبر ندارند، آرام آرام به ورطه ورشکستگی می‌افتند. در غیاب آگاهی از بهای تمام شده واقعی، تصمیم‌گیری دقیق برای افزایش بهره‌وری و اصلاح تولیدی ممکن نیست و عملا امکان مدیریت مالی و مدیریت تولید ناممکن می‌شود.

اینگونه است که بسیاری از کارگاه‌ها و کارخانه‌ها مدتی تولیدند می‌کنند و پس از مدتی، خبر می‌رسد که مهندس فلانی ورشکست شد. پس از بهای تمام شده محصول خود مطلع باشید تا رستگار شوید و ورشکست نشوید.

**تیتر دو**

# من و خاطرات سخت بیمارستان!

## روایت‌های تکان‌دهنده زیدنت‌ها از رفتارهای عجیب اساتید و سال‌بالایی‌ها

ادامه‌ازصفحه۴

عجیب این بود که هیچ‌کس برای کمک به من کاری نمی‌کرد، برای همه عادی بود که زیزدنت سال‌بالایی با من لج کرده و دارد تنبیهم می‌کند.»

روایت دیگری می‌گوید: «هیچ وقت یادم نمیره دکتر..... که زیزدنت ما گفت بیا برو کار فلانی رو انجام بده. شیفت ۲۰ ساعت می‌نشستیم وسط استیشن، حتی اگر هیچ مریضی هم نبود و اگر مریضی هم می‌آمد به تو مربوط نمی‌شد. باز باید همانطور سیخ می‌نشستی وسط استیشن حتی اگر با فاصله زمانی کوتاه دستشویی می‌رفتی هزار بار تهدید می‌شدی. حتی جرات نداشتیم بپرسیم چرا باید اینطور باشه؟»

وقتی بدانیم که در موارد‌ی کاربه‌گیری فیزیکی و کتک زدن سال پایینی توسط سال بالایی کشیده بیشتر تعجب می‌کنیم. اگرچه روایت‌های مربوط به درگیری‌های فیزیکی زیاد نیستند اما باز هم شنیدن آنها شوکه کننده است: «زیزدنت سال چهارم جلوی چشم همه زد تو گوش زیزدنت سال دو. کلا دکتر ... به این کارها معروف بود. شاید باورتان نشود اما می‌گفتند یک بار تف کرده به صورت یکی از زیزدنت‌های سال پایین به خاطر اشتباهی که مرتکب شده بوده، البته گفته می‌شد اشتباه کاری بوده یعنی یک جور بی‌حواسی در مورد یک موضوع درمانی اما هر چه باشد اینکه کسی تف کند توی صورت یک نفر دیگر آن هم در فضای کاری پزشکی واقعا می‌تواند زندگی آن فرد را برای همیشه تغییر دهد، می‌تواند او را برای سال‌های سال تحقیر شده کند، فکر کنید وقتی من این را شنیدم چند سال از قضیه می‌گذشت و هنوز این ماجرا به عنوان ظرف عبرت تعریف می‌شد. فکر شبیه چه اتفاقی برای آن زیزدنت سال بالایی افتاد؟ هیچ. انگار او حق دارد این کار را بکند.»

در این بین سوال‌هایی هم هستند مانند اینکه زیزدنت‌های سال‌های بالاتر و حتی اساتید زیزدنت‌های سال پایینی را وادار می‌کنند که در طول شیفت‌ها برای شخصی آنها را انجام بدهند و در غیر این صورت روزگارشان با توهین و کار طاقت‌فرسا و شیفت‌های پی در پی سیاه خواهد شد.

» **انصراف بدهید**

احتمالا تا اینجای کار شما هم چندباری از خودتان پرسیده‌اید که غیر از علاقه به پزشکی و تلاش برای هدر نرفتن زحماتی که طی سال‌های گذشته کشیده شده، چه چیزی باعث می‌شود یک زیزدنت چنین وضعیتی را تحمل کند؟ چرا خیلی از آنها به حرف آن استاد ویدئوی اول متن گوش نمی‌کنند و انصراف نمی‌دهند؟ احتمالا نمی‌دانید که انصراف دادن از رشته پزشکی به ویژه در دوره تخصص اصلا آسان نیست. زیزدنت‌ها همان اول شیفت ۲۰ ساعت می‌نشستیم وسط استیشن، حتی اگر هیچ مریضی هم نبود و اگر مریضی هم می

دستور زبان عشق

چه شد در من / نمی‌دانم؛ فقط دیدم پریشانم
فقط یک لحظه فهمیدم
که خیلی دوستت دارم...!

نجمه زارع

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم:

إنّ أحَبّکُم إلَیَّ وأقرَبَکُم مِنّی یَومَ القِیامَةِ مَجلِسا أحْسَنُکُم خُلقا، وأشَدُّکُم تَواضُعا.
محبوب‌ترین شما نزد من و نزدیک‌ترین‌تان به من در روز قیامت، خوشخوترین و متواضع‌ترین شماست.
بحار الأنوار: ۷۱ / ۳۸۵ / ۲۶ منتخب میزان الحکمة: ۱۸۲

واگویه‌های انتظار

داشت از دیدارِ چشمان تو برمی‌گشت که
«محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت»

عبدالمهدی نوری

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۵:۴۱ | طلوع خورشید ۰۷:۱۰ | اذان ظهر ۱۲:۱۷ | غروب خورشید ۱۷:۲۲ | اذان مغرب ۱۷:۴۱


هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۳۹۷۳ | پنجشنبه | ۴ بهمن ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

# هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری - جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com


# لوس نباشیم و با هم بزرگ شویم

## درباره علیرضا افتخاری، مسلک و غرور ملی

**۱** علیرضا افتخاری در یک برنامه تلویزیونی به تمسخر رپ‌خوانی‌های معاصر ایرانی پرداخته و از ادبیات و موسیقی آن ایرادگرفته و به آنها حتی کمی خندیده. بلافاصله گروه‌های جوان رپ در کانال‌ها و گروه‌های بی‌شمارشان به او حمله کرده‌اند و حتی یک چهره موسیقی رپ به نام مسلک که از قرار سوژه اصلی انتقاد گزنده افتخاری بوده این‌گونه واکنش نشان داده است: دوره آقاجون بازی شما تموم شده استاد، کاش یه بار هم سعی می‌کردین به این نسل احترام بگذارین، هرچند نسل ما به این کارهای شما عادت داره، بزرگی به سن و سال نیست.»

زاویه دید مسلک خب جالب است اما به‌نظرم از آن سوی ماجرا هم نگاه کنیم بد نیست: چرا این چهره‌های جوان در مقابل انتقاد و حتی کمی تمسخر این‌گونه موضع می‌گیرند؟ چرا به این سرعت بهشان بر می‌خورد و از آن سو این اجازه را دارند که هر چیزی را دست بیندازند؟ نکند با یک نسل لوس طرف هستیم؟ نسلی که فرصت‌های این‌گونه را برای نشان دادن ظرفیت ذهنی خود به‌سادگی از دست می‌دهد و یا واکنش‌های عصبی نشان می‌دهد که واقعا حق را فقط و فقط در سمت خود می‌دانند. این نسل باید شروع کند و نگاه انتقادی به خود را پرورش دهد. باید ظرفیت تحمل انتقاد را افزایش دهد. باید بزرگ بشویم. باید همه باهم بزرگ بشویم و از قالب نوجوان بااستعداد اما کمی لوس خارج شویم. این یکی از راه‌های نجات ما خواهد بود.

**۲** با دوستی گپ می‌زدیم که برای کم کردن شکاف‌های اجتماعی باید چه کرد؟ حاصل بحث و عقل محدود ما به دو عنصر ختم شد: خانواده و غرور ملی. اینکه برای جمع شدن این جامعه بزرگ نودمیلیونی باید به این دو رشته اشتراک دست گذاشت. در هردو یک نهاد و یک مایه مذهب وجود دارد اما به شکلی عمیق و باطنی. راستش راه‌حل دیگری برای افزایش سرمایه اجتماعی به ذهنمان نرسید. شما هم اگر ایده‌ای دارید که جامعه ما در این لحظات حساس، از انشقاق و واگرایی عبور کند با ما در میان بگذارید.

دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

راستش رو بخواین رفقا، اصلا نمی‌دونم چرا وسط این همه بدبختی و گرونی، من یهو هوس کردم کاناپه جلوی تلویزیون‌رو عوض کنم... شاید خوشی زده بود زیر دلم؛ شاید هم دلیلش بیکاری و فشار عصبی بوده که به این شکل خودش رو نشون داد. نمی‌دونم... ولی شد دیگه. بعد از خرید، مزاحم یک راننده محترم وانت و شاگرد عزیزشون شدم که کاناپه رو بعد از حمل، چهار طبقه هم بالا بیاورند و کاناپه قدیمی رو به ایشان تقدیم کنم و حلال‌شان باشد.

برای انجام این عملیات سترگ، اتاق فکری شامل اعضای حاضر تشکیل دادم و بر خود لازم دیدم که نکاتی را پیرامون سالم ماندن دیوارهای راه‌پله و اخلاق های بسیار خاصِ مدیر ساختمان، به سمع راننده و شاگرد عزیزشون برسانم:

- «آقا... حین این زحمتی که می‌کشید، خواهشا خواهشا خواهشا، خیلی آروم و با حوصله باشید... خواهشا خواهشا خواهشا، لطفا، اصلا به در و دیوار نخورید و یا خدای نکرده روی دیوارها خط نیندازید که مدیر ساختمون، همه‌مون رو همین وسط، ذبح می‌کنه.»

بعد از اینکه مطمئن شدم توانسته‌ام منظورم را به درستی بیان کنم، با فرمانِ راننده، داستان شروع شد: «پسر بپر اون سرشو بگیر...»

بعد از پرش پسر، کاناپه کهنه که متعلق به آقای راننده شده بود، با احتیاطی مثال‌زدنی و آرامشی در خور، یک طبقه پایین آمد. راننده دستورِ ایست داد: «آخ آخ... وایسا یه نفس بگیریم...»

خیلی از این آرامش و متانت، لذت بردم و ضمن تشکر، تشویق‌شون کردم:

- «آقا این یه طبقه‌رو که عالی اومدین... دمتون گرم... آفرین که عجله هم نمی‌کنین... همینجوری بریم، ایشالا بی‌مشکل کارو تموم می‌کنیم...»

در پاگردهای دوم و سوم و آخری هم این داستانِ «آخ آخ، وایسا یه نفسی بگیریم» ادامه داشت و جوری که انگار مشغول عملِ مغز هستند و یک تومورِ بدخیم دو میلیمتری را از پشت غده هیپوفیز خارج می‌کنند، کاناپه را از پله‌ها و پاگردها عبور دادند. بنده باز هم وظیفه خود دیدم که مراتب تشکر و قدردانی‌ام را به اطلاع راننده و شاگرد برسانم که یعنی همینجوری عالیه...

کاناپه قدیمی با سلام و صلوات، بدون هیچ گونه خسارتی به پشت وانت رسید.

حالا نوبت به کاناپه جدید رسیده بود که با آرامش و متانتی دوچندان حمل شده و به طبقه چهارم برسد.

خب، به چند دلیل این کار سخت‌تر بود. اول اینکه حرکتمان رو به بالا بود و از آن مهمتر اینکه، خیرِ سرمان، کاناپه، نو و جدید بود. فرمان دوم صادر شد: «بپر اون سرشو بگیر...»

بعد از پرشِ شاگرد، بدون هیچ گونه اغراقی می‌توانم خدمت‌تان عرض کنم که این دو بزرگوار، کلِ چهار طبقه را به همراهِ کاناپه نازنینِ من تقریبا یک نفس دویدند.

توجه شما را مجددا به کلمه «دویدن» جلب می‌کنم: دو عزیز با یک کاناپه در آغوش، چهار طبقه‌رو به بالا را دویدند.

به دلیلِ خط ممتد و کلفت و عمیقی که به کمک یکی از پایه‌های کاناپه روی دیوار با دقت کشیده بودند، دچار حمله عصبی شدم و با شوکِ فراوان از آن اثر هنریِ روی دیوار و شک فراوانِ به انسانی بودن این انرژی، از طبقات بالا رفتم. فکر می‌کنم به طبقه دوم نرسیده بودم که عزیزان را در راه برگشت زیارت کردم:

- «شما رسیدین بالا و کاناپه رو هم گذاشتین سر جاش و دارین برمی‌گردین؟» / «آره خب...» / «چقدر سریع...» / «آره خب... کاری نداشت.» / «این خط رو دیدین رو دیوارها انداختین؟» / «کو؟» / «ایناهاش...» / «کو؟...» / «ا!!!... ایناهاش.» / «این که بود از قبل...»

راننده با اطمینانی مثال‌زدنی، اعتقاد داشت که این خطه بوده و شاگردش هم با همون اطمینان مثال‌زدنی، رو دست اوستاش اومد که: «من اصلا همون اول که اومدم، اولین چیزی که دیدم این خطه بود...»

البته نظرِ مدیر بزرگوار ساختمان که خیلی خیلی به موقع ظاهر شده بود و مشغول راه‌اندازی بساط اعدام و طناب دار شده بود با راننده و شاگردش، یک مقداری متفاوت بود که البته شاگرد راننده با یک جمله طلایی، نسخه بنده و خودش رو با هم پیچید و خون همه‌مون رو مباح کرد:

- «این آقا گفت که مدیر ساختمونمون زبون‌نفهمه‌ها؛ راست می‌گفت... مرتیکه دیلاق، میگم این خطه بود از اول...»

قصه های گمشده ۱۱۱ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود)

آرش خوشخو

# اقتدار به سبک مظفرالدین شاه

وقتی در دوران قاجار سیر می‌کنی مدام با این مفهوم روبه‌رو هستی که قاجارها وطن‌فروش بوده‌اند. خب نشانه‌های زیادی هم در تایید این گزاره وجود دارد اما بگذارید دو تا نکته متفاوت با این گزاره طرح کنم. راستش در حال خواندن کتاب خواب آشفته نفت از دکتر محمدعلی موحد هستم و در لابه‌لای اسناد و مدارکی که در این کتاب ذکر شده، دو مورد بسیار عجیب هستند. بیایید به سال ۱۹۰۲ برویم. وقتی که لرد کرزن نایب‌السلطنه انگلیس و حاکم بلامنازع هند تصمیم می‌گیرد از خلیج فارس دیدار کند. او یک دوره مسافرت‌های کوتاه‌مدت در بنادری مثل بحرین و مسقط و شارجه و بندرلنگه و بندرعباس را در برنامه قرار می‌دهد. حضورش در بندرلنگه و بندرعباس با استقبال حاکمان محلی و ریسه‌بندی و آتشبازی همراه می‌شود و کرزن هیچ فرصتی را برای تحقیر حاکمان محلی از دست نمی‌دهد. تا آنجا که حتی به بهانه پادرد از ملاقات با حاکم بندرلنگه خودداری می‌کند. او در آخرین بخش مسافرت خود می‌خواهد به بوشهر برود. درواقع سلطان هندوستان است و نایب‌السلطنه انگلیس. طبیعی است که حاکمان محلی خودشان را گم کنند و از خود بی‌خود شوند. در این میان اعلام می‌شود که در بوشهر محل مجللی در دارالحکومه این شهر برای سکونت یکشبه کرزن فراهم شده است. مشکل از همین جا شروع می‌شود. کرزن به سفیر انگلیس در تهران اطلاع می‌دهد که مایل نیست در دارالحکومه اقامت کند چراکه اینجا محل زندگی علاالدوله حاکم فارس و بوشهر هم هست و حضور کرزن در این محل یعنی اینکه او به ملاقات یک حاکم محلی رفته است. سفیر انگلیس هم عصبانی، تلگرافی به دولت ایران می‌فرستد و خشم خود را ابراز می‌کند: اینجا پای شان و عزت اعلیحضرت پادشاه انگلیس به میان آمده و این چیزی است که جناب اجل فرمانفرمای هندوستان نمی‌توانند از آن صرف‌نظر کنند.. اما عجیب اینجاست... عجیب اینجاست که مظفرالدین‌شاه پادشاهی که به سست عنصری و رخوت مشهور است، در یک تلگراف تند به علاالدوله که دست و پای خود را در مقابل تشر انگلیسی‌ها گم کرده بود، دستور داد: برنامه همان است که قبلا توافق شده. جناب فرمانفرمای هندوستان میل دارند پیاده شوند، میل ندارند پیاده نشوند! در نتیجه کرزن پس از ۴۸ ساعت معطلی بی‌آنکه در بوشهر پیاده شود، راه هندوستان را در پیش گرفت و به مقر حکومت خود بازگشت. یادتان باشد مشهور است که کرزن ایران را جزو اموال و ثروت خود می‌دانست و حتی در انگلیس به او طعنه می‌زدند که فکر می‌کند کاشف ایران بوده است!

اقتدار مظفرالدین‌شاه حیرت‌انگیز نبوده است؟ اما نکته دوم بعد از جنگ جهانی اول رخ می‌دهد. انگلیسی‌ها که سرخوشانه شرکت نفت ایران و انگلیس را پایه‌گذاری کرده بودند و با تکیه بر تولیدات ارزان آن، جنگ جهانی اول را پیروز از میدان بیرون آمده بودند، ناگهان با یک دعوی حقوقی از سوی ایران روبه‌رو شدند که مو بر تن‌شان سیخ کرد! آن هم از سوی دولت وثوق‌الدوله و از طرف چهره‌ای مثل نصرت‌الدوله فرمانفرما. دو نفری که به سست عنصری معروف بوده‌اند. ماجرا اینجاست که شرکت نفت ایران و انگلیس توافق کرده بودند که ۱۶ درصد از عایدات خود را به دولت ایران بدهند. بعدها سهام اصلی این شرکت با مبلغی سنگین از سوی دولت انگلیس خریداری می‌شود بدون آنکه به ایران خبر بدهند. این شرکت سپس فعالیت‌های خود را در نقاط دیگر جهان توسعه داد و در سرزمین‌های دیگر و با پرچم دولت انگلیس به اکتشاف و معامله نفت پرداخت. در کنفرانس پاریس بعد از جنگ ایران ناگهان این دعوی را به راه انداخت که کل عواید شرکت نفت ایران و انگلیس در تمام جهان؛ مشمول آن ۱۶ درصد قرارداد اولیه می‌شود! این موجب شد تا دولت انگلیس شوکه شود. به‌خصوص که یکی از داورهای بین‌المللی هم این دعوی ایران را مقبول اعلام کرد! هرچند در ادامه انگلیسی‌ها با ساخت و پاخت و رشوه و گرفتن یک تیم حقوقی قوی‌تر از این مهلکه عبور کردند اما هیچ وقت این ضربه روحی را از سوی حقوقدان‌های کشوری که عادت کرده بودند تحقیرش کنند از یاد نخواهند برد. این ماجراها مربوط به سال‌های ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ بود که خب در فرصتی دیگر این داستان را با جزئیات بیشتر برای‌تان بازگو خواهم کرد.

سایت‌نگار

# ماجرای مینو و مهروز، ادعای سیاوش علیه علیرضا، سابقه سیاه ساکت

**فرزین پورمحبی در خبرآنلاین نوشت:** نبوی قبل از آنکه اپوزیسیون باشد یک آرتیست طناز بود. طبعا بعد از گذشت چند ده سال، انگ اپوزیسیونی‌اش هم برداشته می‌شود و مانند همه طنزنویسان مطرود در سنوات و نظام‌های پیشین به یکباره تمامی نقاط ضعف فعلیش تبدیل به نقاط قوت می‌شوند. صدا و سیما و وزارت ارشادی که این روزها حتی برای خبر مرگ یک چهره معروف طنزنویس تره هم خرد نمی‌کنند، در آن زمان خاص، برایش گریبان خواهند درید. اسامی سیاسی که در هر دوره به شکل موقت و باسمه‌ای بر خیابان‌ها و بزرگراه‌ها گذاشته می‌شوند بعد از چند صباحی جای خود را به عناوین برازنده دائمی از نوع فرهنگی خواهند داد. همانگونه که نام خیابان‌هایی همچون پهلوی و شاهرضا نماندند و خیابان‌های حافظ؛ سعدی، فردوسی و... ماندند و همانگونه که نشریاتی مانند «توفیق» در زمان خود مرتبا توقیف و عواملش توی قیف می‌شدند اما این روزها دم به دم، دمش گرم می‌شود. لذا قدر و قیمت و آوازه و نام هنرمندان سال‌ها بعد از مرگ‌شان تازه زنده می‌شوند.

از یک طرف؛ این غربالگری تاریخ که بدون هیچ غرض و مرضی حق را به حق‌دار می‌رساند و در این جداسازی سره از ناسره، دخل دخالت سیاست را هم درمی‌آورد باعث بسی شعف است اما از طرفی هم؛ باید تاسف خورد که طنزنویس در زمان حیاتش باید آرزوی تقدیر و قدردانی را با خود به گور ببرد.

**احمد زیدآبادی در کانال تلگرامی خود نوشت: داستان از چه قرار است؟**

گفته می‌شود پس از شکایت دفتر سیدمحمد خاتمی از حسین شریعتمداری مدیر مسئول روزنامهٔ کیهان، نامبرده به دادسرای فرهنگ و رسانه احضار شده است. روزنامهٔ کیهان اما ابلاغ هر نوع احضاریه به مدیر مسئول خود را تکذیب می‌کند.

موضوع شکایت، دیدار آقای خاتمی با جرج سوروس در سال ۱۳۸۵ است، خبری که حسین شریعتمداری بر صحت آن اصرار دارد اما اطرافیان آقای خاتمی آن را به شدت تکذیب می‌کنند و درصدد تعیین تکلیف نهایی این موضوع در دادگاه هستند.

قبلاً هم نوشته‌ام که اگر من جای آقای خاتمی بودم، به صراحت اعلام می‌کردم که برای ملاقات با چهره‌های بین‌المللی نیازی به اجازهٔ مدیر مسئول کیهان ندارم و دیدار با آقای سوروس را عملی مجرمانه یا ناموجه نمی‌دانم که بخواهم از موضع متهم با آن برخورد کنم. در این موضوع اما به نظرم نزدیکان آقای خاتمی در دام مدیر مسئول کیهان افتاده‌اند به طوری که ده‌ها اتهام بی‌اساس و رنگارنگ کیهان علیه رئیس دولت اصلاحات را رها کرده‌اند و فقط ملاقات با جرج سوروس را چسبیده‌اند؛ چنانکه گویی در صورت صحت خبر، ذنب لایغفری اتفاق افتاده است! شاید هم تصورشان بر این است که این موضوعی قابل راستی‌آزمایی است و می‌توان از طریق دادگاه مچ مدیر مسئول کیهان را گرفت و ادعاهایش را باطل کرد. اگر مقصود این است، بهتر است که در کنار آن اشاره‌ای هم به مجاز و عادی بودن دیدار یک رئیس جمهور سابق با شخصی مثل جرج سوروس هم بشود. روزنامهٔ کیهان یهودی بودن جرج سوروس را بهانه‌ای قرار داده تا هر اتهامی را به او بچسباند، حال آنکه سوروس از منتقدان سرسخت نتانیاهو و ترامپ است و بارها سیاست دولت اسرائیل در برابر فلسطینی‌ها را مورد حملات شدید خود قرار داده است تا آنجا که دار و دستهٔ نتانیاهو انگ «یهودستیزی» به او زده‌اند! قاعدتاً این افتخاری برای کیهان نیست که یک یهودی منتقد شدید دولت راستگرا و افراطی نتانیاهو را هدف حملات دائمی خود قرار دهد و دیدار با او را «ننگی بر دامن دیدار کننده» بداند. اگر ننگی هست متوجه کسانی است که همراستا با دار و دستهٔ نتانیاهو، یهودیان منتقد اسرائیل را لجن‌مال می‌کنند تا مبادا صدای آنها در دفاع از حقوق فلسطینی‌ها در داخل ایران شنیده شود.

**مینو مداح، سرمربی تیم ملی زنان تکواندوی ایران با اعلام خبر قطع همکاری رسمی‌اش با فدراسیون گفت** هادی ساعی قبل از المپیک به او گفته حق خواهر من این است که از ۱۰ سال پیش سرمربی تیم ملی باشد و اصلا در این رابطه با من حرف نزنید! او می‌گوید من در آن زمان هم مدیریت کردم، چون می‌خواستم بچه‌هایم نتیجه بگیرند و نمی‌خواستم زحمات چندین ساله‌ام هدر برود و برای همین قبول کردم مهروز ساعی در المپیک کوچ مبینا نعمت‌زاده بنشیند و این موضوع باعث تعجب خیلی‌ها هم شد.

در جلسه قبل از المپیک وقتی خواهرش قهر کرده بود و می‌گفت حتما باید کوچ مبینا نعمت‌زاده بنشینم، وقتی با آقای ساعی مطرح کردم خیلی تند با من برخورد کرد و گفت حق خواهر من این است که ۱۰ سال پیش سرمربی تیم ملی باشد و اصلا در این رابطه با من حرف نزنید! من در آن زمان هم مدیریت کردم چون می‌خواستم بچه‌هایم نتیجه بگیرند و نمی‌خواستم زحمات چندین ساله‌ام هدر برود و برای همین قبول کردم خانم ساعی کوچ بنشیند و باعث تعجب خیلی‌ها هم شد.

سوال بعدی این بود؛ احساس می‌کردید هادی ساعی می‌خواهد خواهر خود را به عنوان سرمربی انتخاب کند؟ مداح در پاسخ گفت: من این حرف را از خود آقای ساعی شنیدم. به هر حال ایشان خواهر رئیس فدراسیون هستند و قبل از المپیک به ایشان گفته بودم من کوچ هستم اما ۲۰ روز قبل از المپیک کوچ مبینا نعمت‌زاده می‌شود حتما این اجازه را داشته است!

**رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری ۱۱۵ سارق حرفه‌ای گوشی‌قاپ و منزل خبر داد:**

این مجرمان در قالب ۳۱ باند مجرمانه فعالیت می‌کردند که کلیه نفرات دستگیر شدند. از مخفیگاه این افراد تعداد ۳۹۷ تلفن سرقتی، ۵ قبضه سلاح جنگی و مقادیر زیادی اموال مسروقه شامل طلا سکه، ارز و لوازم خانگی کشف شد. رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ ادامه داد: ارزش اموال مسروقه کشف شده بیش از ۷ میلیارد تومان است؛ اما این عدد افزایش نیز پیدا می‌کند.

**بدون شک سیاه‌ترین و زشت‌ترین صحنه این هفته بلکه کل فوتبال ایران،** در فولاد آرنا رقم خورد؛ جایی که پس از درگیری‌های دقایق پایانی به خاطر توپ جمع کن‌ها و اخراج دو بازیکن از دو تیم، پس از سوت پایان بازی حاشیه‌ها به نیمکت رسید و ساکت الهامی سرمربی نساجی مازندران آگاهانه و جلوی ده‌ها دوربین خبرنگاران و افراد حاضر در کنار زمین پس از سوت پایان بازی با به کار بردن الفاظ بسیار زشت و غیرقابل بیان و فحاشی ناموسی به یحیی گل‌محمدی سرمربی فولاد یک بی‌اخلاقی تمام‌عیار و بی‌سابقه را به نمایش گذاشت.

سرمربی نساجی که برخلاف اسمش همواره با حاشیه همنشین بوده، پیش از این نیز چندین بار با محرومیت‌های چندماهه و چند جلسه‌ای از سوی کمیته انضباطی به خاطر رفتارهای زشتش مواجه شده و انتظار می‌رود این بار نه‌تنها کمیته انضباطی بلکه کمیته اخلاق یک بار برای همیشه با محرومیتی طولانی و جریمه سنگین و بازدارنده این مربی را تنبیه کنند تا دیگر به خود اجازه ندهد اینگونه در روز روشن هتاکی و بی‌اخلاقی کند.

**برترین‌ها:** با انتشار استوری دیروز «سیاوش شمس»، موج اعتراضات به رفتارها و کلاهبرداری‌های دو تهیه‌کننده معروف ایرانی در موسیقی لُس‌آنجلس بیشتر و همه‌گیرتر شده است. سیاوش شمس با انتشار این استوری، علیه «علیرضا امیر قاسمی» و «مسعود جمالی» اعلام کرد که چک آنها بار دیگر برگشت خورده و «برگشت خوردن چک در آمریکا شامل زندان می‌شود!»

بیلبور می‌نویسد: سلسله اعتراض‌ها به علیرضا امیرقاسمی و مسعود جمالی سال‌هاست که در رسانه‌های خارج از ایران، علنی شده و با توجه به تعدد شکایت‌ها در ماه‌های اخیر، این موضوع به اتفاقی مهم در بین اهالی موسیقی تبدیل شده است. شهرام شب‌پره هم ماه گذشته در یک گفتگوی تند و علنی، به‌صورت ویدئویی از کلاهبرداری بزرگی از سوی امیر قاسمی و مسعود جمالی خبر داد و گفت چند صد هزار دلار از او کلاهبرداری و دزدیده شده است.

گوگوش نیز در یکی دو سال اخیر بارها به مدیر شبکه طپش معترض شده و بارها علیه او و شیوه فعالیت‌هایش در موسیقی لس‌آنجلس نقدهای تندی را برزبان آورده است. گوگوش پس از گفتگوی باورنکردنی مهرداد آسمانی با امیرقاسمی و بیان موضوعاتی از سوی این دو، در گفتگو با هما سرشار درباره این سخنان به تندی واکنش نشان داد و اعلام کرد از همکاری با این دو پشیمان است.

نام مسعود جمالی این روزها در تور سیاوش قمیشی در کنار امیر قاسمی قرار گرفته است. فردی که بسیاری او را دلیل اصلی بازگشت تتلو به ایران می‌دانند. پاسپورت امیر تتلو در اختیار این فرد برای تور اروپا قرار گرفته بود و پس از عدم توانایی او برای دریافت ویزا برای تتلو، جمالی خواهان بازگرداندن مبلغ ودیعه از سوی تتلو بود و مخالفت تتلو باعث شد او نیز از برگرداندن پاسپورت تتلو خودداری کند و همین باعث شد که تتلو در اقدامی انتحاری و در لجبازی با این فرد به یک باره به ایران بازگردد.

پویا دیگر خواننده لس‌آنجلسی است که بارها و بارها در گفتگوهای تند و پست‌های اینستاگرامی علیه امیرقاسمی مطالبی را عنوان کرده است. انحصار برگزاری کنسرت در آمریکا از سوی امیرقاسمی و مسعود جمالی باعث شده تعداد زیادی از خواننده‌های لس آنجلس چاره دیگری جز اعتماد به این دو فرد ندارند و همین انحصار به فساد کاری و مالی منجر شده است.

**سعید ابوطالب درباره حاشیه دستمزدهای میلیاردی در رئالیتی‌شوها مبالغ دریافتی مهمانان را عجیب و غریب نمی‌داند و در عین حال می‌گوید:** این رقم‌های میلیاردی صحت ندارد اما قراردادهای ما با آن‌ها کاملا کلاسیک و رسمی است.

او در پاسخ به این که شایعات دریافت دستمزد هر کلاکت یک میلیارد و نیمی از سوی مهمانان برنامه‌های او چقدر صحت دارد، گفت: این ارقام اصلا صحت ندارد، طلا گرفتن یا بیت کوین بابت دستمزد درباره برنامه‌های من هم اصلا صحت ندارد؛ اما بازیگر بر اساس سختی کار، تجارب و نقشش به هر حال دستمزد مشخصی دارد. او ممکن است در طول یک سال تنها در یک پروژه حضور داشته باشد و مابقی سال بیکار باشد. بنابراین دستمزد او باید بیشتر باشد، اما رئالیتی‌شو قضیه‌اش فرق دارد.

ابوطالب سپس گفت: به من می‌گفتند برنامه‌سازی را صنعتی کرده‌ای زیرا ما روزانه در یک آفیش ۹ ساعت مفید ضبط می‌کردیم. ما کل یک فصل «پدرخوانده» را در شش روز می‌گرفتیم و این به لحاظ هزینه تولید برای پلتفرم به صرفه و اتفاقا رویه درستی است. بازیگر باید دقیقا رأس ساعت در ضبط حضور داشته باشد و اگر تاخیری صورت گرفته باشد، ما قرارداد را همانجا لغو کرده‌ایم و البته واقعا همه هم نظم زمانی را تا اینجا رعایت کرده‌اند.

ابوطالب با بیان اینکه در مافیا هرگز کات نداده‌اند، درباره حاشیه‌های تقلب در این برنامه عنوان کرد: حاشیه‌های مبنی بر صورت گرفتن تقلب در مافیا اساسا انگیزه خاصی ندارد، زیرا رتبه اول و دوم که در این برنامه نداریم. همچنین امکانش نیز وجود ندارد. زیرا ۲۰ دوربین وجود داشت و مگر می‌شد مقابل این همه دوربین تقلب کرد!؟ ری اکشن‌هایی که در فضای مجازی مطرح می‌شد، هم بخشی از سناریوی مافیا بود که قبل از تولید طراحی شده بود.

**یک کارشناس خودرو می‌گوید:**

بحث خصوصی‌سازی خودروسازان چند سالی است که مطرح شده است. در این مورد باید بگوییم سیاستگذار باید در این حوزه بازنگری کلی انجام دهد.

» سهام مستقیم دولت در سایپا ۱۷ درصد و در ایران خودرو ۵ درصد است اما به‌دلیل واگذاری سهام این خودروسازها به‌شرکت‌های زیر مجموعه حالا دولت به‌صورت غیرمستقیم ۴۰ درصد سایپا و ۲۵ درصد ایران‌خودرو را به‌واسطه این شیوه سهامداری تودرتو، به خود اختصاص داده است.

» در فرایند خصوصی‌سازی واقعی احراز صلاحیت‌ها از نظر فنی، شفافیت در واگذاری، حذف قیمت‌های دستوری، زیان انباشته خودروسازان و ... باید در روند خصوصی‌سازی مورد توجه قرار بگیرد.

» مشکلات نقدینگی در خودروسازان و بدهکاری به قطعه‌سازان نشان می‌دهد ضلع سوم این مثلث یعنی سیستم بانکی باید وارد چرخه شود تا همسو با خودروسازان، زیرساخت‌های لازم برای خروج از بحران تولید مهیا کند. در واقع خصوصی‌سازی باید بعد از این مرحله انجام شود تا بتوان پیش‌بینی روشنی از آینده این صنعت داشته باشیم.

» دولت به‌جای تاکید بر قیمت تمام شده محصول نهایی بایستی کل زنجیره تولید را به لحاظ قیمت‌وکیفیت پایش کند تا محصول نهایی برای خودروساز به‌صرفه باشد.

**وزارت گردشگری فرانسه اعلام کرد این کشور میزبان المپیک،** جایگاه خود را در سال ۲۰۲۴ به‌عنوان برترین مقصد گردشگری جهان حفظ کرد و ۱۰۰ میلیون بازدیدکننده داشت و این در حالی بود که فرانسه با رقابت شدیدی از سوی کشورهایی از جمله اسپانیا مواجه بود.

با بازگشت گردشگری جهان به سطح پیش از همه‌گیری کرونا و انجام ۱/۴ میلیارد سفر خارجی طبق اعلام سازمان ملل، هر دو کشور فرانسه و اسپانیا رکورد تعداد بازدیدکنندگان را ثبت کردند.

«ناتالی دلاتر»، وزیر گردشگری فرانسه در مصاحبه‌ای با روزنامه «فیگارو» در روز سه‌شنبه گفت: «درحالی که فرانسه همچنان پیشرو جهانی در این حوزه است، ما با رقابت شدیدی به ویژه از سوی اسپانیا مواجه هستیم.»

اسپانیا هفته گذشته اعلام کرد که ۹۴ میلیون گردشگر خارجی در سال ۲۰۲۴ به این کشور سفر کرده‌اند که البته این آمار نسبت به سال گذشته با ۱۰ درصد افزایش همراه بوده است. فرانسه که از ماه جولای تا سپتامبر ۲۰۲۴ میزبان بازی‌های المپیک بود، در سال ۲۰۲۴ دو میلیون بازدیدکننده بیشتر جذب کرد که نشان‌دهنده افزایش ۲ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۳ است.

با این حال، با وجود اینکه تعداد گردشگران در فرانسه بیشتر از سایر کشورها بود، گردشگران در فرانسه در مقایسه با گردشگران در اسپانیا کمتر هزینه کردند و رقم هزینه کرد گردشگران در فرانسه و اسپانیا به ترتیب ۷۱ میلیارد یورو (۷۴ میلیارد دلار) و ۱۲۶ میلیارد یورو بود.

وزیر گردشگری فرانسه گفت: «ما باید تلاش کنیم تا میانگین هزینه هر بازدیدکننده را افزایش دهیم و بازدیدکنندگان را به اقامت طولانی‌تر تشویق کنیم.»

# کاپیتانی آمریکا و ژاپن در تیم ۴ نفره بهترین خودروهای ۲۰۲۴

## بررسی ۴ خودروی اول سال ۲۰۲۴ از نظر میزان فروش در تمام نقاط جهان؛ چین کجای جهان است؟

**متین شیری | بخواهیم و نخواهیم آینده صنعت خودرو برای چین است و همین امروز هم می‌توان به سادگی دید که اکثر خودروسازی‌های دنیا با چند سناریو مواجه شده‌اند که دلیل اصلی همه آنها تنها چین است، برخی از آنها در حال تجمیع با رقبا هستند، برخی ورشکسته شدند، برخی متعلق به چینی‌ها شدند و برخی دیگر رقبایی هستند که در نبردی مرداف‌کن با چینی‌ها قرار دارند. مردم دنیا به‌ویژه جوامع ثروتمند مانند آمریکا، اروپا یا کشورهای حوزه خلیج‌فارس همچنان به داشتن خودروهایی با برندهای با اصالت و قدیمی بسیار اهمیت می‌دهند و فارغ از این موضوع نمی‌توان کیفیت این خودروها در برخی از موارد را به هیچ‌وجه کتمان کرد؛ به عنوان مثال برخی خودروها مانند رولزرویس هنوز در جهان رقیبی از نظر اصالت و پرستیژ ندارند.**

### فورد سری F: میزان‌فروش: ۷۶۵/۶۴۹ دستگاه

**قیمت پایه: ۳۵هزار دلار**

فورد سری F ۲۰۲۴ همچنان یکی از قدرتمندترین پیکاپ‌های موجود در بازار است. این خودرو در نسخه‌های مختلف، از جمله F-۱۵۰ و Super Duty، با پیشرانه‌های قدرتمند V۶ و V۸ ارائه می‌شود. F-۱۵۰ از موتور ۳/۵ لیتری EcoBoost V۶ بهره می‌برد که توان خروجی ۴۰۰ اسب بخار و گشتاور ۵۰۰ نیوتن‌متر دارد، در حالی که مدل‌های Super Duty از پیشرانه‌های V۸ با قدرت‌های بالاتر برای کشش بار سنگین استفاده می‌کنند. سیستم انتقال قدرت این خودرو از نوع ۱۰ سرعته اتوماتیک است که رانندگی روان و قدرتی را در شرایط مختلف جاده‌ای فراهم می‌آورد. سری F ۲۰۲۴ طراحی خشن و مردانه‌ای دارد که نمایی مستحکم و قدرتمند به آن بخشیده است. فورد در این مدل چهره خودرو را کمی تغییر داده و خطوط بدنه بیشتری به آن افزوده است. فورد سری F ۲۰۲۴ با سیستم چهارچرخ متحرک (۴WD) و قابلیت‌های تعلیق پیشرفته، یک انتخاب عالی برای علاقه‌مندان به رانندگی آفرود است.

### شورولت سیلورادو: میزان‌فروش: ۵۴۲/۵۱۷ دستگاه

**قیمت پایه: ۳۳هزار دلار**

شورولت سیلورادو ۲۰۲۴ همچنان یکی از پیشرفته‌ترین پیکاپ‌های موجود در بازار است. این خودرو از پیشرانه‌های قدرتمند ۵/۳ لیتری و ۶/۲ لیتری V-۸ با سیستم پوش رود بهره می‌برد که توان بالایی برای انجام کارهای سنگین و کشش بار فراهم می‌آورد. با این حال، سیلورادو در حال دریافت به‌روزرسانی‌هایی برای موتورهای هیبریدی است که می‌تواند در آینده نزدیک به بازار عرضه شود. این پیکاپ با گیربکس ۱۰ سرعته اتوماتیک و سیستم انتقال قدرت قابل‌اعتماد، رانندگی روان و عملکرد مناسبی در شرایط مختلف جاده‌ای دارد. سیلورادو ۲۰۲۴ طراحی خشن و مردانه‌ای دارد که به راحتی آن را از سایر پیکاپ‌ها متمایز می‌کند و اصالت آمریکایی آن را می‌توان به راحتی در جلوپنجره بزرگ آن دید. این آفرودر کم‌رقیب، با وجود افزایش کمتر از ۱ درصدی در فروش و حفظ جایگاه دوم در بازار، سیلورادو همچنان یکی از محبوب‌ترین انتخاب‌ها برای علاقه‌مندان به پیکاپ‌ها و رانندگی در شرایط دشوار است که در تمام جهان مخاطب دارد.

### تویوتا راو ۴: میزان فروش: ۴۷۵/۱۹۳ دستگاه

**قیمت پایه: ۲۸هزار دلار**

تویوتا راو ۴، ۲۰۲۴ همچنان یکی از پیشرفته‌ترین و محبوب‌ترین SUV های بازار است. این خودرو با ارائه پیشرانه‌های متنوع شامل موتورهای بنزینی، هیبریدی و هیبریدی پلاگین، طیف گسترده‌ای از گزینه‌ها را برای مشتریان فراهم می‌کند. موتور بنزینی این خودرو ۲/۵ لیتر حجم دارد که قادر به تولید ۲۰۳ اسب بخار قدرت است. نسخه‌های هیبریدی با ترکیب موتور ۲/۵ لیتر و سیستم هیبریدی به توان مجموعی ۲۱۹ اسب بخار می‌رسند. گیربکس این مدل، یک گیربکس اتوماتیک CVT است که انتقال قدرت روان و بهینه را ممکن می‌سازد. همچنین راو ۴ با ارائه ۱۳ نسخه مختلف، از جمله دو نسخه هیبریدی پلاگین، تنوع بی‌نظیری برای مشتریان به ارمغان آورده است، تا در تمام بازارهای جهان بتواند تمام نیازهای را برآورده کند. در سال ۲۰۲۴، این خودرو با افزایش فروش ۹/۳ درصدی، جایگاه خود به‌عنوان پرفروش‌ترین SUV در آمریکا را حفظ کرده و انتخابی بی‌رقیب برای علاقه‌مندان به کراس‌اوورهای کاربردی و قابل‌اعتماد محسوب می‌شود.

### تسلا مدل Y: میزان‌فروش: ۳۷۲/۶۱۳ دستگاه

**قیمت پایه: ۵۰هزار دلار**

تسلا مدل Y به‌عنوان یکی از محبوب‌ترین کراس‌اوورهای برقی جهان، جایگاه ویژه‌ای در بازار خودروهای الکتریکی دارد. این خودرو با ترکیب فناوری پیشرفته و طراحی مدرن، در سال ۲۰۲۳ به‌عنوان پرفروش‌ترین خودروی جهان شناخته شد و همچنان در سال ۲۰۲۴ نیز جایگاه خود را در میان پرفروش‌ترین خودروها حفظ کرده است. از لحاظ فنی، مدل Y با استفاده از موتورهای دوگانه و سیستم انتقال قدرت تمام‌چرخ، عملکردی بی‌نظیر ارائه می‌دهد. شتاب‌گیری سریع، برد بالا و پشتیبانی از سیستم خودران تسلا از جمله ویژگی‌هایی است که این خودرو را به انتخابی محبوب برای عاشقان تکنولوژی تبدیل کرده است. علاوه بر این، تسلا از طریق به‌روزرسانی‌های نرم‌افزاری مداوم، تجربه کاربری این خودرو را بهبود می‌بخشد. طراحی، مدل Y با ظاهری ساده و خطوط دینامیک بدنه، جلوه‌ای آینده‌نگر ارائه می‌دهد. فضای داخلی مینیمالیستی، صفحه‌نمایش بزرگ مرکزی و استفاده بهینه از فضا، تجربه‌ای لوکس و کاربردی را برای سرنشینان فراهم می‌کند.

**دنده عقب**

## نیسان پاترول؛ افسانه‌ای جاودانه در دنیای آفرود

نیسان پاترول، یکی از اسطوره‌های بی‌رقیب دنیای خودروهای آفرود، از دهه ۱۹۵۰ وارد میدان شد و خیلی زود به نمادی از قدرت، دوام و آمادگی برای هر ماجراجویی تبدیل شد. این خودرو در مدل‌های کلاسیک خود، به‌ویژه دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، همچنان قلب علاقه‌مندان به آفرود را تسخیر کرده است و در حال حاضر نیز با بازسازی‌های حرفه‌ای، دوباره جان گرفته و به جاده‌ها و مسیرهای صعب‌العبور بازمی‌گردد.

نیسان پاترول کلاسیک با پیشرانه‌های متنوع عرضه شد اما محبوب‌ترین نسخه‌ها، به‌ویژه در ایران، از موتورهای شش سیلندر خطی با حجم ۴ لیتر بهره می‌بردند که توانایی تولید ۱۲۵ تا ۱۵۰ اسب بخار قدرت داشتند. این خودرو با گیربکس‌های دستی ۴ یا ۵ سرعته و سیستم انتقال دو دیفرانسیل، عملکرد فوق‌العاده‌ای در شرایط آفرود ارائه می‌کرد. قفل دیفرانسیل دستی و شاسی مستحکم این خودرو، آن را به گزینه‌ای بی‌رقیب برای عبور از زمین‌های صعب‌العبور، دشت‌های کویری و حتی مسیرهای گل‌آلود تبدیل کرده بود.

طراحی بیرونی پاترول، با خطوط ساده اما قدرتمند، نشان‌دهنده هدف‌گذاری آن برای کارایی و استحکام بود. چراغ‌های دایره‌ای جلویی، جلوپنجره فلزی با نشان نیسان و بدنه جعبه‌ای شکل حس مقاومت را منتقل می‌کردند. گلگیرهای برجسته و ارتفاع زیاد این خودرو، آمادگی آن را برای هر ماجراجویی نشان می‌داد.

کابین پاترول در عین سادگی، بسیار کاربردی و جادار طراحی شده بود. فضای کافی برای سرنشینان و بار و صندلی‌های پوشیده از روکش‌های مقاوم در برابر سایش، راحتی و دوام را تضمین می‌کردند. داشبورد خودرو شامل ابزارهای کاربردی و خوانا بود که راننده را در سفرهای طولانی همراهی می‌کرد.

در ایران، نیسان پاترول به یکی از نمادهای آفرود تبدیل شد. این خودرو در مدل‌های دو در (سفری) و چهار در (استیشن) تولید و عرضه می‌شد و با وجود سادگی طراحی، در میان طبیعت‌گردان، عشایر و حتی نیروهای نظامی بسیار محبوب شد. استفاده از آن برای حمل بار، سفرهای ماجراجویانه و حتی مصارف عمومی شهری، نشان‌دهنده تطبیق‌پذیری این خودرو در شرایط مختلف بود.

امروزه، نیسان پاترول کلاسیک همچنان در ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. بسیاری از علاقه‌مندان با بازسازی این خودرو، آن را به تجهیزات مدرن آفرود مجهز کرده و برای ماجراجویی‌های تازه به کار می‌گیرند. پاترول نه تنها یک خودروی کلاسیک، بلکه بخشی از خاطرات و فرهنگ جاده‌های ایران است؛ اسطوره‌ای که همچنان می‌درخشد.

شناسه آگهی : ۱۸۷۱۰۵۴ نوبت دوم

شرکت شهرک های صنعتی هرمزگان

**آگهی های مناقصه‌های عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه)**

شرکت شهرک های صنعتی هرمزگان در نظر دارد اجرای پروژه ذیل را بر اساس قانون برگزاری مناقصات مصوب مجلس شورای اسلامی و به استناد آیین نامه راه اندازی و فعالیت سامانه تدارکات دولت، مصوب هیات محترم وزیران از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید .

| ردیف | موضوع | مبلغ تقریبی برآورد (ریال) | مبلغ تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کارپیمانکاری(ریال) | گواهی صلاحیت پیمانکار |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | اجرای طرح فیبر نوری و احداث اتاقک مخابراتی در شهرک های صنعتی شماره یک (حدودا ۸۱۵۹ متر طول)و دو بندرعباس(حدودا ۶۰۰۰ متر طول)، گمبرون (حدودا۱۰۹۱۱ متر طول)و جرون(حدودا۲۳۴۰ مترطول) به مدت ۱۰ماه شمسی | ۸۸،۰۸۷،۴۷۱،۶۹۲ ریال طبق فهرست بهای رشته ابنیه، تاسیسات مکانیکی و برقی،راه باند فرودگاه و زیر سازی راه آهن،خطوط زمینی انتقال و فوق توزیع نیروی برق، پست‌های انتقال و فوق توزیع نیروی برق سال ۱۴۰۳ | ۴،۴۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال | حداقل پایه ۵ رشته ارتباطات یا تاسیسات |

**زمانبندی مناقصه:**

از کلیه مناقصه گرانی که واجد شرایط فوق می باشند دعوت می گردد نسبت به تهیه اسناد و شرکت در مناقصه، در موعد مقرربه شرح ذیل اقدام نمایند.

الف- تهیه اسناد مناقصه : از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۳ لغایت ۱۴۰۳/۱۱/۰۸ تا ساعت ۱۹:۰۰

ب- بارگذاری اسناد مناقصه از طریق سامانه ستاد : حداکثر تا روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۳ ساعت ۰۹:۰۰

* ارسال پاکت الف بصورت حضوری ( مهر و لاک شده ) حداکثر تا روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۳ ساعت ۰۹:۰۰ می باشد.

پ- بازگشایی پاکات ارزیابی و (الف و ب و ج) : روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ ساعت ۰۹:۰۰

ث-محل خرید و بازگشایی پاکات مناقصه : کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند .

ج- پاکت الف : پاکت (الف) هم در سامانه ستاد بارگذاری و هم بصورت حضوری (مهر و لاک شده) تحویل دستگاه مناقصه گزار به آدرس بندرعباس – سه راهی فرودگاه- بلوار علی ابن ابیطالب- روبروی هنرستان شهید رجایی- دبیر خانه شرکت شهرک های صنعتی هرمزگان – تلفن: ۳۳۶۶۵۳۵۱-۰۷۶ گردد.

د-نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار پیمانکاری: بصورت ضمانتنامه معتبر بانکی یا فیش واریزی با شماره شبا IR۳۷۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۶۷۰۶۳۷۵۷۷۴ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بنام تمرکز وجوه سپرده شرکت شهرک های صنعتی هرمزگان.

سایت شرکت : WWW.ISIPO.ir

امور پیمانهای شرکت شهرک های صنعتی هرمزگان

۸۰۶

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۳۳۶۷ مورخ ۱۴۰۳/۸/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمود کرزه ئی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۹۶۵ صادره از اسد آباد در سه دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۷۷/۰۷ متر مربع پلاک ۱۷۷۷ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۶۳۴ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی خانم فاطمه سلطانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴
۱۵۸۹۰ م الف
رئیس ثبت اسناد و املاک یافت آباد – خداداد بشیری
شناسه آگهی ۱۸۵۹۲۲۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۳۱۵۸ مورخ ۱۴۰۳/۸/۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای فیض اله محمودی اصل فرزند محمود بشماره شناسنامه ۹۲۰۹۶ صادره از تبریز در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۰/۹۵ متر مربع پلاک ۱۷۷۷ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۶۳۴ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی خانم فاطمه سلطانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴
۱۵۸۹۴ م الف
رئیس ثبت اسناد و املاک یافت آباد – خداداد بشیری
شناسه آگهی ۱۸۵۹۲۳۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۳۸۷۲ مورخ ۱۴۰۳/۹/۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم لیلی علی اکبری جمال آباد فرزند عزیز بشماره شناسنامه ۱۹۴۲ صادره از سراب در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۶۵/۵۷ متر مربع پلاک ۱۷۷۷ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۶۳۴ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی بانو فاطمه سلطانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴
۱۵۸۹۲ م الف
رئیس ثبت اسناد و املاک یافت آباد – خداداد بشیری
شناسه آگهی ۱۸۵۹۲۲۸

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۳۳۶۵ مورخ ۱۴۰۳/۸/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زربانو اقبال فرزند عباسعلی بشماره شناسنامه ۸ صادره از خور و بیابانک در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۴۱/۱۰ متر مربع پلاک ۱۷۷۷ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۶۳۴ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی خانم فاطمه سلطانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴
۱۵۹۰۰ م الف
رئیس ثبت اسناد و املاک یافت آباد – خداداد بشیری
شناسه آگهی ۱۸۵۹۳۰۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۳۱۶۳ مورخ ۱۴۰۳/۸/۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای فیض اله محمودی اصل فرزند محمود بشماره شناسنامه ۹۲۰۹۶ صادره از تبریز در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۶۳/۳۸ متر مربع پلاک ۱۷۷۷ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی خانم فاطمه سلطانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴
۱۵۸۹۳ م الف
رئیس ثبت اسناد و املاک یافت آباد – خداداد بشیری
شناسه آگهی ۱۸۵۹۲۲۹

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

چون برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۴۶۱۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۴ منضم به نامه شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۴۶۲۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مفروزی و مالکانه و بلامعارض آقای فاطمه فلاحی مقدم بشماره شناسنامه ۱۰۱ و کد ملی ۰۰۵۳۳۰۷۴۴۵ فرزند عباس در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۴۱۴/۱۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۴ اصلی واقع در بخش ده تهران محرز شده لذا به منظور اطلاع ذوی الحقوق و شرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات سند مالکیت بنام نامبرده صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴
۱۵۹۰۴ م الف
سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران – محمد علی ابراهیمی
شناسه آگهی ۱۸۵۹۳۲۴

SMS
Telegram
WhatsApp
0920 200 17 07
شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی ، تصویری و ویدئویی
از طریق پیامک ، تلگرام و واتس‌اپ

بی‌ستون

## معایب اقتصاد دستوری؛ از ذرت خروشچف تا پوشک بچه

**آبان فرزیان |** امروز در یک خبرگزاری رسمی، مطلبی خواندم با تیتر «افزایش قیمت پوشک و پافوشک مسئولان». نویسنده متن هر که بوده خدا خیرش بدهد. طرف تولیدِ واژه اولیه تولید پوشک، کاهش مالیات تولیدکنندگان و تسهیل فرایندهای تولید به کاهش قیمت این کالا کمک کند. نظارت موثر بر بازار به منظور جلوگیری از احتکار و گرانفروشی، می‌تواند از جمله دیگر وظایف دولت باشد.

نیکیتا سرگی یویچ خروشچف، از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۴ به عنوان دبیر اول حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی رهبر این کشور بود و از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۴ به‌عنوان نخست‌وزیر اتحاد شوروی فعالیت کرد. خروشچف شیفته ذرت بود و پس از بازدید از مزارع ذرت در آمریکا، به این نتیجه رسید که ذرت می‌تواند کلید حل مشکلات کشاورزی شوروی باشد. او اعتقاد داشت با کاشت گسترده ذرت، می‌توان تولید گوشت، شیر و سایر محصولات دامی را به‌شدت افزایش داد و به این ترتیب، کمبود مواد غذایی را جبران کرد. ایده خروشچف، با شور و هیجان در شوروی پیگیری شد. دستورالعمل‌های سختگیرانه برای کاشت ذرت در سراسر شوروی، حتی در مناطقی که آب‌وهوای مناسبی نداشتند، صادر شد و کشاورزان مجبور بودند بخش زیادی از زمین‌های خود را به کشت ذرت اختصاص دهند. قطعا پایان کار به شکستی مفتضحانه ختم شد؛ ذرت در بسیاری از نقاط شوروی به‌خوبی رشد نمی‌کرد. آب‌وهوای سرد و خاک نامناسب، باعث شد محصول کمی برداشت شود. در برخی موارد، ذرت‌ها حتی قبل از رسیدن، یخ می‌زدند. کمبود علوفه برای دام‌ها، باعث کاهش تولید گوشت و شیر شد و در نهایت، مردم شوروی، کمبود شدید مواد غذایی را تجربه کردند. خروشچف با وجود این شکست، همچنان به ذرت عشق می‌ورزید و در سال ۱۹۶۲، جایزه «قهرمان کشت ذرت» را به کشاورزان منتخب اهدا کرد، در حالی که اکثرشان موفقیت‌های ناچیز کسب کرده بودند.

اقتصاد و قیمت‌گذاری دستوری در ایران هم قبلاً تجربه شده و شکست خورده. مثلا دولت برای کنترل قیمت مرغ، بارها با تعیین قیمت دستوری برای این محصول پرداخته است. این اقدام، در ظاهر با هدف حمایت از مردم انجام می‌شود اما در عمل، اغلب نتایج معکوسی به دنبال دارد. وقتی قیمت مرغ به صورت دستوری و پایین‌تر از قیمت واقعی بازار تعیین می‌شود، مرغداران یا ضرر مواجه می‌شوند. این امر باعث کاهش انگیزه آن‌ها برای تولید و پرورش مرغ می‌شود و در نتیجه، عرضه مرغ در بازار کاهش پیدا می‌کند. قیمت‌گذاری دستوری، کل زنجیره تأمین مرغ را، از تولید دان و جوجه گرفته تا کشتارگاه‌ها و توزیع‌کنندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به فساد منجر می‌شود. قطعا هیچ‌کس نمی‌خواهد تجربه تلخ خروشچف یا ذرت با تجربه مشابه خودمان در مورد مرغ، این بار در مورد پوشک بچه تکرار شود.

نرسانند. در مثال پوشک بچه، به جای تعیین قیمت دستوری، دولت می‌تواند با اقداماتی مانند کاهش تعرفه‌های واردات مواد اولیه تولید پوشک، کاهش مالیات تولیدکنندگان و تسهیل فرایندهای تولید، به کاهش قیمت این کالا کمک کند. نظارت موثر بر بازار به منظور جلوگیری از احتکار و گرانفروشی، می‌تواند از جمله دیگر وظایف دولت باشد.

عنوان دبیر اول حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی رهبر این کشور بود و از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۴ به‌عنوان نخست‌وزیر اتحاد شوروی فعالیت کرد. خروشچف شیفته ذرت بود و پس از بازدید از مزارع ذرت در آمریکا، به این نتیجه رسید که ذرت می‌تواند کلید حل مشکلات کشاورزی شوروی باشد. او اعتقاد داشت با کاشت گسترده ذرت، می‌توان تولید گوشت، شیر و سایر محصولات دامی را به‌شدت افزایش داد و به این ترتیب، کمبود مواد غذایی را جبران کرد. ایده خروشچف، با شور و هیجان در شوروی پیگیری شد. دستورالعمل‌های سختگیرانه برای کاشت ذرت در سراسر شوروی، حتی در مناطقی که آب‌وهوای مناسبی نداشتند، صادر شد و کشاورزان مجبور بودند بخش زیادی از زمین‌های خود را به کشت ذرت اختصاص دهند. قطعا پایان کار به شکستی مفتضحانه ختم شد؛ ذرت در بسیاری از نقاط شوروی به‌خوبی رشد نمی‌کرد. آب‌وهوای سرد و خاک نامناسب، باعث شد محصول کمی برداشت شود. در برخی موارد، ذرت‌ها حتی قبل از رسیدن، یخ می‌زدند. کمبود علوفه برای دام‌ها، باعث کاهش تولید گوشت و شیر شد و در نهایت، مردم شوروی، کمبود شدید مواد غذایی را تجربه کردند. خروشچف با وجود این شکست، همچنان به ذرت عشق می‌ورزید و در سال ۱۹۶۲، جایزه «قهرمان کشت ذرت» را به کشاورزان منتخب اهدا کرد، در حالی که اکثرشان موفقیت‌های ناچیز کسب کرده بودند.

اقتصاد و قیمت‌گذاری دستوری در ایران هم قبلاً تجربه شده و شکست خورده. مثلا دولت برای کنترل قیمت مرغ، بارها به تعیین قیمت دستوری برای این محصول پرداخته است. این اقدام، در ظاهر با هدف حمایت از مردم انجام می‌شود اما در عمل، اغلب نتایج معکوسی به دنبال دارد. وقتی قیمت مرغ به صورت دستوری و پایین‌تر از قیمت واقعی بازار تعیین می‌شود، مرغداران یا ضرر مواجه می‌شوند. این امر باعث کاهش انگیزه آن‌ها برای تولید و پرورش مرغ می‌شود و در نتیجه، عرضه مرغ در بازار کاهش پیدا می‌کند. قیمت‌گذاری دستوری، کل زنجیره تأمین مرغ را، از تولید دان و جوجه گرفته تا کشتارگاه‌ها و توزیع‌کنندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به فساد منجر می‌شود. قطعا هیچ‌کس نمی‌خواهد تجربه تلخ خروشچف یا ذرت با تجربه مشابه خودمان در مورد مرغ، این بار در مورد پوشک بچه تکرار شود.

# سفر به عجیب‌ترین نقاط جهان

## هزینه بلیت هواپیما برای سفر به پاکستان، مغولستان، کنیا و... چقدر است؟

**کروه بازار |** برای ماجراجوها، سفرهایی مانند ترکیه، دبی، ارمنستان و تاجیکستان ممکن است دیگر راضی کننده نباشد. مقاصد مشهور اروپایی هم برای اهالی سفر، جالب نیستند. این روزها کسانی که اهل سفرهای عجیب و تجربه‌های جالب و کمتر شنیده‌شده هستند، به کشورهایی چون پاکستان، کنیا، مغولستان، ازبکستان و افغانستان و قرقیزستان سفر می‌کنند. اما برای خرید بلیت چنین سفرهایی باید چقدر هزینه کنیم؟ کشوری مانند پاکستان پروازهای داخلی دارد و در برخی دیگر از این نقاط اگر بتوانید برای هواپیمایی پگاسوس یا ایرجربیا بلیت بخرید، هزینه‌هایتان معقول از آب درمی‌آید.

**اگر بخواهید به پاکستان سفر کرده، در اسلام‌آباد به‌عنوان یک شهر مدرن نسبتا کمتر آلوده گذر بگذارید و از لاهور و کراچی دیدن کنید، راه‌های متفاوتی دارید. مثلا می‌توانید از تهران مستقیما با ۲۲ میلیون تومان و هواپیمایی سلام‌ایر راهی اسلام‌آباد شوید. یا با پرواز امارات ۵۰ میلیون و ۵۵۶ هزار تومان پول بدهید. اگر بلیت بلیت دوطرفه بگیرید، هزینه رفت‌وآمدتان با ایرجربیا ۱۹ میلیون و ۵۰ هزار تومان تمام می‌شود و می‌توانید با سلام‌ایر نزدیک به ۵۴ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان پول بدهید و خیالتان از رفت‌وبرگشت راحت باشد. البته اگر بخواهید همین سفر را با هواپیمایی امارات بروید، باید ۱۸۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خرج کنید. برای اینکه در پایتخت این سوار هواپیما شوید و در کراچی پیاده شوید، باید برای رفت‌وبرگشت نزدیک ۴۱ میلیون تومان تا ۵۵ میلیون تومان هزینه کنید. ایران‌ایر رفت‌وبرگشت را ۲۰ میلیون و ۲۹۲ هزار و ۵۰۰ تومان از شما دریافت خواهد کرد. اگر بخواهید به لاهور بروید یک راه ایرانی‌ها مصلحت معجوبی است، می‌توانید با نزدیک به ۳۶ میلیون تومان و با استفاده از ماهان‌ایربه سمت سفری بروید. هزینه سفر با پروازهای خارجی مانند امارات بیش از ۸۱ میلیون تومان است.**

**برای اینکه بخواهید از تهران به کابل سفر کنید، بلیت رفت‌وبرگشت پروازهای فلای‌دبی را با قیمت بیش از ۱۰۲ میلیون تومان تهیه کنید. البته این قیمت مربوط به گران‌ترین گزینه‌هاست. همیشه هم بلیت آنقدر ها گران نیست. بلیت رفت‌وبرگشت با ایرجربیا را می‌شود با نزدیک به ۲۰ میلیون تومان خرید. همان هواپیمایی فلای‌دبی پروازهایی هم دارد که رفت‌وبرگشتشان کمتر از ۴۲ میلیون تومان تمام می‌شود. برای چنین پروازی شما بیش از ۱۲ ساعت در راه خواهید بود. هواپیمایی ترکیش سفر تهران می‌دهد و برای پرواز امارات باید ۵۰ میلیون تومان هزینه کنید. برای سفر به افغانستان این روزها فقط می‌توانید از تهران به فرودگاه کابل بروید و بلیتی برای هرات دیده نمی‌شود. بنابراین اگر قصد دیدار از هرات را داشته باشید، می‌توانید در افغانستان بلیت هواپیما یا اتوبوس بخرید و سفرتان را در این کشور ادامه بدهید.**

**مغولستان کشوری نسبتا دور است و سفر به آن در سال‌های اخیر بیشتر از گذشته شده است. برای این‌ها مقصد محبوبی است، می‌توانید با نزدیک به ۳۶ میلیون تومان و با استفاده از ماهان‌ایربه سمت سفری بروید. هزینه سفر با پروازهای خارجی مانند امارات بیش از ۸۱ میلیون تومان است.**

**برای اینکه بخواهید از تهران به کابل سفر کنید، بلیت رفت‌وبرگشت پروازهای فلای‌دبی را با قیمت قطر سفر را با نزدیک به ۹۶ میلیون تومان انجام می‌دهد و مسیر رفت ۲۵ ساعت و مسیر برگشت نزدیک به ۲۰ ساعت زمان می‌برد. ترکیش همین سفر را با بلیت ۱۱۴ میلیون تومانی انجام می‌دهد و رفت ۲۱ ساعت و برگشت ۱۴ ساعت زمان می‌برد. شما می‌توانید همین سفر را با فلای‌دبی و پرواز ۱۴۴ میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی انجام دهید و ۱۵ ساعت مسیر رفت و ۱۶ ساعت مسیر برگشت را در پیش خواهید داشت. گران‌ترین بلیت برای ازبکستان را هواپیمایی ازبکستان می‌فروشد که برای سفر دو مسیره از مسافران نزدیک به ۱۲۷ میلیون تومان پول می‌گیرد.**

**اگر دوست دارید به آفریقا سفر کنید، یکی از مقاصد جالب کنیا است. بلیت هواپیما برای این سفر چندان در مقایسه با مسافت گران نیست. شما می‌توانید از تهران به نایروبی را با استفاده از هواپیمایی ایرعربیا و با بلیت ۵۳ میلیون تومانی سفر کنید. سفر شما بین ۲۰ تا ۲۲ ساعت زمان خواهد برد. پرواز امارات همین سفر را با بلیت بین ۸۰ میلیون تومان تا ۸۶ میلیون تومان انجام می‌دهد و ترکیش از شما بیش از ۸۷ میلیون تومان پول دریافت خواهد کرد. گران‌ترین بلیت مربوط به چند هواپیمایی گوناگون است که باید بابتش ۱۲۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان هزینه کنید.**



# وزنه و حمام ترکی و ماساژ با سنگ داغ!

## هزینه ورزش کردن در باشگاه‌های بالای شهر با چشم‌انداز کوه چقدر است؟

**اکرم احمدی |** تماشای کوه‌های شمال شهر تهران به خصوص زمانی که هوا بارانی و برفی است و درختهای چنار وبلی عصر در فصلی، خودش یک جان به جانهای آدم اضافه می‌کند. حالا اگر این شرایط را با ورزش کردن و راه رفتن روی تردمیل و ماساژ گرفتن در یکی از باشگاههای لوکس ادغام کنید، قطعا موقعیت لذت بخشی است. البته واقعی شدن این تصویر دل انگیز هزینه هم دارد. که ما بیشتر به این قسمت ماجرا کار داریم. اینکه هزینه ورزش کردن در باشگاههای شیک و لوکس بالای شهر چقدر است و به عبارتی هر بار وزنه بالا بردن و قدم زدن روی تردمیل با چشم اندازه باغ و کوههای شمال شهر، چقدر خرج روی دستتان می‌گذارد.

**تعرفه باشگاههای ورزشی معمولی در بیشتر نقاط کشور، البته به غیر از بعضی از باشگاههای خاص بالای شهر از ۸۰۰هزار تومان تا یک میلیون و ۵۰۰هزار تومان برای یک ماه است. معمولا سه روز در هفته، یعنی ۱۲ جلسه در ماه با دستمزد برنامه نوشتن مربی، بین یک میلیون تومان تا یک میلیون و ۸۰۰هزار تومان خرج روی دستتان می‌گذارد. اما اگر بخواهید در مکانهای مجهز به روزترین وسایل ورزشی بدنتان را بسازید، باید خیلی بیشتر هزینه کنید. مثلا:**

**باشگاهی در یکی از خیابانهای معروف الهیه برای ۱۲ جلسه در ماه ۲ میلیون تومان، ۱۶ جلسه، ۱۵ میلیون تومان و برای ۲۰ جلسه در ماه حدود ۲۰میلیون تومان هزینه دریافت می‌کند. وقتی در این باشگاه ثبت نام می‌کنید، یک پکیج مخصوص شامل حوله و زیرانداز شخصی به شما تعلق می‌گیرد و می‌توانید از وسایلتان در کمدهای اختصاصی نگهداری کنید. این باشگاه به غیر از وسایل و تجهیزات پیشرفته ورزشی، اتاق استراحت، میز بیلیارد، اتاق ماساژ هم دارد.**

**در همین محله الهیه یک باشگاه لوکس دیگر هم هست. برای تمرین با مربی و ۱۲ جلسه در تهران میدان ولیعصر، حدود ۲۰میلیون تومان کنار بگذارید. اگر دوست دارید بدنتان حسابی ورزیده بیاید، باید حداقل ۲۰میلیون تومان برای ۱۶ جلسه در ماه بپردازید. کسانی که هر روز ورزش می‌کنند و مدعی هستند که ۳۰ جلسه زمان می‌برد. ترکیش همین سفر را با بلیت ۱۱۴ میلیون تومانی انجام می‌دهد و رفت ۲۱ ساعت و برگشت ۱۴ ساعت زمان می‌برد. شما می‌توانید همین سفر را با فلای‌دبی و پرواز ۱۴۴ میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی انجام دهید و ۱۵ ساعت مسیر رفت و ۱۶ ساعت مسیر برگشت را در پیش خواهید داشت. گران‌ترین بلیت برای ازبکستان را هواپیمایی ازبکستان می‌فروشد که برای سفر دو مسیره از مسافران نزدیک به ۱۲۷ میلیون تومان پول می‌گیرد.**

**اگر دوست دارید به آفریقا سفر کنید، یکی از مقاصد جالب کنیا است. بلیت هواپیما برای این سفر چندان در مقایسه با مسافت گران نیست. شما می‌توانید از تهران به نایروبی را با استفاده از هواپیمایی ایرعربیا و با بلیت ۵۳ میلیون تومانی سفر کنید. سفر شما بین ۲۰ تا ۲۲ ساعت زمان خواهد برد. پرواز امارات همین سفر را با بلیت بین ۸۰ میلیون تومان تا ۸۶ میلیون تومان انجام می‌دهد و ترکیش از شما بیش از ۸۷ میلیون تومان پول دریافت خواهد کرد. گران‌ترین بلیت مربوط به چند هواپیمایی گوناگون است که باید بابتش ۱۲۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان هزینه کنید.**

**تعرفه باشگاههای ورزشی معمولی در بیشتر نقاط کشور، البته به غیر از بعضی از باشگاههای خاص بالای شهر از ۸۰۰هزار تومان تا یک میلیون و ۵۰۰هزار تومان برای یک ماه است. معمولا سه روز در هفته، یعنی ۱۲ جلسه در ماه با دستمزد برنامه نوشتن مربی، بین یک میلیون تومان تا یک میلیون و ۸۰۰هزار تومان خرج روی دستتان می‌گذارد. اما اگر بخواهید در مکانهای مجهز به روزترین وسایل ورزشی بدنتان را بسازید، باید خیلی بیشتر هزینه کنید. مثلا:**

**باشگاهی در یکی از خیابانهای معروف الهیه برای ۱۲ جلسه در ماه ۲ میلیون تومان، ۱۶ جلسه، ۱۵ میلیون تومان و برای ۲۰ جلسه در ماه حدود ۲۰میلیون تومان هزینه دریافت می‌کند. وقتی در این باشگاه ثبت نام می‌کنید، یک پکیج مخصوص شامل حوله و زیرانداز شخصی به شما تعلق می‌گیرد و می‌توانید از وسایلتان در کمدهای اختصاصی نگهداری کنید. این باشگاه به غیر از وسایل و تجهیزات پیشرفته ورزشی، اتاق استراحت، میز بیلیارد، اتاق ماساژ هم دارد.**

**در همین محله الهیه یک باشگاه لوکس دیگر هم هست. برای تمرین با مربی و ۱۲ جلسه در تهران میدان ولیعصر، حدود ۲۰میلیون تومان کنار بگذارید. اگر دوست دارید بدنتان حسابی ورزیده بیاید، باید حداقل ۲۰میلیون تومان برای ۱۶ جلسه در ماه بپردازید. کسانی که هر روز ورزش می‌کنند و مدعی هستند که ۳۰ جلسه زمان می‌برد. ترکیش همین سفر را با بلیت ۱۱۴ میلیون تومانی انجام می‌دهد و رفت ۲۱ ساعت و برگشت ۱۴ ساعت زمان می‌برد. شما می‌توانید همین سفر را با فلای‌دبی و پرواز ۱۴۴ میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی انجام دهید و ۱۵ ساعت مسیر رفت و ۱۶ ساعت مسیر برگشت را در پیش خواهید داشت. گران‌ترین بلیت برای ازبکستان را هواپیمایی ازبکستان می‌فروشد که برای سفر دو مسیره از مسافران نزدیک به ۱۲۷ میلیون تومان پول می‌گیرد.**

**اگر دوست دارید به آفریقا سفر کنید، یکی از مقاصد جالب کنیا است. بلیت هواپیما برای این سفر چندان در مقایسه با مسافت گران نیست. شما می‌توانید از تهران به نایروبی را با استفاده از هواپیمایی ایرعربیا و با بلیت ۵۳ میلیون تومانی سفر کنید. سفر شما بین ۲۰ تا ۲۲ ساعت زمان خواهد برد. پرواز امارات همین سفر را با بلیت بین ۸۰ میلیون تومان تا ۸۶ میلیون تومان انجام می‌دهد و ترکیش از شما بیش از ۸۷ میلیون تومان پول دریافت خواهد کرد. گران‌ترین بلیت مربوط به چند هواپیمایی گوناگون است که باید بابتش ۱۲۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان هزینه کنید.**

تجربه بازار

## لطفا مرا برنده کنید!

**گیلدا امیری |** زن خیلی آرام صحبت می‌کند، طوری که صندوقدار هر چند کلمه یک بار می‌پرسد: «بله؟ چی فرمودین.» زن جوان دوباره کلماتش را شمرده شمرده می‌گوید. «من کلا خیلی خیلی کم بیان می‌کند. این طور که پیداست، درباره برنده شدن خودرو صحبت می‌کند و می‌خواهد از صندوقدار قول بگیرد که حتما اسمش در سیستم ثبت می‌شود. صندوقدار توضیح می‌دهد که اسم کسی در سیستم نوشته نمی‌شود و همه چیز خودکار بعد از ثبت فاکتور به سیستم مرکزی وصل می‌شود. زن ولی خیالش راحت نمی‌شود، همین طور که فاکتورش را نگاه می‌کند به صندوقدار می‌گوید، ولی در اینجا فاکتور هیچ اسم و شماره‌ای از من نیست. این بار صدایش بالاتر است و همه کسانی که توی صف هستند به راحتی می‌شنوند. مرد صندوقدار کلافه از زن صندلی بلند می‌شود و فاکتور زن را می‌گیرد و بعد شمرده و آرام توضیح می‌دهد: «ببینید خانم محترم، این فاکتور هیچ ارزشی ندارد. در اولین خرید شما، شماره موبایلی که با آن برای شما کارت بانکی صادر شده، در حافظه سیستم ذخیره می‌شود.» تا اینجا زن متوجه حرف‌های صندوقدار می‌شود. اما وقتی می‌گوید، به صورت خودکار شماره شما در سیستم ثبت سرش را تکان می‌دهد و می‌گوید: «اینجوری اصلا قبول نیست. من الان کلی خرید کردم که اصلا نیاز نداشتم. قطعا برای اینکه ماشین برنده شوم. خالا اگر شما این‌طوری می‌گویید باشد من قبول می‌کنم. ولی شما را به خدا قسم می‌دهم حق ما را بخورید.»

این جمله را که می‌گوید، نایلون خریدهایش را برمی‌دارد و می‌رود، نفر بعدی با عصبانیت محتویات توی چرخ خریدش را خالی می‌کند و با صدای بلند می‌گوید: «پالاخره...» اما پالاخره دوام ندارد، چون زن جوان دوباره بـا کلی ابهام برمی‌گردد و می‌گوید: «اگر برنده شوم، پول ماشین را می‌دهند، یا خودش را...» صدای مشتری‌ها کلا می‌رود، حرفی نکلن می‌دهد و بیرون می‌رود. مرد صندوقدار از بقیه مشتری‌ها عذرخواهی می‌کند و می‌گوید: «شاید رفتار این خانم برایتان عجیب باشد. اما یک مشتری داریم که هر روز می‌آید و درست اندازه امتیاز مبلغی که باید در فرعه کشی قرار بگیرد، خرید می‌کند و می‌رود. دیروز همسرش آمد و ما را قسم داد دیگر چیزی به او نفروشیم، چون کابینت‌های آشپزخانه او از مواد شوینده با تاریخ انقضای دو سال دیگر است. کلی هم نودل و ماکارونی و حبوبات دارند که مصرف آنها حداقل یکی دو سال طول می‌کشد.»

قبل به بقیه مشتری‌های توی صف که کم‌کم دارند زیر لب یک چیزهایی می‌گویند، اشاره می‌کند و رو به زن می‌گوید: «خانم محترم باور کنید اسم و شماره شما ثبت شده. من زیر دستم چیزی ندارم که نشان بدهم. همه چیز سیستمی است. اگر نمی‌خواهید پولتان را پس بدهم. این همه مشتری توی صف هستند.» زن که صدایش را کسی نمی‌شنید، ناگهان فریاد می‌زند که: «! اقا قول نیست. من باید حتما برنده شوم. خالا اگر شما این‌طوری می‌گویید باشد من قبول می‌کنم. ولی شما را به خدا قسم می‌دهم حق ما را نخورید.»

کردن مو و اصلاح سر و صورت هم در این باشگاه از ۸۰۰هزار تومان به بالاست.

در محله نیاوران یک باشگاه ورزشی با چشم انداز کوه‌های تهران برای ورزشکاران خوش ذوق ساخته شده که ورزش کردن در سالنهای این مجموعه سه طبقه ماهیانه بین ۱۵میلیون تومان تا ۴۵میلیون تومان خرج روی دستتان می‌گذارد. این مجموعه آرایشگاه، سالن ماساژ، کمدهای اختصاصی، مجموعه آبی و ...دارد. آرایشگاه این سالن، خدمات گریم، کراتینه و پروتینه و پاکسازی پوست هم ارائه می‌کند. در این باشگاه ورزشکاران می‌توانند کمدهای اختصاصی داشته باشند. لباس هایی که توسط اعضا در این لاکرها قرار می‌گیرد توسط کارکنان باشگاه شسته و مرتب و دوباره در کمدها قرارداده می‌شوند. این مجموعه مجهز به حمام ترکی هم هست. در حمام ترکی بعد از شستن بدن، خدمات ماساژ هم می‌گیرد. در این باشگاه همه ورزشکاران باید مربی خصوصی داشته باشند و بدون برنامه یا با برنامه‌های مربیان خارج از باشگاه نمی‌توانند، تمرین کنند. حالا با اضافه کردن هزینه مربی خصوصی ممکن است سقف شهریه یک ماه ورزش کردن در این مجموعه به ۵۰ میلیون تومان هم رسد.

در زعفرانیه هم یک مجموعه ورزشی لوکس خدمات ویژه‌ای برای اعضای خود در نظر گرفته. از کارت پارکینگ تا کمدهای اختصاصی با خدمات خشکشویی، اتاق ماساژ، رستوران و ...! این مجموعه استخر، سونا و جکوزی هم و وان پچ هم دارد که بیشتر ورزشکاران حرفه‌ای از وان پچ استفاده می‌کنند. اگر بخواهید ۱۲ جلسه در ماه در این باشگاه ورزش کنید باید ۱۶ میلیون تومان بپردازید. ۱۶جلسه ورزش کردن در مجموعه حدود ۲۰ میلیون تومان هزینه دارد. کسانی که می‌خواهند هر روز در این باشگاه شیک ورزش کنند باید حداقل ماهی ۳۶میلیون تومان کنار بگذارند.

در یکی از مجموعه‌های ورزشی تهران، به غیر از وسایل ورزشی پیشرفته، سونا و جکوزی و استخر، سالن ماساژ، رستوران و ... حمام سنتی هم برای اعضای خاص در نظر گرفته اند. حمام سنتی این باشگاه به گفته منشی این مجموعه درست مثل حمامهای قدیمی است. حتی معماری آن هم به شکلی است که انگار به ۱۰۰ سال پیش برگشته ایم. هزینه ۱۲ جلسه ورزش کردن در این مجموعه از ۱۰ میلیون تومان تا ۱۵ میلیون تومان است. اگر بعد از هر جلسه ورزش به حمام سنتی بروید این هزینه ممکن است به ماهی ۲۰میلیون تومان هم برسد.

اگر قصد داشته باشید که در بازار تهران یک کافه ۳۰ متری بازکنید، باید ۵۰۰میلیون تومان ودیعه بپردازید و ماهی ۶۰میلیون تومان پول بدهید. البته بعد از پرداخت این مبالغ باید فکری به حال ترئینات کافه و تهیه میز و صندلی و ... هم بکنید.

اگر قصد رهن مغازه در راسته فروشگاه‌های لباس بچه‌گانه را دارید، یک مغازه ۹ متری انتظارتان را می‌کند که ۸۰۰ میلیون تومان رهن داده می‌شود و دارای کولرگازی و آب و برق و تلفن است و رو به‌روی آسانسور قرار گرفته. پاخور مغازه خوب است و نسبتا تمیز به نظر می‌رسد.

با ۵۰۰ میلیون ودیعه و ماهی ۳۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌توانید سراغ واحد تجاری مناسب فروشگاه لوازم آرایشی و بهداشتی بروید که ۱۲ متر است و در نقطه‌ای قرار گرفته که دید خوبی دارد.

با پرداخت ۴۰۰ میلیون ودیعه و ماهی ۴۰ میلیون تومان می‌توانید سراغ یک مغازه هشت متری در بازار و راسته فروش لباس زنانه بروید. این مغازه در طبقه همکف قرار گرفته و کولرگازی دارد اما بعید است خیلی توی چشم مشتری‌ها باشد.

مغازه ۹ متری در راسته خشکبار فروشی با ۲۵۰ میلیون ودیعه و ماهی ۲۸ میلیون تومان قابل اجاره قرار گرفته و پاخور خوبی دارد و در مسقل است و از سقف بلند بهره برده و کولرگازی دارد. از دیگر امکانات چنین مغازه‌ای سرویس روشویی و آب و برق و تلفن است.

با ۵۰۰ میلیون ودیعه و ماهی ۳۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌توانید سراغ واحد تجاری مناسب فروشگاه لوازم آرایشی و بهداشتی بروید که ۱۲ متر است و در نقطه‌ای قرار گرفته که دید خوبی دارد.

آخرین وضعیت پرداخت تسهیلات فرزندآوری

پرداخت تسهیلات فرزندآوری در ماه‌های اخیر سرعت گرفته به طوری که از ابتدای امسال تا ۲۵ دی‌ماه گذشته در مجموع ۳۹/۵هزار میلیارد تومان به متقاضیان پرداخت شده. بر اساس آمار بانک مرکزی این میزان در مقایسه با مدت مشابه پارسال که جمع مبلغ پرداختی، ۳۸/۱ هزار میلیارد تومان بود، رشد چهار درصدی داشته. البته باید توجه داشت که همچنین سقف تسهیلات هم افزایش قابل توجهی نسبت به سال گذشته داشته است. پیش از این بانک مرکزی اعلام کرد وی که با تسهیلات بانکی مرکزی، پرداخت تسهیلات فرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری، از ابتدای سال تا ۲ دی ماه به بیش از ۲۱۷ هزار میلیارد تومان رسید. این تسهیلات از یک میلیون و ۶ هزار و ۷۱۸ نفر از متقاضیان از شبکه بانکی دریافت کردند. در این مدت بالغ بر ۱۷۹ هست تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و بیش از ۳۸ هست تسهیلات قرض‌الحسنه فرزندآوری پرداخت شد.

**۳۲** هزار تن

میزان توزیع گوشت قرمز در مدت یک‌ماه

مرکز آمار اعلام کرد که در آذر امسال ۳۲ هزار و ۱۵۲ تن گوشت قرمز در کشتارگاه‌های کشور عرضه شده که سهم گوشت گاو و گوساله بیش از سایر دام‌ها بوده است. بر اساس نتایج طرح آمارگیری از کشتار دام کشتارگاه‌های رسمی کشور در آذر امسال که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شد، گوشت گاو و گوساله با ۱۷ هزار و ۴۱ تن معادل ۵۴/۲ درصد از وزن کل گوشت قرمز عرضه‌شده را به خود اختصاص داده است. گوشت گوسفند و بره نیز با ۱۱ هزار و ۵۹۰ تن، بز و بزغاله با ۲/۳۸۰ تن و سایر انواع دام با ۹۶۱ تن، به‌ترتیب ۳۶ درصد و ۳/۲ درصد از وزن کل گوشت قرمز در عرضه شده را به خود اختصاص داده‌اند. مقایسه عملکرد کشتارگاه‌های رسمی کشور در آذر ۱۴۰۳ با ماه مشابه سال ۱۴۰۲ نشان‌دهنده کاهش ۱۳ درصدی مقدار عرضه گوشت قرمز در کشتارگاه‌های رسمی کشور است.

کسب و ملی‌می‌ن گران شد

مسعود بختیاری، رئیس سند یکای صنایع کنسرو ایران می‌ماهی از افزایش قیمت ۱۴ درصدی کنسرو تن ماهی خبر داد و گفت این امر برای بقا واحدهای صنعتی و استمرار تولید انجام شده است. مسعود بختیاری از این افزایش نرخ به عنوان منطقی‌سازی قیمت‌ها نام برده و بیان می‌کند با کار حاجیانت باید تعلیل می‌شدند با خانواسته این تغییرات را می‌پذیرفتیم. در دو ماه پایانی سال که ایام ماه مبارک رمضان و عید نوروز در پیش است هنوز سال جدید و آغاز شده، شاهد افزایش قیمت‌ها در بازار کالاهای اساسی هستیم. حال باید دید دولت برای مدیریت بازار کالاهای اساسی با توجه به کاهش قدرت خرید مردم چه برنامه‌ای دارد؟



شاخص کل بورس رشد کرد

شاخص کل بورس روز چهارشنبه سوم بهمن با ۵۳ هزار و ۳۷۲ واحدی در ارتفاع ۲ میلیون و ۸۱۴ هزار و ۳۲۶ واحدی قرار گرفت و برای دومین روز متوالی در هفته اول بهمن‌ماه سبزپوش شد. در این روز ارزش بازار بورس تهران به ۸۹ همت و ۷۷۹ میلیارد تومان رسید و تعداد ۳۷۱ هزار و ۱۵۷ معامله مورد دادوستد قرار گرفت. نمادهای فارس، فولاد، بارسان، وغدیر، تستا و وبملت، بیشترین تأثیر را در رشد شاخص کل داشتند. در روز سوم بهمن‌ماه شاخص کل فرابورس ایران در بازیان معاملات بازار سرمایه با رشد ۲۱۱ واحدی در ارتفاع ۲۶ هزار و ۷۶۸ واحدی قرار گرفت.

بازار گردی

## مایکروویوهای محبوب

### برای خرید دستگاه‌های مایکروویو به هفت میلیون تا ۱۶ میلیون پول نیاز داریم

مایکروویو یک دستیار مهربان در آشپزخانه است که غذاها را پخته یا گرم می‌کند، کیک و پیتزا می‌پزد و می‌تواند با بزرگی را از روی دوش شما بردارد. با وجود همه شایعاتی که در مورد اشعه مایکروویوها وجود دارد، اما این دستگاه‌ها کماکان محبوبیت زیادی دارند و به پای ثابت بسیاری از خانه‌ها تبدیل شده‌اند. اگر خانواده کوچکی هستید، می‌توانید روی نمونه‌های ۲۰ لیتری حساب کنید و خانواده‌های بزرگ‌تر باید به فکر خرید مایکروویوهای بزرگ‌تر باشند.

**۱ پاناسونیک مدل NN-SM۲۵۵W**

مایکروویو پاناسونیک مدل NN-SM۲۵۵W از پیشرفته‌ترین فناوری‌ها استفاده می‌کند تا غذاهای لذیذی را در محیط بخت مناسب تهیه کند. مایکروویو سفید پاناسونیک طراحی جذابی ندارد و خود دستگاه‌های محسوب می‌شود که طراحی ساده و کمی قدیمی دارند. البته معمولا این‌طور دستگاه‌ها به‌راحتی با دیگر وسایل آشپزخانه جور در می‌آیند. دستگاهی هزار و ۲۰۰ واتی است و از نظر صرفه‌جویی در مصرف انرژی رتبه قابل قبولی دارد. این دستگاه به نیازهای خانواده شما به‌راحتی پاسخ می‌دهد. وزن دستگاه ۱۲ کیلوگرم است که جابه‌جایی آن را کمی مشکل می‌کند و ظرفیت پاناسونیک مدل NN-SM۲۵۵W به میزان ۲۰ لیتر اعلام شده. امکان پخت‌زدایی و پخت انواع غذا در چنین مایکروویوی وجود دارد. مایکروویو اقتصادی پاناسونیک فاقد نمایشگر دیجیتالی است و به دستگاه‌های آنالوگ شباهت دارد. **قیمت: هفت میلیون و ۱۷۴ هزار تومان**

**۲ شارپ مدل ۷۷

# دو انتقاد قضایی از قانون تسهیل وکالت

## رعایت مقررات با تضمین توانایی وکلا برای استیفای حقوق موکلین همراه باشد

ایرادات قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار در حوزه وکالت که ظاهرا برای باز شـدن راه فارغ‌التحصیلان حقوقی تصویب قرار گرفته بود؛ آنقدر عیان شده که حالا مسئولان قضایی نیز از آن انتقادهای صریح می کنند. در این هفته شاهد دو انتقاد بودیم که در اینجا خلاصه آن را می خوانید:

### انتقاد معاون منابع انسانی دادگستری استان البرز از قانون تسهیل

معاون منابع انسانی و امور فرهنگی دادگستری اسـتان البرز در مراسـم تحلیـف ۲۹۷ نفر از کارآموزان کانون وکلای دادگستری البرز با اشاره به اهمیت حرفه وکالت بر اصلاح قانون تسـهیل صدور مجوزهای کسب و کار تاکید کرد.

دکتر جعفر داراب‌خانی، معاون منابع انسـانی و امور فرهنگی رئیس کل دادگستری استان البرز در این مراسم، وکالت را حرفه‌ای مقدس توصیف کرد و گفت: امروز اهمیـت حرفه وکالت در همه کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است اما متاسفانه در سال‌های اخیر قانونگذاران ما جفایی در حق ایـن صنف کردند که بعید اسـت به این زودی از ذهن‌ها پاک شود.

این مقام قضایی در ادامه انتقادات خود به قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، گفت: گردن ما در برابر قانون از مو باریک‌تر اسـت اما باید به دنبال اصلاح این قانون بود. در اسـناد بالادستی نقش و اهمیت حرفه وکالت هویداست. در اصل ۳۵ قانون اساسی و در بخش حقوق ملت نیز قانونگذارِ عالمِ ما وکالت را در زمره کسب و کارها و تجارت قرار نداده و حتی در رویه‌هـای متداول مراجع نظارتی نیز تجارت، خلاف شأن وکالت تشخیص داده شده است.

دکتر داراب‌خانی افزود: در سیاسـت‌های کلی نظام و نیز برنامه‌های پنج سـاله توسعه از حرفه وکالت همزمان با قضاوت نام برده شـده اسـت. در قانون آئین دادرسـی مدنی نیز ۸۴ بار از لفظ وکیل استفاده شده است. در تبصره ۳ ماده واحده «طرح انتخاب وکیل توسـط اصحـاب دعوی» مصوب سـال ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز آمده اسـت که «وکیل در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا، برخوردار می‌باشـد» که همگی این موارد نشان از اهمیت حرفه وکالت دارد و باید اقدامات تامینی آن را نیز لحاظ کرد.

معاون منابع انسـانی و امور فرهنگی رئیس کل دادگستری اسـتان البرز خاطرنشـان کرد: در تبصره ۲ همین ماده واحده نیز آمده است که اگر محکمه‌ای حق گرفتن وکیل را از متهم سلب کند حکم صادره فاقد اعتبار قانونی است و علاوه بر آن برای قاضی صادر کننده رأی نیز مجازات درنظر گرفته است.

وی با تاکید بر اینکه غالب مناصب مهم در کشور از جمله حرفه وکالت دارای سوگندنامه هستند، یادآور شد: غالب وکلا سـرمایه اجتماعی بزرگی را با خود حمل می کنند. شـغل وکالت نیز صرفا شغلی به منظور کسب درآمد نیست و به اصطلاح جیب ندارد. در میثاق‌های بین‌المللی نیز به منصب وکالت به عنـوان یک کار تجـاری و درآمدزایی نگریسته نشـده بلکه حرفه‌ای به منظور دفاع از مظلوم تلقی شده است.

### توضیحات سخنگوی قوه قضائیه درباره اصلاح قانون تسهیل

سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری روز دوم بهمن این نهاد در خصوص اصلاح قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار توضیحاتی را بیان کرد.

به گزارش وکلاپرس، در بخشـی از این نشست سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران در خصوص اصلاح قانون تسهیل گفت: قانون تسهیل مجوزهای کسب و کار در جهت رفع موانع و برداشتن انحصارات احتمالی بود که قبلاً وجود داشت.

وی افزود: بنابراین روح قوانین و مقررات با هدف دسترسی به دسترسی بدون محدودیت آحاد مردم به وکیل بوده، اما نکته‌ای که باید دقت بکنیم این اسـت که رعایت مقررات باید با تضمین توانایی وکلا برای استیفای حقوق موکلین همراه باشد.

جهانگیر گفت: این از جمله مسـائلی اسـت که دستگاه قضایی به عنوان ناظر بر این قانون مسئله را مورد توجه قرار داده است و از حقوق عامه هست که باید به آن عنایت کرد.

وی گفت: در حـال حاضر با اجـرای این قانون طبق ماده ۵ آن، ۲ تا دغدغـه وجود دارد، از یک سو بحث رفع انحصار که از گذشته وجود داشته و از سوی دیگه هم همین بحثی که تحت عنوان کاهش سطح علمی پذیرفته شدگان امر وکالت مطرح است.

سخنگوی قوه قضاییه بیان کرد: این دوتا با همدیگر مطرح شده است و لذا باید در عین اینکه مراقبت می کنیم که به موضوع رفع انحصار خدشه‌ای وارد نشـود و همچنان مورد توافق همه باشد، تلاش بکنیم که این مسئله موجب کاهش سطح علمی متقاضیان پروانه کارآموزی هم نشود.

وی در پایان گفت: قوه قضاییه به عنوان ناظر در این خصوص اقدامات خوبی را آغاز کرده و گزارشی از آسیب‌ها براساس داده‌های آماری که در سه سال اخیر جمع‌آوری کرده بود و همچنین گزارش که از سازمان سنجش گرفت این گزارش آسیب‌شناسی تهیه شده و در تعامل با نمایندگان مجلس است که اگر لازم باشد اصلاحات لازم در همین قانون صورت بگیرد.

نکته

# آنچه باید در مورد اعسار بدانیم

## درسنامه‌های حقوقی برای زندگی روزمره – ۱۱۲

مهتاب سحابی
وکیل دادگستری

یکی از مباحث مهـم در تمامی امور حقوقی و تمامی دعاوی من جمله دعاوی ملکی مبحث اعسار است. اعسار به چه معناست و جایگاه آن در آئین دادرسی مدنی و محاکم چیست؟

اعسار یک وضعیت محسـوب می‌شود که به موجب آن، شخص، توانایی مالی ضعیفی دارد و توانایی پرداخت ندارد که این موضوع بسته به موقعیت پرونده متفاوت است.

**دو نوع اعسار داریم:**

۱) اعسار از پرداخت هزینه دادرسی

۲) اعسـار از پرداخت محکوم به (آنچه به آن محکوم می‌شوند)

نوع اول) فرضا در پرونده‌ای شخص قصد طرح دادخواسـت دارد و برای طرح دادخواسـت هزینه گزافی باید پرداخت شـود. با توجه به اینکه قانون از مال‌برده حمایت می کند به شما این اجازه را می‌دهد که با طرح خواسته اعسار، ضمن دادخواست اصلی، مطالبه خود را مطرح نمایید. البته اثبات اعسـار و این ادعا منوط به ارائه دلایل متقن اسـت که در اعسار نوع اول تنها وجود استشـهادیه و حضور شهود جهت گواهی تنها دلیل و مدرک این دعوی محسوب می‌شود. ضمن اینکه این شهود باید در جریان مبلغ و میزان هزینه دادرسی آن باشند که این بدان معنی است لزوما ابتدای استشهادیه و پیش از امضای شهود باید مبلغ محکوم به و یا هزینه دادرسی درج شود. اگر شهود از این مبالغ آگاه نباشند، آن استشهادیه محکوم به بطلان است و قطعا اعسار رد خواهد شد.

**اما در مورد نوع دوم:**

اول اینکه علاوه بر استشـهادیه بایسـتی فرم صورت اموال و دارایی نیز ضمیمه دادخواست شود. در اعسار از پرداخت محکوم به ارائه صورت اموال و صحت مطالب آن بسـیار حائز اهمیت است به نحوی که در صورت عدم صحت حتی یکی از مندرجـات قطعا با رد دعـوی مواجه خواهید شد.

دوم اینکـه اخیـرا شـعبات دادگاه قابلیت استعلامات سـه گانه را داشته لذا تلاششان بر این باشد که مطلبی از اموال نانوشته نماند چرا که در استعلامات می‌آید و عدم درج آن از سوی شما موجب می‌شود برخی از قضات، با آن اعسار موافقت نکنند و محکوم به رد شود.

سوم اینکه یکی ازمواد مهم در خصوص نوع دوم اعسار که اعسار از پرداخت محکوم به است، ماده ۱۰ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است که گفته: «پس از ثبت دادخواست اعسار دادگاه مکلف است فوراً با استعلام از مراجع ذی‌ربط و به هر نحو دیگر که ممکن باشد نسبت به بررسی وضعیت مالی محکومٌ علیه جهت روشن شدن اعسار یا ایسار او اقدام کند.»

بنابرایـن هرگونـه نقـص و کسـری در این استشهادیه برابر است با رد شدن دادخواست اعسار شما.

چهارم اینکه اگر همه اطلاعات درسـت باشد و دادگاه شما را شایسته صدور اعسار بداند به موجب ماده ۱۱ همان قانون «در صورت ثبوت اعسـار، چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه ضمن صدور حکم اعسار با ملاحظه وضعیت او مهلت مناسبی برای پرداخت می‌دهد یا حکم تقسـیط بدهی را صادر می کند. در تعیین اقسـاط باید میزان درآمد مدیون و معیشت ضروری او لحاظ شده و به نحوی باشـد که او توانایی پرداخت آن را داشته باشد.»

مطلب مهم و دارای اهمیت در هر دو مورد اعسار این است که شـخص مدعی اعسار نباید تاجر باشد. شخص تاجر معسر نیست. سوال اینجاست که اگر معسر نیسـت، ناتوان مالی نیز هست، چگونه قانون از او حمایت می کند؟

پاسـخ این اسـت که تاجر در صورتی که در شـرایطی باشـد که توانایی پرداخت نداشته باشد، ورشکسته است و نه معسر. در این خصوص قوانین مرتبط به ورشکستگی بسیار گسترده است که در شماره‌های پسـین در موردشان مطالب بسیاری بیان خواهد شد.

فعلا این نکته را تذکر بدهیم که به موجب ماده ۱۵ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی «دادخواست اعسـار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شـود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند.

تبصره ـ اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی یا اشـخاصی که تاجر بـودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شـود، دادگاه بدون اخطار به خواهان، قرار ردّ دادخواسـت وی را صادر می کند.»

حال نکته اینجاست که دادگاه چگونه به تاجر بودن شخص آگاه می‌شود؟

از طرق متفاوتی، از طریق استعلام یا اطلاعاتی که طرف مقابل می‌دهد از ایـن موضوع آگاه خواهد شد.

در این حالت اگر شخص تاجر باشد، به صورت فوری قرار رد دادخواست صادر خواهد شد.

*** راه ارتباطی با وکیل:**

**وب سایت:** sahabigroup.com

**اینستاگرام:** @vakil_sahabii

روزی روزگاری وکالت (۴۱)

# قاضی به قضا رفت و غذا خورد و غزا کرد

## آیا قضات مصون از مسئولیت هستند؟

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

در حساسیت شغل قضاوت بسیار سخن گفته شده تا جایی که از امام جعفر صادق(ع) نقل شده است: «قضات چهار دسته‌اند، سه دسـته به دوزخ می‌روند و تنها یک دسته سزاوار بهشت هستند». («وسائل شیعه»/جلد ۱۸/صفحه ۷). اوصاف دادرسان در «قانون شـرایط انتخاب قضات دادگستری» (۱۳۶۱) آمده که شامل مواردی نظیر ایمان، عدالت، طهارت مولد (حلال زادگی)، تابعیت ایران، انجام خدمت وظیفه یا دارا بودن معافیت (غیرمسـتقیم شرط مرد بودن) و... می‌شود. دکتر سیدمحمود کاشانی در کتاب «استانداردهای جهانی دادگستری» شرط «طهارت مولد» را فاقد جایگاه در شـرایط کنونی می‌داند و بیان می‌دارد نمی‌توان فردی را که دارای شـرایط عمومی اشتغال به امر قضاست را با کنکاش در شیوه تولد او از حقوق قانونی محروم ساخت. بیشتر مردم تصور می کنند چون قضات تصمیم‌گیرنده نهایی هسـتند، پس یا بی‌اشتباه هستند یا در صورت اشـتباه مصونیت دارند؛ در حالی که چنین نیسـت و اصل ۱۷۱ «قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران» بیان می‌دارد: «هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن اسـت و در غیر این صورت خسارت به وسـیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌شود.» در ادامه به مسئولیت قضات دادگستری از منظر انتظامی، مدنی و کیفری می‌پردازیم.

نخست. مسئولیت انتظامی: براسـاس «قانون نظارت بر رفتار قضات» (۱۳۹۲) جهت نظـارت بر نحوه عملکرد و رسیدگی به تخلفات دادرسان، تشکیلاتی به نام «دادسرای انتظامـی قضـات»، «دادگاه عالی انتظامـی قضات» و «دادگاه عالی انتظامی قضات» در تهران تشکیل می‌شود. فهرست تخلفات انتظامی در مواد ۱۴ تا ۱۷ در در ۲۹ بند درج شده که شامل مواردی چون: اهمال در انجام وظایف محوله، اعلام نظر ماهوی پیش از صدور رأی، صدور رأی غیر مستدل، رفتار خارج از نزاکت، سوءاستفاده از اموال دولتی، خروج از بی‌طرفی، پذیـرش هدیه و رفتا خلاف شأن می‌شود. این تخلفات مجازات‌هایی اداری در پی دارد که از توبیخ کتبی بدون درج در سابقه و کسر از حقوق تا انفصال موقت از خدمت و انفصال دائم از خدمات دولتی بسته به ضعف و شدت تخلف می‌شود. در «قانون انتخاب وکیل توسـط اصحاب دعوی» (۱۳۷۰) پیش‌بینی شده است: «هر گاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب کند حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ [کسـر حقوق ماهانه] و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می‌باشد». برای شاکیت انتظامی از قضات متخلف، اشخاص یا وکلای آنان می‌توانند به همراه مستندات خود به خیابان خیام در تهران ساختمان کاخ دادگسـتری، مراجعه کنند یا در شهرستان‌ها، شکوائیه خود را به دفتر رئیس دادگستری استان جهت ارسال به دادسرا تسلیم کنند.

دوم. مسـئولیت مدنی: همانگونه که در اصل ۱۷۱ قانون اساسی خواندیم، اگر در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی خسارت مادی یا معنوی به اشـخاص وارد شود، این خسارت باید جبران گردد. مبانی و مسـئولیت مدنی بـرای جبران خسـارت در دو متن «قانون مدنی» (۱۳۰۷) و «قانون مسـئولیت مدنی» (۱۳۳۹) آمده است. ماده ۳۰ «قانون نظارت بر رفتار قضات» به شکل خاص به مسئولیت مدنی دادرسان اشاره دارد: «رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است»، و در تبصره اضافه می کند: «تعلیق تعقیب یا موقوفی تعقیب انتظامی یا عدم تشکیل پرونده مانع از رسیدگی دادگاه عالی به اصل وقوع تقصیر یا اشتباه قاضی نیست». پس تکلیف جبران خسارت در همه حال پابرجاست.

سـوم. مسـئولیت کیفری: اگرچه قاضی یکی از دو بال «فرشـته» عدالت اسـت، اما ممکن اسـت مانند همه انسان‌ها مرتکب جرم شـود، در این صورت رسیدگی به جرم او نیازمند تعلیق از سمت قضایی است؛ مطابق ماده ۳۹ «قانون نظارت بر رفتار قضـات»: «هرگاه قاضی در مظان ارتکاب جرم عمدی قرار گیرد، دادسـتان موضوع را بررسی و چنانچه دلایل و قرائن، دلالت بر توجه اتهام داشته باشد، تعلیق وی از سمت قضائی را تا صدور رأی قطعی توسـط مرجع ذی‌صلاح و اجـرای آن، از دادگاه عالی تقاضا می کند. دادگاه مذکور پس از رسـیدگی به دلایل، تصمیم مقتضی اتخـاذ می کند». از جرائم خاص قضات می توان به ماده ۵۸۷ «قانون مجازات اسـلامی» (۱۳۹۲) اشاره کرد: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه ،حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد...».

چندی پیش پایگاه خبری «وکلا پرس» اعلام کرد آقای بهنام نزادی وکیل دادگسـتری به دلیـل ایجاد صفحه «تخلفات انتظامی قضـات» در اینسـتاگرام به حبس و تعلیق از شـغل وکالت محکوم شده اسـت. از جزئیات پرونده اطلاع دقیق نداریم؛ ولی اگر علت محکومیت صرف اطلاع‌رسانی بوده باشـد، آگاه کردن مردم از حقوق خود مصداق «ذکات العلم نشـره» بوده و صرف این فعالیت نمی‌تواند عملی مجرمانه به شمار رود.

*** وکیل دادگستری. برای ارتباط با وکیل می‌توانید به ایمیل زیر یـا آی دی EbrahimAyoubi در شـبکه ایکس (توییتر) رجوع کنید.** ebrahim.ayoubi@ut.ac.ir

دوسیه

# آیا امور مالیاتی می‌تواند حساب‌های بانکی را بررسی کند؟

## اگر کسب‌وکاری دارید حواستان به ورودی حسابتان باشد

هانیه اشتغالی
وکیل دادگستری

با افزایش اهمیت درآمدهای مالیاتی در بودجه کل کشور از یک سو و افزایش احاطه اطلاعاتی و تکنولوژیک سازمان امور مالیاتی نسـبت به دادوسـتد و اطلاعات فعالیـت فعالان اقتصادی از سـوی دیگـر، یکی از دغدغه‌هـای هر صاحب کسـب و کار و حتی نزدیـکان ایشـان این اسـت که آیا حسـاب‌های آن‌ها مورد بررسی سـازمان امور مالیاتی قرار می‌گیـرد و آیا هر ورودی به حسـاب، می‌توانـد در معرض مالیات‌ستانی قرار گیرد؟

بر اسـاس ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم که در سال ۱۳۹۴ مورد اصلاح واقع شـده و جایگزین ماده سابق شده اسـت، «به منظور شـفافیت فعالیت‌های اقتصادی و اسـتقرار نظام یکپارچه اطلاعات مالیاتـی، پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مودیان مالیاتی شـامل مواردی نظیر اطلاعات مالی، پولی و اعتباری، معاملاتی، سـرمایه‌ای و ملکی اشـخاص حقیقی و حقوقی در سازمان امور مالیاتی کشور ایجاد می‌شود.» بر مبنای این ماده که به نحوی اقتدار و حوزه نفوذ سـازمان امور مالیاتی را به رخ می کشـد، کلیه نهادها و سـازمان‌هایی که به نحوی به یکی از انواع اطلاعات هویتی، معاملاتی، مالی، پولی، اعتباری و سرمایه‌ای، دارایی، املاک، اموال و هر گونه نقل و انتقال آن‌ها و همچنین سـایر اطلاعات اقتصادی اشخاص دسترسی دارند، مکلف شده‌اند که این اطلاعات را در راستای ایجاد پایگاه اطلاعاتی فوق در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار دهند.

تبصره ۱ این ماده بـرای متخلفان از دسـتور فوق ضمانت اجرایی در نظر گرفته و بیان داشـته که شـخص متخلف به همراه مؤدی مسـئول پرداخـت مالیات مربـوط به درآمد یا دارایی‌ای اسـت که به دلیل عدم دسترسـی به اطلاعات مخفی‌شـده مورد کتمان قرار گرفته اسـت. بـه علاوه این اشخاص مسـئول جبران خسـارات وارده به دولت شناخته شده‌اند.

این ماده در مقابل، سـازمان امور مالیاتی را موظف دانسته اسـت که «امکان دسترسـی برخط (آنلاین) بانک مرکزی جمهوری اسـلامی ایران، بیمه مرکـزی، گمرک جمهوری اسـلامی ایران، سـازمان بورس اوراق بهادار، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و همچنین سایر دستگاه‌های اجرائی را به فهرست بدهکاران مالیاتی فراهم آورد تا استفاده‌کنندگان مذکور بتوانند با حفظ طبقه‌بنـدی، اطلاعات دریافتی را در ارائه خدمات به اشخاص بدهکار مالیاتی لحاظ کنند.» و این اشخاص نتوانند از بسیاری از خدمات استفاده کنند.

اگرچه عـده‌ای معتقدند پیـش از تصویب این مـاده نیز به موجب مـاده ۲۳۱ قانـون مالیات‌های مسـتقیم مصوب ۱۳۶۶ و تبصـره ذیـل آن کـه بیـان مـی‌دارد «در مورد بانک‌ها و موسسـه‌های اعتباری غیربانکی، سـازمان امور مالیاتی کشـور اسـناد و اطلاعات مربوط بـه درآمد مودی را از طریق وزیـر امور اقتصـادی و دارایـی مطالبه خواهد کرد و بانک‌ها و موسسـه‌های اعتبـاری غیربانکی موظفند حسـب نظر وزیر امور اقتصادی و دارایی اقـدام نمایند.»، نیز اطلاعات حسـاب‌های بانکی قابلیت اسـتعلام از طرف سازمان امور مالیاتی را داشته اسـت، احاطه سازمان نسبت به این اطلاعات در اختیار مقرر شـده در مـاده ۱۶۹ مکرر بارز است.

از آن‌جـا که در تبصـره ۵ مـاده ۱۶۹ مکـرر تعیین نحوه دسترسـی به اطلاعات بانکـی و تعیین حد آسـتانه آن به آیین‌نامه‌ای مشـترک میان سـازمان امور مالیاتی و بانک مرکزی سـپرده شـده اسـت، آیین‌نامه اجرایی شـماره ۲۹۲۰۳۸ مصـوب سـال ۱۳۹۵ به این موضـوع پرداخته اسـت. بر اسـاس ایـن بخشـنامه در خصوص اشـخاص حقوقی، با هـر میزانی از تراکنش، سـازمان امـور مالیاتی امکان ورود جهت بررسـی بـرای اخذ مالیـات را دارد. در خصوص اشـخاص حقیقی نیز آسـتانه پنج میلیارد تومان برای مجـوز ورود به اطلاعات حسـاب‌های بانکـی در نظر گرفته شـده اسـت. به این معنی که مجموعه حساب‌های یک شـخص که دارای کد ملی اسـت، چنان‌چـه در طول یک سال گردش حسابی (شـامل گردش حساب بدهکار و بسـتانکار) معادل پنج میلیارد تومان داشته باشد، سازمان امـور مالیاتی امـکان ورود و اعمال مالیات را دارد. شـایان توجه آن که سازمان برای بررسـی تراکنش‌های مربوط به هر سال، پنج سال مهلت دارد که به آن مرور زمان پنج ساله گفته می‌شود.

البته باید توجه داشت بر اسـاس حکم مندرج در جزء ۳ بند (ب) تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۲، سازمان امور مالیاتی مجوز ورود به تمامی تراکنش های بانکی اشـخاص (به هر میزان) را برای سال ۱۴۰۲ و سـنوات قبل دارد، که البته با توجه به اصل «قبح عقاب بلابیان» و «عطف به ماسبق نشدن قوانیـن» چنین حکمـی در خصوص سـال‌های قبل قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد.

با توجه به عدم تکرار این حکم در قانون بودجه سال ۱۴۰۳، برای این سال، حد آستانه پنج میلیارد تومانی قابل اعمال و اجراست.

در پایان باید مدنظر داشـت کـه این حکم و حد آسـتانه تعریف‌شـده در خصوص اشـخاصی اسـت که فاقد پرونده مالیاتی هسـتند. در خصوص صاحبین کسـب‌وکار که در سازمان امور مالیاتی پرونده تشـکیل داده‌اند، بر اساس ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم، سازمان امور مالیاتی به کلیه اطلاعات حساب‌های بانکی دسترسی دارد.

اما باید دید آیا هر آن‌چه وارد حسـاب‌های بانکی اشخاص شود موضوع مالیات‌ستانی قرار می‌گیرد؟ و آیا تراکنش‌های بانکی قرینه‌ای برای تعیین درآمد مشمول مالیات محسوب می‌شوند؟ و چنان‌چه این تراکنش‌ها مبنای محاسبهٔ مالیات قرار می‌گیرند، چه نـکات و ملاحظاتـی پیرامون آن وجود دارد؟ این‌ها پرسش‌هایی است که در نوشتاری دیگر به نحو مفصل به آن خواهیم پرداخت.

*** برای ارتباط بـا وکیل، از طریـق ایمیل** hanie.eshteghali@gmail.com **یـا شـماره تلفـن ۰۹۱۲۲۱۴۲۹۸۲ اقدام کنید.**

پارکه / مصطفی آرانی

# آیا ممکن است پیامک، رابطه نامشروع باشد؟

## بررسی بخشـنامه نحوه انتقال امتیاز وام قرض‌الحسنه و پاسخ به سوالی در مورد تعدد جرم

این هفته سوالی از سوی مخاطبان به دستمان نرسیده و از این رو یک سوال اداره کل حقوقی قوه قضاییه و یک بخشنامه بانک مرکزی و یک نمونه رای را بررسی می کنیم:

**۱** فـردی در تاریـخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۰ مرتکب جرم درجه ۶ شـده و در تاریخ ۱۴۰۳/۲/۲۰ حکم او قطعیت یافته است؛ اما در تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ مرتکب جرم تعزیری درجه ۵ و در تاریخ ۱۴۰۳/۳/۱۵ قطعیت یافته اسـت که مشـمول تکرار جرم نیسـت. آیا دادگاه ملزم به اعمال قواعد تعدد جرم اسـت تا با صدور رأی ادغامی محکومیت اجرا شود و یا اینکه محکومیت در نوبت اجرا قرار گرفته و بعد از اتمام محکومیت قطعی لازم‌الاجرای اول، اجرا خواهد شد؟

**نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:**

در فرض پرسش که متهم قبل از تاریخ قطعیت حکم محکومیت کیفری، مرتکب جرایم تعزیری متعدد شده اسـت، موضوع از مصادیق تعدد جرم اسـت و مطابق مقررات ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسـی کیفری مصوب ۱۳۹۲ باید با اعمال مقررات تعدد جرم و رعایت شـرایط قانونی نسبت به نقض تمام احکام و صدور حکم واحد اقدام شـود و در هر صورت موضوع از شـمول مقررات تکرار جرم مذکور در ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خارج است.

**۲** چهار شـرط بانک مرکزی در خصـوص انتقال امتیاز تسـهیلات قرض‌الحسنه را بخوانید:

- در خصوص اشـخاص حقیقی انتقال امتیاز تسهیلات قرض‌الحسنه به همسر اقارب سـببی درجه اول از طبقه اول پدر و مادر همسر اقارب نسبی طبقه اول (پدر، مادر، اولاد و اولاد اولاد) اقارب نسبی درجه اول از طبقه دوم اجداد و برادر و خواهر بدون محدودیت و به سـایر اشخاص حقیقی با سقف سالانه ۱۰ میلیارد ریال
- در خصوص اشخاص حقوقی انتقال امتیاز تسهیلات قرض‌الحسنه صرفاً به کارکنان شخص حقوقی مزبور که برای مدت حداقل سه ماه برای آنان حق بیمه پرداخت نموده است؛
- عدم امکان انتقال امتیاز تسهیلات توسط انتقال گیرنده به غیر.

**۳** شـاکی اظهار داشته که متهم ردیف اول همسـرش بوده و از طریق بررسی گوشی تلفن همراه ایشان متوجه ارتباطات نامشروع ایشان با متهم ردیف دوم شده است.

دادگاه در رای خـود آورده رفتار مجرمانه باید به شـکل فعل مادی صورت گیرد و نه معنوی. لذا بر اساس آنچه در ماده ۶۳۷ قید شده گفتگوی عاشقانه یا تماس‌های تلفنی و پیامکی یا در فضای مجازی و... ، شامل ماده نمی‌شود. همچنین به عقیده این مرجع این نظر که به‌زعم برخی از حقوقدانان روابط نامشروع با جرایم منافی عفت دو جرم جداگانه هستند به طوری که اعمال منافی عفت شامل روابط مادی فیزیکی مانند تقبیل و مضاجعه بوده و روابط نامشروع شامل اعمال غیر فیزیکی مانند ارتباطات تلفنی و... است. هر چند اینگونه اقدامات (پیامک و گفت‌وگو) امری کاملاً مذموم و ناپسند است، لیکن جلوه کیفری بخشیدن به چنین موضوعاتی نیازمند تصریح مقنن است که در مانحن فیه چنین تصریحی وجود ندارد.

پارکه پنجشنبه هر هفته در همین صفحه، به پرسش‌های حقوقی شهروندان پاسخ می‌دهد. شما هم می‌توانید سوالات خود را به دو نشانی الکترونیکی زیر یا پیامک ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷ ارسال کنید:

PR@۷SOBH.COM

MO.MASJEDI@GMAIL.COM

درسنامه

# ۸ نکته از جرم افترای عملی

## آنچـه یک شـهروند باید از حقـوق کیفری بداند – ۵۶

آرمان احمدی
وکیل پایه یک

- افترا در لغت به معنای تهمت و بهتان زدن به دیگری است. افترا به صورت کلی به دو دسته افترای لفظی و افترای عملی تقسیم بندی می‌شود.

افترای قولی به این معناست که شخصی صراحتا عنوان مجرمانه‌ای را به دیگری نسبت دهد و نتواند آن را اثبات کند. برای مثال شخصی به دیگری تهمت کلاهبرداری بزند و نتواند اثبات نماید. اما افترای عملی به این صورت است که شخص برای متهم کردن دیگری اشیا و وسایلی که اتهام‌آور است را در جایی که مورد تصرف دیگری هست قرار می‌دهد. برای مثال شخصی برای انتقام‌جویی یا هر بهانه دیگری، مقداری مواد مخدر یا اسلحه در کیف دیگری قرار می‌دهد.

- مجازات افترای عملی چیست؟ با توجه به ماده ۶۹۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ هر کس عالماً و عامداً به قصد متهم نمودن دیگری، آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌شود را بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد کند و در اثر این عمل، شخص مزبور تعقیب شود؛ پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود. البته با توجه به نگرش جدیدی که در رابطه با قوانین کیفری لحاظ شده و به دنبال تصویب قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری مجازات افترای عملی به ۳ الی ۱۸ ماه حبس همراه با ۷۴ ضربه شلاق کاهش یافته است.
- جرم افترای عملی جزء جرائم قابل گذشت است و شروع تعقیب و رسیدگی پرونده منوط به وجود شاکی خصوصی خواهد بود. بنابراین در صورت عدم طرح شکایت، رسیدگی به آن آغاز نمی‌شود. اراده و قصد مجرمانه فرد در ارتکاب افترای عملی بسیار حائز اهمیت است و بایستی سوءنیت او احراز شود. به عبارت دیگر متهم بایستی با آگاهی و اراده کامل نسبت به ارتکاب جرم مبادرت ورزد.
- تحقق جرم افترای عملی و قطعیت مجازات آن باید ارتباط مستقیمی با ضرر و زیانی داشته باشد که متوجه قربانی می‌شود. برای مثال اقدامات و اعمالی که صورت می‌پذیرد غیرقانونی بوده و یا به طرز قوی اخلاقیات را زیر سوال ببرد و ارتباط مستقیمی با آبرو و حیثیت فرد قربانی داشته باشد. همچنین ادوات و وسایلی به کار می‌رود بایستی غیرقانونی بوده و جرم محسوب شوند.
- وجود عنصر سوءنیت و قصد مجرمانه برای تحقق جرم افترای عملی ضروری است. برای مثال اگر فردی بدون اطلاع و آگاهی از محتویات کیفی که داخل آن مواد مخدر وجود دارد، کیف را نزد دیگری به امانت بگذارد، افترای عملی تحقق نمی یابد.
- در افترای عملی فرد قربانی به هیچ عنوان اطلاعی از عملیات مجرمانه و اقدامات صورت گرفته شده ندارد.
- در افترای عملی امری که به دیگری نسبت داده می شود بایستی صریح و روشن باشد.
- افترای عملی جرم مقید به نتیجه است و پس از حصول نتیجه قطعی می توان برای طرح شکایت و تعقیب قضایی متهم اقدام کرد.

*** برای ارتباط با ایشان می‌توانید با شماره ۰۹۱۲۴۳۹۴۹۵۸ تعامل کنید.**

**زمستان گرم داووس**
آنچه باید درباره دهکده زیبای سوئیسی و مجمع جهانی اقتصاد بدانیم صفحه ۱۰

**ستاره‌ها در جشنواره ۴۳**
مروری بر نقش‌های مهم زنان در فیلم‌های امسال و یادی از آنها که نیستند یا نتوانستند صفحه ۱۳

## حرف های داغ هفته

### گلاب آدینه

من هیچ مشکلی با ورود افراد مشهور به تئاتر ندارم. چون هر کسی از یک جایی شروع می‌کند. یک خواننده روی صحنه می‌آید و اگر کارش خوب باشد، باز هم به کار دعوت می‌شود. اگر هم خوب نباشد که دیگر او را به بازی نمی‌گیرند. من کاملا راه را برای بازیگری باز می‌دانم. به نظرم چگونه شروع کردن مهم نیست؛ ماندگاری مهم است. استفاده از بازیگران به اصطلاح چهره از این دید خوب است که می‌تواند تماشاگران جدیدی را به تئاتر علاقه‌مند کند و به سالن‌ها بکشاند؛ ولی از طرفی می‌تواند باعث تغییر سلیقه تماشاچیان شود و آنها دیگر از اجراهای بدون بازیگر مشهور استقبال نکنند.

ایرنا
۱ بهمن

### نظام‌الدین کیایی

درباره هر اثر خسرو سینایی می‌توان ساعت‌ها به صحبت و گفت‌وگو پرداخت. من از ۱۸ سالگی و در شهر وین با خسرو سینایی آشنا شدم و پس از فیلم «یار در خانه» به دوستان صمیمی و نزدیک یکدیگر تبدیل شدیم. سینایی هیچگاه به دنبال نشان دادن خود نبود، بلکه همواره تلاش می‌کرد تا دیگران در کانون توجه قرار بگیرند و این ویژگی مربوط به ذات درونی او بود. خسرو سینایی به تمام زیر و بم‌های سینما آشنا بود و می‌توانست در جشنواره‌های بسیاری حضور پیدا کند و دیده شود اما مسئله این بود که عموما تنها ۱۰ درصد توقعات او از جانب تهیه‌کننده‌ها در اختیارش قرار می‌گرفت.

نکوداشت زنده‌یاد سینایی
۳۰ دی

### سودابه بیضایی

درباره قیاس بازیگری و مستندسازی بگویم که هیچ‌کدام از دیگری سخت‌تر نیست اما زمانی که فیلم می‌سازم، مخصوصاً مستند، لذت بیشتری می‌برم. شاید سختی مستندسازی بر اساس شیوه کاری من بیشتر این باشد که دوربین را جایی می‌برم و معمولاً بیش از دو سال با موقعیت‌ها و کاراکترها زندگی می‌کنم تا بتوانم لحظه‌ها را بدون اینکه قضاوت‌شان کنم و فقط به‌صورت یک مشاهده‌گر ببینم و شاید سختی این کار صبوری است. مستندساز باید صبور باشد؛ چون ممکن است ساخت یک مستند چندین سال طول بکشد؛ مثلاً فیلمبرداری هر دو اثر خودم بیش از دو سال بوده و باید آنقدر صبوری کنم که من بتوانم آن لحظه را شکار کنم.

رونمایی از آواز باد
۱ بهمن

### السا فیروزآذر

انگیزه من در حال حاضر کارگردانی است. چند سال پیش تئاتر «هزار و یک تو» را کارگردانی کردم که ۶ ماه برای آن هر روز تمرین می‌کردیم. بعد از اجرای این تئاتر، کرونا همه‌گیر شد و ما هم مانند بقیه گروه‌ها اجرایی نداشتیم. در جشنواره سال بعد بخشی میان سینما و تئاتر اضافه شد. این تئاتر را به سبک سینمایی فیلمبرداری کردم و در ۸ رشته نامزد شدم و ۲ جایزه دریافت کردم. خانم تهمینه میلانی متن فیلم مرا خواندند و گفتند تهیه‌کنندگی این فیلم را قبول می‌کنند. ایشان در زندگی من شبیه معجزه هستند؛ من هیچگاه به ایشان نگفتم تهیه‌کننده من باشید یا به من نقش بدهید.

ایرنا
۲۸ دی

### روشنک گرامی

اصلاً کارهای خودم را تماشا نمی‌کنم. اتفاقاً جزو منتقدان سرسخت خودم هستم. ولی این فیلم {شبگرد} را خیلی دوست دارم. آقای فرزاد موتمن کارگردان عجیب و غریبی است. ایشان به جز اینکه در حوزه سینما خیلی باسواد است، شبیه دایره‌المعارف زنده می‌ماند. او در حوزه سیاست، تاریخ و هر آنچه فکر کنید، آگاه است. کار کردن در طولانی‌مدت با آقای موتمن لذت‌بخش است و انگار نوع دیگری از سینما را تجربه خواهی کرد... الان از فیلم‌های کمدی نسبت به سایر ژانرها استقبال بیشتری می‌شود. انگار عده‌ای نمی‌خواهند این فیلم‌ها دیده بشود. من این فیلم را سه چهار بار دیدم چراکه «شبگرد» جزو فیلم‌های مورد علاقه‌ام است.

باشگاه خبرنگاران جوان
۲۷ دی

## چهره هفته

### ماهور الوند

# ماهور و راه‌های نرفته

فرزند سینماگر معروف (سیروس الوند) باشی، دنبال کسب هویت مستقل باشی و تحصیلکرده تئاتر باشی، باید کارنامه‌ای بهتر از این داشته باشی.
صحبت از ماهور الوند است که «جان سخت» تازه‌ترین فعالیت او در شبکه خانگی محسوب می‌شود. این سریال فعلا به کام او نبوده و شخصیت هانیه نقش‌های پیشین را به ذهن متبادر می‌سازد. الوند، بعد از اکران «دختر» ساخته سیدرضا میرکریمی به هفت‌صبح توضیح داد که تعمدا کارش را با فیلمی از پدر شروع نکرد تا شائبه رانت و چنین مسائلی پیش نیاید. فعلا هم فقط یک بار بازیگر فیلم پدرش (آنجا همان ساعت) بوده است. ماهور الوند، در گام اول تحسین شد اما در ادامه شمایلی ثابت که مبتنی بر رفتار آرام و گفتار سرد است را تکرار می‌کند. متاسفانه او نشانه‌هایی قابل تامل از خود بروز نداده است تا بگوییم می‌تواند شمایل ستاره شدن را برتن کند. این اتفاق در حالی رخ داده که بارها فرصت همکاری با کارگردانان مطرح برایش فراهم شده است. «نهنگ آبی»، «حرفه‌ای» و «بی‌گناه» سریال‌های قبلی الوند در شبکه خانگی بوده‌اند که در آنها از حد متوسط فراتر نرفته است. آیا در قسمت‌های بعدی «جان سخت» شگفتانه‌ای رقم خواهد زد؟ امیدواریم.

## این فیلم ها را ببینید

### شبگرد / فرزاد موتمن

- کارگردان: فرزاد موتمن
- تهیه‌کننده: مرتضی شایسته
- نویسنده: فرزاد موتمن
- بازیگران: امیر آقایی، امیرحسین فتحی، روشنک گرامی
- محصول: ایران / ۱۴۰۰

فرزاد موتمن از آن دست کارگردان‌هایی است که به معنای واقعی کلمه عاشق سینماست. تجربه‌های ثبت‌شده در کارنامه فیلمسازی‌اش هم بیشتر حکایت از بلندپروازی‌های او برای تجربه‌های متنوع دارد. هر چند موتمن هنوز هم نتوانسته فیلمی به محبوبیت «شب‌های روشن» در کارنامه‌اش بسازد اما هنوز هم بلندپرواز است. موتمن سیزدهمین تجربه سینمایی خود را در شرایط کرونایی و با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی ابلاغ‌شده تولید کرد تا برای حضور در جشنواره‌ها و اکران در سینماهای کشور آماده شود اما فیلم در شرایط مطلوبی به اکران نرسید و حالا اکران آنلاین شده است.

### خائن‌کشی / مسعود کیمیایی

- کارگردان: مسعود کیمیایی
- تهیه‌کننده: علی اوجی
- نویسنده: مسعود کیمیایی
- بازیگران: مهران مدیری، امیر آقایی، پانته‌آ بهرام، سام درخشانی
- محصول: ایران / ۱۴۰۱

سی‌ام فیلم کارنامه یکی از پرچمداران موج نوی سینمای ایران، حالا در شرایط عجیبی به مرحله عرضه رسیده است. «خائن‌کشی» را مسعود کیمیایی در سال ۱۴۰۱ مقابل دوربین برد و همان سال هم فیلم در جشنواره فجر رونمایی شد. از منظر ترکیب بازیگران اصلی، این فیلم را می‌توان یکی از آثار پرستاره این کارگردان کهنه‌کار به‌شمار آورد که بعد از رونمایی در فجر، نتوانست وارد چرخه اکران عمومی شود. انتشار نسخه سریالی فیلم قبل از اکران، تأثیر منفی زیادی روی فروش آن گذاشت و این روزها هم فیلم به اکران آنلاین رسیده است.

### کارو / احمد مرادپور

- کارگردان: احمد مرادپور
- تهیه‌کننده: حسین صابری
- نویسنده: فهیمه سلیمانی
- بازیگران: مریلا زارعی، پیمان مقدمی، علی پاینده و ...
- محصول: ایران / ۱۳۹۹

«کارو» بعد از فیلم‌های سینمایی «سجاده آتش» و «رنجر» و سریال «رقص پرواز» چهارمین اثر بلند احمد مرادپور است. او در حوزه دفاع مقدس کارنامه‌ای قابل دفاع دارد و «کارو» را نیز در همین ژانر ساخته. داستان درباره نوجوانی کُرد است که در آستانه حضور در تیم ملی کشتی، عازم جبهه می‌شود. مادرش شیلان، راضی نیست و دنبال او می‌رود. اصل داستان در همین بخش روایت می‌شود که شامل مواجهه شیلان با ایثار رزمندگان در شرایط سخت است. «کارو» را می‌توان دید؛ با آن همراه شد و بخشی از واقعیت‌های جنگ را لمس کرد. با این همه نتیجه طوری نیست که بتوان فیلم را یک اثر شاخص دانست.

## پیشنهاد ویژه هفته

# سریال صد سال تنهایی

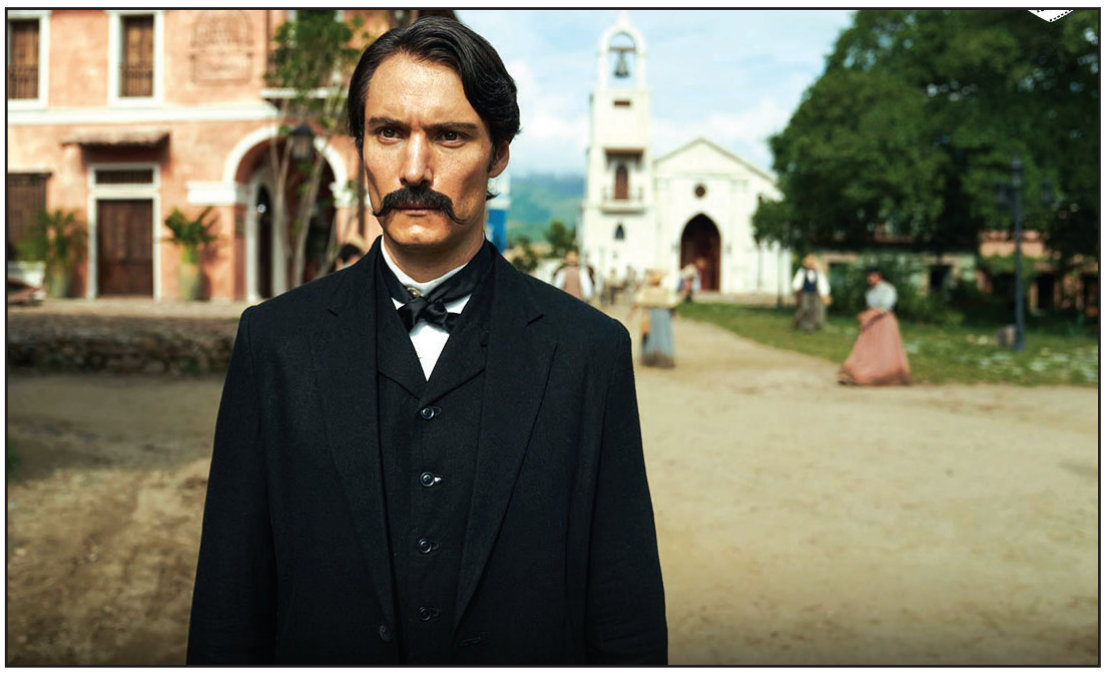

### نمای کلی

- کارگردان: **الکس گارسیا لوپز، لورا مورا اورتگا**
- نویسنده: **ناتالیا سانتا**
- تهیه‌کننده: **جوزپ آمورس**
- بازیگران: **گینو مونتنسینوس، روجرو پاسکوارلی، ادواردو ده لوس‌ریس، کلودیو کاتانیو**
- محصول: **کلمبیا / ۲۰۲۴**
- زبان: **اسپانیا / زیرنویس و دوبله**
- زمان: **۶۰ دقیقه**

### درباره سریال

برای بسیاری از کتاب‌بازها این نام یکی از کلیدواژه‌هایی است که آن‌ها را به دنیایی سرشار از خیال و شگفتی رهنمون می‌سازد. «صد سال تنهایی» سمفونی شگفت‌انگیزی از هر آن چیزی است که یک داستان می‌تواند برای مخاطب خود به ارمغان بیاورد. رمان سترگ و ماندگار گابریل گارسیا مارکز، سال‌هاست که در سراسر دنیا ترجمه و بازنشر می‌شود و در بازار کتاب ایران هم همواره جایگاهی ثابت در فهرست پرفروش‌ها داشته است. «صد سال تنهایی» حالا صاحب نسخه‌ای تصویری شده و مهمترین نکته سریال هم این است که خاستگاه آن، با خاستگاه رمان یکی است. هنرمندان کلمبیایی با بهره‌گیری از ظرفیت بومی خود اثری را خلق کرده‌اند که انتشار آن در سایت نتفلیکس با استقبال جهانی مواجه شد. سریال «صد سال تنهایی» که بر اساس رمان سال ۱۹۶۷ گابریل گارسیا مارکز به همین نام شکل گرفته، یک سریال کلمبیایی در سبک رئالیسم جادویی است که مورد توجه و تحسین اغلب منتقدان قرار گرفته است.

### درباره داستان

خوزه آرکادیو بوئندیا و اورسولا ایگواران که پسرعمو و دخترعمو هستند، برخلاف میل خانواده‌های‌شان با هم ازدواج می‌کنند. البته اورسولا ابتدا از رسمیت بخشیدن به ازدواج‌شان سر باز می‌زند چون می‌ترسد که بچه‌های معلولی به دنیا بیاورد؛ اما پس از اینکه خوزه آرکادیو مردی به نام پرودِنکیو آگوییلار را به دلیل توهین به زندگی‌شان در دوئل می‌کشد، زندگی آن‌ها دستخوش تغییرهای اساسی می‌شود؛ از جمله اینکه روح پرودنکیو وارد زندگی‌شان می‌شود و در نهایت آنها را مجبور می‌کند تا از شهرشان بروند و خانه‌ای جدید را برای خود پیدا کنند. خوزه آرکادیو به همراه اورسولا و برخی دوستان و خانواده‌های‌شان به دل طبیعت بکر می‌زنند تا سرزمین تازه‌ای را برای سکونت پیدا کنند. در این میان، اورسولا پسری را به دنیا می‌آورد که نامش را خوزه آرکادیو می‌گذارند. آنها دست‌آخر دهکده کوچکی را به نام ماکوندو بنیان می‌گذارند. یک روز ملکویادس و گروه کولی‌هایش از راه می‌رسند؛ مردی که خوزه آرکادیو را در علم و سیاحت غوطه‌ور می‌کند.

### واکنش منتقدان

تلگراف درباره این سریال نوشت: «وقتی چنین فضا و حس‌وحالی خلق می‌شود شما به‌سختی احساس می‌کنید که در حال تماشای بازی گروهی از بازیگران در مقابل دوربین هستید. اگر بخواهید مابه‌ازایی پیدا کنید احتمالا می‌توانید از آثار سینمایی نظیر فیلم رومای آلفونسو کوارون یا پسر بودن اثر ریچارد لینکلیتر نام ببرید؛ آثاری که این اقتباس مسحورکننده با آنها قابل قیاس است.» نشریه تایم هم معتقد است: «سریال صد سال تنهایی که در پایان یک سال بزرگ و فوق‌العاده برای اقتباس‌های تلویزیونی از رمان‌های فیلم‌نشدنی پدیدار شده در میان بهترین‌های این گروه قرار می‌گیرد.» منتقد ورایتی هم نوشته است: «بازی‌ها استثنایی هستند و با اینکه ضرباهنگ سریال در مواردی بیش از حد بی‌اشتیاق احساس می‌شود اما زیبایی صد سال تنهایی به تماشاگر اجازه می‌دهد تا تک‌تک قاب‌ها و لحظه‌های سنجیده و دیدنی‌اش را جذب کند.» دیسایدر هم تأکید کرده است: «سریال صد سال تنهایی حق مطلب را درخصوص رمان جاه‌طلبانه و پرشاخ‌وبرگ منبع اقتباسش ادا کرده است.»

## عکس هفته

### بهرامِ رکوردشکن

«هفتاد سی» پرفروش‌ترین فیلم سال ۱۴۰۳ شد. عصر روز سه‌شنبه ۲ بهمن فروش فیلم سینمایی «هفتاد سی» به کارگردانی بهرام افشاری از «تگزاس ۳» عبور و جایگاه نخست پرفروش‌ترین فیلم سال را از آن خودش کرد. «هفتاد سی» از شروع اکران چند رکورد را جابه‌جا کرده است. این فیلم سه‌شنبه ۲ بهمن با ثبت فروش ۲۴۹ میلیارد و ۲۲۰ میلیون تومانی، توانست از سد «تگزاس ۳» عبور کند. «تگزاس ۳» تا پایان اکران توانسته بود با ۲۴۹ میلیارد و ۱۲۲ میلیون تومان عنوان پرفروش‌ترین فیلم سینمای ایران در سال ۱۴۰۳ را به ثبت برساند. این فیلم تا مدت‌ها صدرنشین جدول فروش بود. با توجه به اینکه در ابتدای ماه بهمن قرار داریم و جشنواره فجر پیش رویمان است، بعید به نظر می‌رسد تا نوروز شاهد اکران فیلمی باشیم که بتواند رکورد «هفتاد سی» را جابه‌جا کند. بهرام افشاری این روزها مشغول بازی در فصل هفتم سریال «پایتخت» است که نوروز از شبکه یک سیما پخش خواهد شد.

## ترین‌های هفته

**چالش هفته | رادان با کوری چه می‌کند**

بهرام رادان سال‌ها سریال بازی نکرد تا اینکه سال ۹۷ پیشنهاد «رقص روی شیشه» را پذیرفت. آن سریال فاقد کیفیت لازم بود و خیلی زود اسیر حواشی شد و ناتمام ماند. اینگونه اولین سریال رادان تبدیل به یک تجربه تلخ برایش شد. او سه سال بعد نقش ناصرالدین‌شاه قاجار در «جیران» را بازی کرد که پیش‌تر نوشتیم توانست از پس ماموریت برآید. حالا اعلام شده او یکی از بازیگران اصلی سریال «کوری» ساخته سجاد پهلوان‌زاده است. کارگردانی که قبلا دو مینی‌سریال «سقوط» و «حیثیت گمشده» را ساخته بود. باید دید دستاورد رادان از «کوری» چیست.

**دورخیز هفته | ساعد دنبال جبران است**

ساعد سهیلی ابتدا نقش‌هایی کوتاه در آثار پدر (سعید سهیلی) داشت تا اینکه سال ۹۰ یکی از شخصیتهای اصلی «گشت ارشاد» به او رسید. این بازیگر خیلی زود مخاطبان را متقاعد کرد که استعداد قوام دادن نقش‌های مختلف را دارد. اخیرا اما عملکردش توام با شگفتانه نبوده و پسرفت داشته است. نمونه‌اش «پول و پارتی». او حالا دو موقعیت برای جبران دارد؛ یکی فیلم «خدای جنگ» است که در جشنواره فیلم فجر رونمایی خواهد شد. دیگری نمایش «ترور» است که در جشنواره تئاتر فجر امسال روی صحنه می‌رود و اولین حضور این بازیگر در این عرصه است.

# زمستان گرم داووس

## آنچه باید درباره دهکده زیبای سوئیسی و مجمع جهانی اقتصاد بدانیم

**مصطفی آرانی | دوشنبه تا جمعه این هفته، نشست سالانه مجمع جهانی اقتصاد در دهکده داووس در سوئیس برگزار شده و خواهد شد. نشستی که در آن ۳۰۰۰ مدیر تجاری از ۱۳۰ شرکت و ۳۵۰ مقام مسئول سیاسی من‌جمله ۶۰ رئیس دولت یا حکومت حضور پیدا می‌کنند تا سه اتفاق رخ بدهد:**

**۱. در سخنرانی‌های خود، سمت و سوی اقتصاد جهان در سال‌های آینده را از منظر خود نشان بدهند.**

**۲. از دیگر سخنرانان بشنوند که آن‌ها چطور آینده جهان را می‌بینند.**

**۳. با دیگر رهبران مذاکره کنند و بتوانند معاملات سیاسی یا اقتصادی انجام بدهند.**

**از ایران شاخص‌ترین فردی که در اجلاس امسال شرکت کرده محمد جواد ظریف، معاون امور راهبردی رئیس‌جمهور است. باتوجه به خبرساز بودن سخنرانی ظریف احتمالا یکی از موضوعات ترند در دو روز آخر هفته اجلاس داووس خواهد بود و از این‌رو تلاش کردیم به چند سوال مهم درباره این نشست پاسخ بدهیم. نشستی که برخی معتقدند سرنوشت جهان در یک سال آینده پشت درهای بسته و در سالن مذاکرات مجلل آن تعیین می‌شود.**

### مجمع جهانی اقتصاد چیست؟

یک سازمان غیردولتی و انتفاع‌گر بین‌المللی و مقر آن در ژنو سوئیس است. ۴ بهمن ۱۳۴۹ شمسی با ۲۴ رانویه ۱۹۷۱ تاسیس شده است. جلفو؟ در سال ۱۹۷۱ یک استاد بازرگانی در دانشگاه ژنوه به نام کلاوس شواب، ۴۵۰ نفر از مدیران شرکت‌های اروپای غربی را به اولین سمپوزیوم مدیریت اروپایی که در مرکز همایش‌های داووس برگزار شده بود دعوت کرد. هدف این بود که این مدیران با شیوه‌های مدیریت آمریکایی آشنا شوند. انجمن که مدتی بعد نام مجمع مدیریت اروپا به خود گرفت، از همان ابتدا با مشکل تامین امنیت این نشست، طبق آمار که تا سال ۲۰۱۸ وجود داشته، نزدیک به ۴۰ میلیون فرانک در سال هزینه شده است. یعنی ۴۴ میلیون دلار. از آن طرف در این نشست که در مورد محیط‌زیست حرف زده می‌شود ولی در سال ۲۰۲۰، شرکت کنندگان با حدود ۱۳۰۰ تخت شخصی به سوئیس آمدند و بار زیادی از نظر گاز گلخانه‌ای روی دوش جهان انداختند.

### چطور شد که مهم شد؟

یک سال بعد از تاسیس یعنی در سال ۱۹۷۲ نخست‌وزیر لوکزامبورگ به عنوان نخستین رئیس دولت به داووس رفت و از سال ۱۹۷۳، دولتی چون جنگ یوم کیپور و فروپاشی مکانیسم نرخ ارز ثابت برتون وودز باعث شد که نشست سالانه، تمرکز خود را به سمت مسائل سیاسی و اجتماعی ببرد. کم‌کم رهبران جهان فهمیدند که داووس جای خوبی است برای مذاکره و کسب هدیه. یوئان و ترکیه در سال ۱۹۸۸ در آستانه جنگ بودند و بیانیه‌ای پس از مذاکره در داووس آن‌ها را از این نبرد باز گرداند. رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی و مانلا برای نخستین‌بار در سال ۱۹۹۲ با هم دیدار کردند. در سال ۱۹۹۴ عرفات با شیمون پرز پیش‌نویس توافقنامه‌ای را نوشتند در مورد غزه و اریحا. دعوای مشهور اردوغان با شیمون پرز هم در همین اجلاس داووس در سال ۱۳۸۷ شمسی رخ داد.

### کجا برگزار می‌شود؟

سوئیس ۲۶ کانتون دارد. کانتون یک چیزی است مثل استان. یک کانتون داریم در سوئیس به نام گراوبوندن که دقیقا در مرز ایتالیا و سوئیس قرار گرفته است. داووس یکی از شهرهای این کانتون است. شهری کوچک با مساحت تقریبا ۷۸۴ کیلومتر مربع و جمعیت حدود ۱۱ هزار نفری. شهر دراقع در یک دره قرار گرفته و اساسا اسم آن هم از یک کلمه رومی یعنی tubus آمده که به معنای دره است. البته برای نخستین بار نام این شهر به صورت Davaus یا داووس هم ثبت شده است. شهر همچنین در دامنه کوه‌های آلپ است (با ارتفاع ۱۵۶۰ متر بالاتر از سطح دریا) و کنار یک رودخانه که از دریاچه داووس سرچشمه می‌گیرد. شهر به طور کلی، هویت استراحتگاهی و تفریحی دارد و به دلیل قرار گرفتن آن در مناطق کوهستانی هم یک پیست اسکی مهم دارد و هم میزبان مسابقات هاکی است.

### کمی بیشتر از تاریخ داووس بدانیم

اگر خیلی به سابقه تاریخی داووس علاقه ندارید، می‌توانید از این پاکس عبور کنید ولی جالب خواهد بود اگر بدانید که داووس شهری است که نامش را از قرن سیزدهم می‌شنویم. با این حال از اواسط قرن نوزدهم این منطقه مورد توجه قرار گرفت چون آب و هوایش در این دره توصیه‌شده برای درمان بیماران به صوص بیماران ریوی. به تبع این ماجرا چندین و چند استراحتگاه و آسایشگاه در این شهر ساخته شد. این امکانات باعث جذب توریست شد ولی از آن سو در کنار سیاست بی‌طرفی سوئیس این زمینه را هم فراهم آورد که داووس منطقه‌ای برای پناه گرفتن نازی‌ها در جریان جنگ جهانی دوم شود. جالب است بدانید که مردمان این ناحیه به صورت ریشه‌ای هم سنتر کاتی یا آلمان دارند و لهجه اصیل داووسی نزدیک به زبان آلمانی است.

### کمی بیشتر از جغرافیای داووس بدانیم

جانیم برایتان بگوید که حدود ۲۰ درصد از کل مساحت داووس به جنگل است و نه زمین کشاورزی و نه خانه و جاده. از آن ۶۰ درصد باقیمانده ۲۵ درصد کشاورزی است و ۲۲ درصد جنگل و همه اتفاقات در همان کمتر از سه درصد باقیمانده رخ می‌دهد. از این رو خوب است بدانید که کل مساحت مسکونی و شهری داووس حدود ۹ تو نیم کیلومتر مربع است. خب برسیم به آبوهوای شهر. ۱۲۵ روز از سال بخش عمده داووس برف دارد و ضمنا می‌توانید از استخری که داخل هتل است و نیز اسپا استفاده کنید. هتل البته تان جایش را هم می‌خورد و نمره مرغوبیت مکان از ۱/۹ تا ۱۰ است. البته فقط این گزینه را هم ندارید و داووس ۲۶ هزار تخت اقامتی دارد. میزان تخت‌های اقامتی این شهر، یک‌سوم کیش است.

### از وضعیت هتل‌ها چه می‌دانیم؟

کمی آن طرف‌تر از مرکز کنگره یک هتل هست که یکی از هتل‌های لاکچری در این شهر است. اگر تصمیم داشته باشید در ماه فوریه به همراه همسرتان به این شهر بروید و متلاز از اسکی لذت ببرید باید ۱۲۲۶ دلار پول بدهید؛ یعنی هر روز ۴۱۰ دلار که به پول ما می‌شود ۳۲ میلیون تومان. طبیعتا در این رقم صبحانه لحاظ شده، هتل وای‌فای دارد ولی به جز آن، هتل یک بوی خیلی خوبی به شهر داووس هدیه داده و ضمنا می‌توانید از استخری که داخل هتل است و نیز اسپا استفاده کنید. هتل البته تان جایش را هم می‌خورد و نمره مرغوبیت مکان از ۱/۹ تا ۱۰ است. البته فقط این گزینه را هم ندارید و داووس ۲۶ هزار تخت اقامتی دارد. میزان تخت‌های اقامتی

### از وضعیت رستوران‌های شهر چه می‌دانیم؟

داووس شهر گرانی است. از آن طرف هم البته کیفیت بالایی از مغازه‌ها و خدمات در این شهر مورد انتظار است. ۲۰ رستوران این شهر، نشان میشلن دارند. یکی از بهترین رستوران‌ها Schloss Schauenstein نام دارد که در آن گفته شده ترکیبی از جادوی اشپزی فردی به نام آندریاس کالمینادا را می‌توان با یک خانه باشکوه که هم تزیاح دارد و هم طراحی مدرن تجربه کرد. برای اینکه در این رستوران غذا بخورید باید ۲۹۰ دلار کنار بگذارید. برای یک وعده. ۲۹۰ دلار یعنی حدود ۲۴ میلیون تومان. البته وضعیت در رستوران‌های غیرلوکس هم همینطور است. متلا یک وعده غذای ارزان حداقل ۱۶ و نیم دلار هزینه دارد و سه وعده غذا برای دو نفر در یک رستوران متوسط حداقل ۷۷ دلار هزینه دارد. مک دونالد هم حداقل ۱۵ دلار قیمت دارد.

### زندگی در داووس چقدر هزینه دارد؟

ابتدا بیایید مواد خوراکی را ببینیم. متلا متوسط قیمت کاپوچینو ۵ دلار و ۳۶ سنت است. برای یک پیسی هم باید چهار و نیم دلار پول بدهید و چالی است که آب هم تقریبا سه و نیم دلار است. اگر بخواهید یک لیتر شیر بخرید باید حدود ۲ دلار پول بدهید، یک کیلو برنج ۳ دلار و ۳۵ سنت است، یک کیلو فیله مرغ ۲۹ دلار است و یک کیلو گوشت حدود ۴۳ دلار.

یک کیلو سیب ۴ دلار، یک کیلو موز ۲ دلار، یک کیلو پرتقال ۲ دلار و نیم است و در تره‌بار‌ها هم یک کیلو گوجه ۶ دلار و یک کیلو سیب‌زمینی ۲ دلار و یک کیلو پیاز ۲ دلار است. یک بسته سیگار مارلبورو ۲۰ نخ سیگار داشته باشد هم ۱۰ دلار قیمت دارد.

### چرا داووس همیشه برفی است؟

همیشه برفی نیست. ما داووس را در ماه فوریه و رانویه می‌بینیم و در این ماه‌ها بیشترین میزان برف در این منطقه می‌آید به طور کلی در طول یک سال در داووس، چهار متر و نیم برف می‌آید. از این میزان ۸۹ سانتی‌متر در رانویه برف می‌آید، ۸۲ سانتی‌متر در دسامبر و ۷۵ سانتی‌متر در فوریه و ۶۴ سانتی‌متر در مارس و ۶۰ سانتی‌متر در نوامبر. به این ترتیب تقریبا از میانه پاییز تا اکثر زمستان این شهر شاهد حدود ۳ متر و ۹۰ سانتی‌متر برف است. از نظر روزهای برفی هم در دسامبر تا فوریه هم دست‌کم ۱۱ روز از ماه، در این شهر برفی می‌آید. جالب است بدانید که حتی در تابستان هم این امکان وجود دارد که در این شهر برف ببارد یعنی از میانه بهار تا آخر تابستان ۱۶ سانتی‌متر باران می‌آید.

### مجمع دقیقا در کدام نقطه داووس است؟

مرکز سمپوزار یا کنگره داووس که در سال ۱۹۶۹ تاسیس شده و تاکنون سه بار در سال‌های ۱۹۷۹، ۱۹۸۹ و ۲۰۱۰ بازسازی شده و توسعه پیدا کرده و از سال ۱۹۷۱ میزبان این همایش است. زیربنای این مرکز حدود ۱۱ هزار متر مربع است و ظرفیت پذیرش ۵ هزار میهمان را دارد. در این مرکز ۳۴ اتاق جلسه وجود دارد و بزرگ‌ترین فضایی که برای جلسه دارد، ۱۵۰۰ متر مربع مساحت دارد. ۲ هزار نفر در آن واحد می‌توانند در این مرکز در یک جلسه باشند. جالب است بدانید که این مرکز با هتل‌ها و مراکز پذیرایی در اطراف آن که در قسمت‌های بعدی به عنوان میزبان نشست پایین خواهیم پرداخت، قرارداد دارد و شما می‌توانید با قیمت‌های پایین‌تر از خدمات آن‌ها نیز استفاده کنید. در این مرکز نشست‌های دیگری مثل نشست انجمن سونوگرافی سوئیس با ۱۲۰۰ میهمان هم به‌طور سالانه برگزار می‌شود.

### انتقاد به نشست: باری روی دوش ما

پول مجمع جهانی اقتصاد را چه کسانی می‌دهند؟ حدود ۱۰۰۰ شرکت چندملیتی که البته در نهایت پولشان را از فروش کالا و خدمات به مردم ارائه می‌کنند. حالا متفکران می‌گویند این مجمع باید دوباره داشتن صندوق فرانک سوئیس در ذخایر خود و حقوق ۱ میلیون فرانکی مدیرانش در سال، هیچ مالیاتی پرداخت نمی‌کند (چون ظاهرا یک آنجمن غیرانتفاعی است) و از آن طرف هزینه‌های زیادی را روی دوش مردم سوئیس قرار می‌دهد. متلا برای تامین امنیت این نشست، طبق آماری که تا سال ۲۰۱۸ وجود داشته، نزدیک به ۴۰ میلیون فرانک در سال هزینه شده است. یعنی ۴۴ میلیون دلار. از آن طرف در این نشست که در مورد محیط‌زیست حرف زده می‌شود ولی در سال ۲۰۲۰، شرکت کنندگان با حدود ۱۳۰۰ تخت شخصی به سوئیس آمدند و بار زیادی از نظر گاز گلخانه‌ای روی دوش جهان انداختند.

### زندگی در داووس چقدر هزینه دارد؟

حدود ۲۰ سال است که انتقادها به مجمع جهانی اقتصاد باعث شده برخی رفیا در جهان برای این نشست به وجود بیاید. متلا از سال ۲۰۰۳ فدراسیون کلیساهای پروتستان سوئیس یک مجمع باز داووس برگزار می‌کند و تلاش دارد که بحث جهانی نشدن را برای عموم مردم باز کند. این مجمع هر سال در یک دیس‌پرسان برگزار می‌شود و برعکس داووس که باید برای ورود به آن یا فرد شاخصی باعوت کنند یا دعوت شده باشید؛ محدودیتی برای ورود افراد ندارد. از سوی دیگر از سال ۲۰۰۰ یک نشست دیگر به نام چشم عمومی همزمان با داووس برگزار می‌شود و در آن به بدترین شرکت‌های جهان که عملکرد غیرمسئولانه‌ای داشتند جایزه داده می‌شد. البته برای آخرین بار این اتفاق در سال ۲۰۱۵ افتاد و از آن پس دیگر این نشست به دلیل تدابیر امنیتی امکان حضور در داووس را پیدا نکرد.

### زندگی در داووس چقدر هزینه دارد؟ (۲)

حالا بیایید نرخ برخی خدمات را هم حساب کنیم. متلا وقتی سوار تاکسی می‌شوید باید ۷ دلار بدهید و برای هر کیلومتر مسافت هم باید ۲ دلار و ۳۰ سنت بردارید. یک لیتر بنزین هم ۲ دلار است. برای قبض برق و گرمایش و سرمایش و آب هم باید ۳۲۲ دلار پول بدهید و بلیت سینما هم کمتر از ۱۲ دلار نیست.

اگر بخواهید بچه خود را در این شهر به مدرسه بفرستید باید ۳۳ هزار دلار در سال پول بدهید و برای یک ماه مهدکودک هم ۳ هزار دلار باید کنار بگذارید. در مورد ملک هم بگویم. اگر بخواهید یک آپارتمان در مرکز شهر داووس بخرید باید برای هر متر ۲۳ هزار دلار پول بدهید. یعنی تقریبا ملک‌ها در این شهر متری دو میلیون تومان است. میانگین حقوق هم بعد از کسر مالیات حدود ۸ هزار دلار است.

### داووس از خودراضی‌ها

یک نکته جالب این است که به عقیده برخی از کارشناسان برگزاری مجمع جهانی اقتصاد در شهر داووس باعث شده که مقامات این شهر به‌شدت از خودراضی شوند و تعهدی به ارائه خدمات مناسب نداشته باشند و به فکر سودجویی باشند. از قضا این حرف را موسس مجمع جهانی اقتصاد یعنی همان آقای کلاس شواب زده است. حال چرا؟ چون در سال ۲۰۲۱-۲۰۲۲، که کرونا وجود داشت، داووسی‌ها زیر بار برگزاری نشست نرفتند و در سالگیرد، جایگزینی برای این نشست آماده شد (که البته در آنجا هم برگزار نشد) ولی باعث شد که اعتمادبه‌نفس در اطراف آن که در قسمت‌های بعدی به عنوان میزبان نشست پایین بیاید. جالب است بدانید که مسئولان شهر داووس از برگزاری نشست‌های مختلف با عنوان داووس در جهان ناراضی هستند و حتی عربستان برای برگزاری نشستی به نام داووس صحرا از آنان مجوز کشی گرفته است.

### انتقادها به نشست: مجمع سرمایه‌دارها

خب تقریبا همه می‌دانند که این نشست یکی از نشست‌های مهم عالم سرمایه‌داری است و از این‌رو عجیب نیست که برخی در خارج از این عالم یا حتی منتقدان سرمایه‌داری نسبت به آن انتقاد داشته باشند و حتی آن را مرکزی برای توطئه بدانند. در واقع برای کسانی که منتقد سرمایه‌داری هستند مجمع جهانی اقتصاد در کنار گروه هفت قدرت بزرگ و صنعتی جهان یعنی جی‌هفت، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول، پایه‌هایی هستند که جنگ سرمایه‌داری با نئولیبرال‌ها در آن‌ها قصد دارد در جهان سلطه داشته باشد و از این‌رو اعتراضات مخالفان جهانی‌سازی در کنار این نشست مطلب عجیبی نیست. البته حدود ۱۰ سال است که به‌تبع شرایط بدبینانه‌تر بدبینی به کل مجمع جهانی اقتصاد و داووس حاکم‌است کمتر اعتراضی تحمل می‌شود و حداکثر به ۲۰ نفر اجازه داده می‌شود که در این محل تجمع کنند.

### توطئه یا توهم توطئه؟

برخی معتقدند که مجمع جهانی اقتصاد در واقع یک مجمع غیردموکراتیک برای تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت جهان است. این حرف‌ها را البته برای نشست‌های دیگری هم در جهان می‌زنند. متلا نشستی به نام بیلدبرگ. این نشست در سال ۱۹۵۴ گفته شده برای تقویت گفت‌وگوییان اروپا و آمریکای شمالی تاسیس شده و حالا برای تقویت اجماع در مورد سرمایه‌داری، غرب، بازار آزاد و منافع آن برگزار می‌شود و شرکت کنندگان در آن رهبران سیاسی، کارشناسان، مدیران صنعت، مدیران بخش مالی و دانشگاهیان هستند. تعداد شرکت کنندگان در این نشست ۱۲۰ تا ۱۵۰ نفر هستند ولی حفظ خرج خصوصی سخنرانان در آن باعث شده که در مورد آن حرف و حدیث‌های زیادی گفته شود. این نشست از ۱۹۵۴ برگزار شده به جز دو سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ که به دلیل همه‌گیری کوید ۱۹ لغو شده است.



**توضیح هفت‌صبح:** بخشی از مطالب این صفحه برگرفته از شبکه‌های اجتماعی است و منبع اولیه انتشار دهنده آنها ذکر شده‌است. بدیهی‌است که استفاده از این مطالب مصداق استفاده منصفانه طبق ماده ۷ قانون مولفان، مصنفان و هنرمندان خواهد بود.

## طنازی‌های شبکه‌های اجتماعی

### امروز نقی‌ام؛ کاملاً معمولی

**هر نوشته‌ای نویسنده‌ای دارد. هر نویسنده‌ای حق دارد اسمش را پای مطلبش ببیند. نوشته‌هایی که در این صفحه می‌خوانید توئیتهای کپی پیست شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخیده و صاحبش را گم کرده. اگر «شما» نویسنده این آثار هستید، لطفاً عصبانی نشوید. لبخند بزنید و به خواننده‌های فکر کنید که با خواندن نوشته‌های تان لبخند می‌زنند و در دل تحسین‌تان می‌کنند.**

نمی‌دونم جریان چیه هر جایی تو صف باشم چه مطب، چه صف نونوایی، خلاصه هر جایی همیشه یکی هست بهم یگه آقا میشه نوبت‌تونو بدید به من عجله دارم. از اینکه قیافه‌م مثل علاءالدینه، اصلا رضایتی نیستم.

بیرون وقاسا رد، رو مونور ۱۰ برابر سردتر. پیک برانتون چیزی آورد به چایی دستش بدین.

دوستان می‌شه رو دیواری شهر ننویسید یادیار نامه؟ من دارم سعی می کنم مووآن کنم.

امروز نقی‌ام. کاملاً معمولی.

امروز باقی‌ام. کاملا وحشی.

امروز اصغر فرهادی‌ام. کاملاً

سلامت روانم همیشه فارمزیته. اصلاتی.

تاکسیک بودن خز شده، بزرگ شو و یادبگیر جطور باید به نفر رو دوست داشته باشی.

اون اتفاق متونکنست، منو نسبت به همه‌چیز بی‌تفاوت و دلسرد کرد.

تنها بودن تو دانشگاه یکی از بدترین اتفاقایی که ممکنه بیفته حتی از تنهایی تو مدرسه بدتره.

بارسال دوست، امسال گوست.

اگه قطار آشناهی سوار شدی، اولین ایستگاه پیاده شو. هرچی بری جلوتر مجبوری واسه برگشت بلیت گرون‌تری بخری.

مریض ۵ ساله داشتم مامانش تو پرونده، تحصیلات رو نوشته: مهد کودک.

هرجا به مو می‌رسه و می‌خواد پاره بشه، مامانم میاد یه گره محکم می‌زنه روش.

این خانومه اون روز می گفت ما که ۷۰ سال هم عمر کنیم فقط هفتاد تا بهار و دیدیم.

راستش جمله سطحی و ساده‌ای شاید بدنظر بیاد ولی بعنظر من واقعا غم‌انگیزه. بعنظرم واقعا کمه. من کلی کتاب نخوندم و فیلم ندیده دارم. خیلی چیزارو نمی‌دونم، خیلی جاهارو نرفتم، زندگی کردم گفت واقعا.

پسرکی می گفت: زن‌ها هر سوالی می کنند جوابشو از قبل می‌دونن

پس بهتره همیشه راستشو بگی و زرنگ‌بازی در نیاری.

این انگیزه چیه شما قبل خواب میاد سراغت و می‌خوای فردا کلی کار انجام بدی ولی وقتی می‌خوابی و صبح بیدار میشی به جوری خستگی که تا تولات هم نمی‌تونی بری؟

۱۸) چرا همه دارن خودشون تو خونه شکلات درست می‌کنن؟ کرونا اومده باز؟

شما هم احساس می کنید هنوز کوچیکید و دارید بواشکی ادای آدم بزرگ‌ها در میارید؟

عذاب‌آور تر از شاگرد رفتن، تا باشگاه رفتنه.

تنهایی زندگی کردن و مخارجش هنوز برام عادی نشده. دیالوگ تایتم این شده که «باورت می‌شه؟ همینا شد فلان؟» درحالی که کیسه سبک و کوچکمو گرفتم بالا و چهره‌م متعجب و غمگینه.

تو به شرایطی گرفتار شدم که مثل اموات دستم از همه‌چیز و همه‌کس کوتاهه.

من اوایل فکر می کردم آدم معاشرتم ضعیفه، بعد فهمیدم کلا از آدما بدم میاد.

هیچ کس از سیل خوشش نمیاد ولی همه عاشق نوبتم بابرون. صدتوباسه کسی نذار، به نمه کافیه.

اگه اولین نفر از واگن مترو بیاده بشم و اولین نفر به پله‌مرقی برسم یعنی من از همه آدمهای مترویی بهتر و بالاترم.

شمام وقتی مورد سوپرمارکت و خرید نمی کنید، موقع بیرون اومدن جوری رفتار می کنید که انگار درزی نکردید؟

هیچ وقت با کسی که قدیم‌ها قیرکردید یا محلش نذاشتید، رفتارتون رو تغییر ندید. زمان گذشته و احتمالاً یادتون رفته، ولی حتماً به دلیلی داشته که تصمیم گرفتید باهاش ارتباط نداشته باشید.

جدی این قضیه به مرور زمان خنگ‌تر شدن و اینا هم اصلا جالب نیست من مطمئنم دوران دبیرستان باهوش‌تر بودم.

چرا میگین گربه‌هایی معرفتن؟ چرا اصن دنبال معرفتین تو حیوون؟ مگه تو فیلمای کمیتیایی زندگی می کنید؟

شما هم خونه‌تون مهمون میاد باناتون بهو تبدیل به مهمون میده؟ چون بابای ما فقط کم مونده یک بیخشید دستشویی‌تون کجاست؟

اکثرا دخترا به هایلایت "Title" دارن که سیر تکامل خوشگل‌تر شدن‌شونو نشون میده.

متاسفانه اونایی که با بول ددی زندگی می کنن هیچ وقت نمی‌تونن لذت اولین حقوق و تجربه کنن. عوضش امکانات مفت دارن که به مراتب از این چرندیاتی که من گفتم خیلی بهتره.

آدمها جدی جدی اگه به روشون نیاری فکر می کنن نمی‌فهمی.

به قسمتی از من درد می کنه که برانش تصویری ندارم، صدایی ندارم، مکانی ندارم، حالتی ندارم، توصیفی ندارم؛ فقط می‌تونم بگم بخشی از من درد می کنه.

ماماتم داره به دوستش مشاوره لاغری میده میگه عزیزم به مدت دهنتو ببند.

هر چقدرم آدم رو مخ باشم حداقلش هیچ‌وقت تا حالا عکس خودمو نذاشتم یک گراند موبایلم.

از نظر تهرانیا اگه تعطیلات نری شمال انگار استفاده درست از تعطیلات نکردی و سوخت دادی.

فرزند اول خانواده ایرانی بودن اصلا جالب نیست دوستان. توصیه نمی کنم.

عمرت تموم شد از بس منتظر بودی که فلان چیز تموم بشه تا فلان چیز رو شروع کنی.

الان کهورها دارن می سایت هواشناسی رو چک می کنن ببینن کی برف و بوران میاد بن کوو گیر بیفتن هلیکوپتر هلال احمر بیاد نجاتشون بده و تو اخبار نشون‌شون بدن.

اگه به ایرانیو مجبور کنی بعد از شنیدن خبر اردواج یکی، نیرسه «عروس خوشگله» یا «داماد چیکارست» قطعاً می‌میره.

اینکه جواب کسی رو نمیدم معنیش این نیست که سرم شلوغه و آدمای زیادی دورمن، صرفاً می‌خمور و بی‌حوصله‌م در برقراری ارتباط.

من تقریبا در دنیای واقعی و مجازی انسانی ندیدم که ۳۰ سالگیش زیباتر و جذاب‌تر از ۲۰ سالگیش نیاشه.

برای بولدار شدن از هر ۱۰ تا کسب و کار نویسی که به ذهنتم می‌رسه ۹ تاش عاقبتش زندانه، یکیش اعدام.

شاید من بزرگ‌ایی بعنی همین. کنار اومدن با اینکه هیچ چیز قوی‌العاده‌ای وجود نداره.

به به بیچ فروش کتاب بیام دادم، قیمت این کتاب چند؟ جواب داد: با احترام ۲ میلیون. گفتم: با فحش چند؟

جواب داد: شب دیدم اسثوری گذاشته: در زندگی هیچ چیز بدتر از یک انسان بی‌فرهنگ کتابخون نیست.

آدمایه تراپیست‌شون هم تمام ماجرا رو نمی گن، شما که جای خود دارید.

دلم می خواد بهش پیام بـــدم‌بی: تو واقعا دلت برای من تنگ نشـــده یا داری ادای بی‌تفاوتارو درمیاری؟

## ویدئوهای پربازدید هفته

### کلاه ملانیا، سلام هیتلری ماسک و لبخند ملیح خانم صمدی

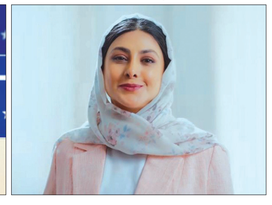

این هفته مادر علی انصاریـــان در مصاحبه با شـــاهین صمدپور با بغض و گریه گفت: «یک خانمی هســـت که تقاضا کرده، گفته من یه ماشین خریدم برای علی، الان طلب کرده که ۴ میلیارد و نیم می‌خوام. وقتی علی جان زنده بود خرج و مخارجم‌رو می‌داد ولی من الان یک مستمری بگیرم. خونه علی جانم‌رو می‌خوان بذارن برای مزایده. گفتـــه حکم جلب من‌رو هم می‌گیرن. دو ســـه روز دیگه بیشتر وقت ندارم. من الان تک و تنهـــا موندم نمی‌دونم چیکار کنم، کجا برم. من یک زن تنهام. از ملت ایران می‌خوام کمکم کنن.» مهناز شیرازی، گوینده اخبار ســـابق تلویزیـــون در مصاحبه جدیدی درباره دوران کاری‌اش در صداوسیما گفت: «بعضی وقت‌ها انقدر شـــمارو بی‌رنگ و بد ترکیب می‌کردن که انگار می‌خواســـتن مردم‌رو بترسونن. تو ایام نوروز خبری درباره مقوله عشق بود که دانشـــمندان به این یافته رســـیدن که ... این خبر تنظیم شـــد و ما هم خوندیمش. آقـــا ما برای خوانـــدن این کلمه عشـــق جریمه شـــدیم. هم من، هم سردبیر. من‌رو صـــدا زده اون مدیر به مـــن میگه بگو عشق. فقط برای اینکه شین من اینجوریه! من چیکارش کنم!» ویدئویـــی از مصاحبه جدید بهزاد فراهانی منتشر شد که درباره دخترش گفت: «گلشیفته‌ات اتو توی پاریس معروف‌تر از تهرانه و نمی‌تونه راحت راه بره. البته مزاحمش نمیشن. شـــاید هیچ کس ندونه که در ایتالیا جایزه صلح هنری به ایشون داده شده.» یکی از وایرال‌ترین ویدئوهـــای این هفته در جهان مربوط به مراســـم تحلیف دونالد ترامپ بود. ملانیا ترامـــپ که کلاه لبه بلندی در ســـرش گذاشته بود، سوژه شبکه‌های اجتماعی شد. ویدئویی خنده‌دار از این مراســـم وایرال شده که نشـــان می‌دهد دونالد ترامپ می‌خواهد همســـرش را ببوسد اما این کلاه اجازه نمی‌دهد و در آخر بی‌خیال ماجرا می‌شوند. ایلان ماسک هم در ســـخنرانی که در حاشـــیه این مراسم داشت گفت: «برخی انتخابات‌ها مهم هستند و برخی نیســـتند. اما این یکی، واقعاً اهمیت داشـــت و فقط می‌خواهم بابت محقق کردن آن از شما تشکر کنم.» بعد هم دست خود را روی سینه‌اش گذاشـــت و آن را به شکلی که شبیه سلام «ریک هایل» نازی‌ها در تجمعات پیروزی‌شـــان بود، بالا برد. فائقه آشـــتین در آخرین کنسرت خود به ابراهیم حامدی (ایی) متلکی انداخت و گفت: «خواننده‌های درجه یک مملکت مـــا هـــی خداحافظـــی می‌کنن، باز میان. پشیمون می‌شـــن. قربونت برم ایی جون! هشت ســـاله داره خداحافظـــی می‌کنه. امیدوارم تا اونجایی که مهشید ازش می‌کشه بخونه.» آزاده صمدی هم یک هفته‌ای است که در ویدئوهـــای مختلف جلـــوی دوربین می‌آید و با یک لبخند ملیح می‌گوید: «لوا!» البته مشخص شده این به وجد آمدن‌ها برای تبلیغات یک برند آرایشـــی بهداشتی است و دلیل خاص دیگری ندارد.

## قاب ایرانی

**۷** قابی از محسن نتابنده و فرزندانش

**>** فرشته حسینی این عکس را از همسرش نوید محمدزاده استوری کرد و نوشت: تو یکی همیشه.

**>** عکسی که حسن محجوبی و همسرش به مناسبت تولد ۵۶ سالگی او منتشر کردند.

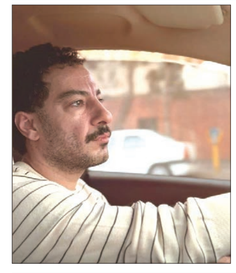

**>** عکس دو نفره شبدا ایرانی زوزه موراب، سرمربی سابق سپاهان با لوکاموداریچ. مغمودلو و همسرش به همراه مودریچ در سانتیاگو برنابئو نظاره‌گر دیدار رئال مادرید و لاس پالماس بودند.

**>** سروش صحت با استایلی جدید در یک مزون برند ایاس ایرانی در اطلس مال.

**>** روبا جاویدنیا و آناهیتا درگاهی در نمایشگاه آثار نجسمی سینماگران.

## قاب فرنگی

**>** اولین عکس منتشر شده از هنری کویل ۴۱ ساله و نائالی ویسکوزو به همراه نوزاد تازه متولد شده‌شان، گفته شده آنها به نازگی نامزد کرده‌اند.

**>** عکس زمستانی کندال جنر که این هفته در اینستاگرامش به اشتراک گذاشت

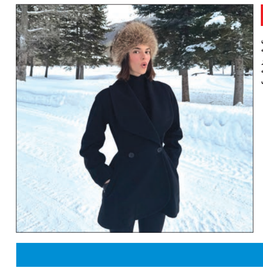

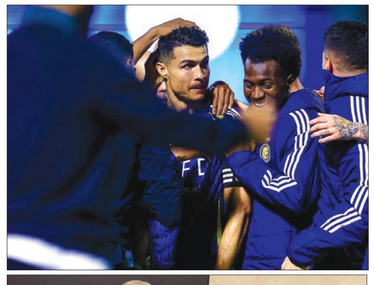

**>** آماندا سایفرد، بازیگر آمریکایی در مراسم joyawards در عربستان سعودی.

**>** کریستیانو رونالدو به مناسبت برد ۳ بر ۱ تیم النصر در مقابل الخلیج این عکس را در اینستاگرام خود منتشر کرد.

**>** شات جدید لی جانگ جی، بازیگر اصلی سریال بازی مرگب برای مجله W

**۸** کارلو آنچلوتی به پدر همسر خود به مناسبت تولد ۱۰۱ سالگی‌اش این کیت رئال مادرید را هدیه داد.

## سوژه هفته

### مورد عجیب خواستگاری

**این هفته بعضـــی از کاربران خاطرات‌شـــان را از خواستگارها و رفتارهای عجیب و غریب‌شان نوشتند. خواستگارها و رفتارهای عجیب و غریب‌شان نوشتند. دختر بوده تا آقای دامادی کـــه ۲۵ تومان آب‌هویج برایش گران بود!**

**>> ربات استاد:** به خواستگار داشتم که حسابرس وزارت بود، وضع به شدت خوبی هم داشت. واسه عید کادو بهم داد: فلش و ســـالنامه تبلیغاتی که بعد از جـــواب رد دادن گفت پس‌شون بده.

**>> مهندسی که دکتر بود:** مادر خواستگار تماس گرفتن. گفتن ما خیلی خوش‌مون اومده از شما و دختر خانوم‌تون. کی می‌تونیم با پسرمون بیایم؟ مادر که جواب منفی‌رو دادن ناراحت شـــدن و قطع کردن. ۵ دقیقه بعد دوباره زنگ زدن گفتن ما می خواستیم به شما و دختر تون لطف کنیم و گرنه اصلا ازتون خوش‌مون نیومده بود.

**>> نسیم قاصدک:** مادر خواستـــگار محترم فرمودند اگه می‌دونـــستیم جواب‌تون منفیه، وقت‌مون رو به جای دیگه صرف می‌کردیم.

**>> بیبی:** پارســـال یک خواســـتگار داشـــتم که به شدت موردپسند خانواده بود، جلســـه دوم بود می‌اومدن. مادر آقا اجازه گرفت که با آقا حرف بزنم توی اتاق. هیچی تا نشستیم این برداشت گفت آقا پررو نمی‌شی واقعا به دلم نشـــتی و این باعث شد بشه آخرین دیدار ما. بی‌تربیت...

**>> ایمان:** بادم افتاد مامانم تعریف کر

نکته بازی

## عیادت خوب است اما وظیفه‌تان را فراموش نکنید

دیروز در باشگاه استقلال اتفاق جالبی رخ داد. ظاهرا در بازی استقلال و شمس‌آذر، گوشی یکی از هواداران نوجوان استقلال به سرقت می‌رود و با رسانه‌ای شدن این خبر، باشگاه استقلال تصمیم می‌گیرد با هدیه دادن یک گوشی به این هوادار از او دلجویی کند. البته گفته می‌شود این گوشـــی را یکی از بازیکنان جوان استقلال خریداری کرده است. این اتفاق دیروز رخ داد و مدیران باشگاه هم چند عکس با این نوجوان در حال اهدای گوشی به او گرفتند و در رسانه‌شان منتشر کردند! مدیران باشگاه استقلال از روز شروع به کارشان دو کار مثبت دیگر هم انجام داده‌اند. اولی عیادت از اکبر کارگرجم پیشکسوت این تیم و دیگری عیادت از احمد سعادتمند مدیرعامل اسبق این باشگاه که به سرطان مبتلا شده است! از این عیادت‌ها هم عکس‌های زیادی در فضای مجازی وجود دارد. قطعا این کارها شایسته است و باید تکرار و الگو هم شود. اما این کارهای خیر و شایسته نباید باعث شود تا مدیران باشگاه از وظیفه حرفه‌ای و اصلی خود غافل شوند. استقلال این روزها مشکلات زیادی دارد. چند بازیکن از این باشگاه جدا شده‌اند و با وجود جذب دو بازیکن جدید، کارت بازی آنها صادر نشده و این تیم در بازی مقابل شمس‌آذر فقط یک مهاجم در فهرست خود داشت! تکلیف بلانکو روشن نیست و این در حالی است که استقلال برای جذب مهاجم جدید نیاز به خروج نام او از لیست دارد. می‌شود گفت مدیران جدید تا امروز هیچ کار خاصی انجام نداده‌اند و اگر هم انجام داده‌اند نتیجه‌ای نداشته است! همه این اتفاقات نشان می‌دهد که آن عیادت‌ها و اهدای گوشی، پوششی برای دیده نشدن کم‌کاری مدیران در انجام وظایف حرفه‌ای آنهاست.

## سکوت در برابر ساکت تا کی؟

روز سه‌شنبه اتفاقات حاشـــیه‌ای و جنجالی زیادی در چند بازی از لیگ‌برتر رخ داد. در یزد بازیکن جوان سپاهان تا جایی که می‌توانست هواداران چادرملو را تحریک کرد و اخراج شـــد و باید محروم هم بشود. در ادامه هواداران چادرملو با سنگ شیشه‌های اتوبوس حامل اعضای سپاهان را خرد کردند که شکی نیست باید با آنها برخورد شود. در اهواز اما اتفاقی رخ داد که هم عجیب بود و هم خیلی عادی! عجیب بود بابت اینکه یک ســـرمربی لیگ‌برتری در ورزشگاه با صدای بلند و در حضور دوربین‌ها و میکروفون‌ها به ســـرمربی حریف فحاشی ناموسی کرد و عادی بود به خاطر اینکه سرمربی فحاش کسی نبود جز ســـاکت الهامی! قصد توجیه اتفاقات رخ داده در یزد را نداریم. بازیکن سپاهان جوانی کرده و باید مجازات شود. هواداران تیم یزدی هم احساساتی شده‌اند و درباره آنها هم باید حکم عادلانه صادر شود تا دیگر تکرار نشـــود اما مربی باتجربه‌ای که سن و سالی هم از او گذشته، تا کی قرار است بدون کنترل خودش از لحاظ روحی و روانی، به دیگران فحاشی و بی‌حرمتی کند و جنجال بسازد؟ درباره او قبلا نوشته‌ایم که انصافا جزو مربیانی است که از نظر فنی در سطح قابل قبولی است اما بارها هم نوشته‌ایم که متاسفانه رفتارهایش اصلا حرفه‌ای نیست و واقعا زشت و دور از اخلاق اســـت. فقط کافی است در گوگل جست‌وجو کنید: «جنجال ساکت الهامی» و ببینید که انواع و اقسام اخبار و تصاویر و فیلم‌ها از حرکات دور از شأن او مقابل چشم‌تان رژه می‌رود! نمی‌دانیم قرار است تا کی با این رفتار مماشات شـــود. واقعا نمی‌شود یک بار برای همیشه بساط این بی‌اخلاقی توسط او جمع شود؟

# استقلال از موسیمانه عبور نمی‌کند

## با وجود نتایج ضعیف، اولتیماتومی به سرمربی استقلال داده نشده و جلسات اخیر او با مدیران مثبت بوده است

**باخت یک‌گله مقابل شمس‌آذر وضعیت بحرانی آبی‌پوشان را تشدید کرد. پیتسو موسیمانه، سرمربی استقلال که البته با چالش انتخاب ترکیب اولیه تیمش هم به‌واســـطه مصدومان و محرومان و البته عدم صدور کارت بازی جوئل کوجو مواجه بود و در دقایق ابتدایی بازی هم جلال‌الدین ماشاریپوف را به دلیل آسیب‌دیدگی از دست داد، بعد از باخت مقابل شمس‌آذر، حق را به هواداران استقلال داد و هم از آنها عذرخواهی کرد و هم خود را مُحق آن دانست که علیه‌اش شعار سر داده شود؛ البته که شعارهای هواداران آبی‌پوش در ورزشگاه بیشتر علیه بازیکنان تیم استقلال بود و شعاری علیه موسیمانه سر داده نشد. در این میان، بعد از شکست استقلال مقابل شمس‌آذر، نشست فوق‌العاده هیات‌مدیره باشگاه برگزار شد و سپس موسیمانه و دستیارانش به جلسه با مدیریت باشگاه فراخوانده شدند.**

**موضع رســـمی مدیران اســـتقلال؛ حمایت تمام‌قد از موسیمانه**

پیتسو موســـیمانه بعد از اتمام جلسه، سکوت اختیار کـــرد و در فضـــای مجازی، شـــایعات گســـترده‌ای پیرامون آینده کاری ســـرمربی آفریقایی به میان آمد. در این میان، حتی بحث اولتیماتوم دادن به موسیمانه هم پیش کشیده شـــد و برخی رســـانه‌ها هم شـــایعه نارضایتی بازیکنـــان از موســـیمانه را پیش کشـــیدند. با این وجود، پیگیری‌های بیشـــتر از منابع موثق حکایـــت از آن دارد کـــه نـــه اولتیماتومی به موسیمانه داده شـــده و نه بازیکنان از سرمربی تیم‌شان ناراضی هستند و آنچه در جلسه اعلام شـــده، اعلام حمایت از موسیمانه و تلاش برای برآورده کردن خواسته‌های او بوده است.

**پرداختـــی ۵۰ درصـــدی برای جلب اعتماد پیتسو**

مدیران باشگاه اســـتقلال نه‌تنها به دنبال قطع همکاری با موسیمانه نیســـتند بلکه ۵۰ درصد از رقـــم قرارداد او بـــه این ســـرمربی آفریقایی پرداخت شـــده تا هم شـــایعات پیرامون فسخ یک‌طرفه پیتسو به پایان برسد و هم موسیمانه نســـبت به آینـــده کاری‌اش هم دلگرم شـــود. مطالبات دستیاران سرمربی استقلال هم آماده پرداخت است.

**آبی‌ها می‌خواهند ۴ خرید زمســـتانی دیگر هم داشته باشند اما ...**

موسیمانه نســـبت به وضعیت فهرست تیمش گلایه‌هایی دارد که مدیران باشـــگاه در جلسه، شنوای گلایه‌های پیتســـو بوده‌اند و قرار است فعالیت نقل‌وانتقالاتی اســـتقلال طی روزهای آینده شـــتاب بگیـــرد و بعد از جـــذب جوئل کوجو و محمدرضا آزادی، به نظر می‌رســـد که آبی‌پوشان حداقل ۴-۳ خرید دیگر هم خواهند داشـــت و نام مهرداد محمدی هـــم مجدداً به فهرســـت آبی‌ها باز می‌گردد؛ هرچند در مسیر خالی کردن فهرســـت بازیکنان اســـتقلال هم چالش‌های مهمی وجود دارد.

**پیتســـو به دنبال ثبت سومین خرید خارجی در استقلال**

موســـیمانه در زمینـــه جذب وینگـــر خارجی هم در حال بررســـی اســـت و با توجه به اینکه پرسی تائو راهی فوتبال باشـــگاهی قطر شده، پروژه انتقال او به اســـتقلال منتفی اســـت. در حالی‌که نام عارف آیمن هم روی میز قرار دارد، بررســـی‌ها برای معرفی ۲ گزینـــه دیگر هم از سوی پیتسو موسیمانه در حال انجام است و به نظر می‌رسد طی روزهای آینده و بعد از قطعی شـــدن جدایی گوســـتاوو بلانکو از استقلال و خالی شدن یک سهمیه بازیکن خارجی دیگر، جزئیات بیشتری پیرامون خرید خارجی آبی‌ها منتشر شود.

**اســـتدلال موســـیمانه برای جذب غلامی؛ نیاز به مدافع سرعتی**

عارف غلامـــی در حالـــی یکـــی از گزینه‌های پیشنهادی موسیمانه برای تقویت خط دفاعی استقلال است که سرمربی آبی‌پوشان اعتقاد بر آن دارد که ابزار فعلی او در پســـت دفاع میانی، همگـــی بازیکنان ایســـتایی هســـتند و نیاز به مدافع ســـرعتی دارد تا بتوانـــد آرایش تیمش را تغییر بدهد. بـــا وجود مخالفت‌هـــای اولیه، به نظر می‌رســـد ادله موســـیمانه باعث شده تا نگرش مدیران استقلال نسبت به جذب عارف غلامی تغییر کند امـــا در این میان، چالش‌های مهمی وجود دارد کـــه البته مهم‌ترین مرتبط با مشـــترک بودن مدیربرنامه‌های سامان فلاح و عارف غلامی است!

**نگاه حرفه‌ای موســـیمانه به تغییرات مدیریتی استقلال**

استقلال در سالیان گذشته همواره با چالش‌های مدیریتی مواجه بوده و تغییر سریالی مدیران‌عامل این باشگاه باعث شده تا سرمربیان استقلال هم وارد چالش‌هـــای مختلفی شـــوند؛ به‌طور مثال، ریکاردو ســـاپینتو کارش را بـــا مصطفی آجورلو آغاز کرد اما در ادامه مسیر، چهره‌هایی مثل علی فتح‌الله‌زاده و حجـــت کریمی در نقش مدیرعامل استقلال انتخاب شدند و حضور این افراد در مسیر ادامه همکاری ساپینتو و استقلال چالش‌آفرین شد. با این وجود، گفته می‌شود پیتسو موسیمانه نگاه حرفه‌ای به تغییر و تحولات مدیریتی باشگاه استقلال داشته و از زمان انجام تغییرات مدیریتی، بیش از ۳ جلسه با مدیران جدید داشته است.

**پیتســـو به مدیران جدید اســـتقلال دستِ دوستی داد**

موســـیمانه نه‌تنهـــا در تعامـــل حداکثـــری با مدیران جدید باشگاه استقلال است بلکه گفته می‌شـــود در زمینه جذب بازیکـــن جدید هم، طرفین مذاکرات مثبتی با یکدیگر داشـــته‌اند؛ به‌طوری که لیســـت اولیه پیتســـو موسیمانه، بعد از رایزنی‌های انجام‌شـــده میـــان مدیریت و کادرفنـــی، دســـتخوش تغییـــر و تحولاتی شـــده و با توجه به اینکه مطالبات پیتســـو هم در دوره مدیریـــت جدیـــد پرداخت شـــده، به نظر می‌رســـد برخلاف خبرســـازی‌های انجام شده، رابطه طرفین در شـــرایط کاملاً مطلوبی قـــرار دارد و شـــایعات مرتبط بـــا موضوعاتی چون عبور اســـتقلال از موســـیمانه و انتخاب ســـرمربی جدید صحت ندارد و آنچه مســـلم اســـت اینکه آبی‌هـــا نه‌تنهـــا در فکـــر ادامه همکاری با موســـیمانه تا پایان فصل هســـتند، بلکه نگرش‌شـــان بر این اســـت که در صورت خـــروج از وضعیـــت بحرانی کنونـــی، پیش از پایان فصل جاری، قرارداد پیتسو را هم تمدید کنند.

گزارش

# شب جنون‌آمیز شزنی

## بارسلونا یکی از آن شب‌های دیوانه‌وار چمپیونزلیگی خود را تجربه کرد، در شبی که یک شخصیت ویژه داشت

ترکیب اصلی بارسا برابر بنفیکا خیلی‌ها را شگفت‌زده کرد. فلیک به‌رغم اینکه شـــزنی در فینال سوپرجام اسپانیا برابر رئال اخراج شـــده بود، روی این موضوع پافشـــاری داشـــت که او را مقابل بنفیـــکا به میدان بفرســـتد و در نهایت نیز این تصمیـــم را اتخاذ کرد. گلری که اشتباهاتی فاحش داشت، ولی مربی آلمانی از بازیکنش حمایت کرد: «ما همـــه با هم می‌بریم و می‌بازیم.» شزنی که بارسا را تا مرز باختن برد و البته در نهایت او یک ســـیو نجات‌بخش در دقیقه پایانی انجـــام داد. این هـــم از آن اتفاقات عجیـــب و غریب فوتبال است.

ریسک فلیک روی شزنی در لیسبون نتیجه معکوس داد و امتیـــاز ویژه‌ای کـــه او به ایـــن دروازه‌بان داد، برای اولین بار تصمیم فنی مرد آلمانی را زیر ســـوال برد. فلیک در بعدازظهر دوشـــنبه آنقدر شزنی را در کنفرانس مطبوعاتی در دا لوژ تحسین کرد که به نظر می‌رسید حضور او در ترکیب اصلی قطعی است. کمی بیش از یک ساعت قبل از بازی، این موضوع تأیید شد. نیمه اول شزنی فاجعه بود و اگر نامش در افسانه‌های سیاه شب‌های اروپایی بارســـلونا ثبت نشد، به خاطر نتیجه نهایی بود. با تساوی ۱-۱، او بدون هیچ دلیلی به سمت یک توپ بلند ارسالی از سوی بازیکن بنفیکا رفت و عواقب آن را لحاظ نکرد. شـــزنی انگار به بالده اعتماد نداشت. برعکس، او با تمام قوا به سمت او رفت و با مدافع تیمش برخورد کـــرد و توپ به پاولیدیس رســـید که گل ۲-۱ را زد. اندکی بعـــد، پنالتی‌ای را تقدیم کرد که هت‌تریک مهاجم یونانی را رقم زد. علاوه بر اشـــتباهات خاص او در برابـــر بنفیکا، صرفاً فیکس شدن شزنی بحث‌برانگیز بود و برای اولین بار مدیریت فلیک را زیر سؤال برد. مربی بارسا در پایان بازی گفت این یک تصمیم صرفا فنی بود و پنیا قبل از بازی مرتکب اشتباه (دیر رسیدن به تمرین یا جلسه فنی) نشده بود.

شزنی هیچ حس اعتماد به نفسی در سوپرجام از خود نشان نداد، جایی که پس از چند خروج نامطمئن در نیمه‌نهایی مقابل اتلتیک، در فینال مقابل رئال مادرید اخراج شد. پنیا به عنوان بازیکن اصلی در برابر بتیس در جام حذفی بازی کرد (با یک سیو فوق‌العاده قبل از وقت استراحت مقابل ویتور روکه) و در ختافه نیز او درون دروازه قرار گرفت و یک بار دروازه‌اش باز شد. عملکرد خوب پنیا باعث شـــده بود همه تصور کنند در دالوژ او درون دروازه بارسا قرار خواهد گرفت ولی فلیک شایسته سالاری را رد کرد. همه اینها برعکس انتظارات از یک مربی صادق مثـــل فلیک بود که در پایان بازی از شـــزنی حمایت کرد: «او چند اشـــتباه مرتکب شـــد اما ما با هم می‌بریـــم و می‌بازیم. کدام بازیکن اشتباه نمی‌کند؟»

شـــزنی در ســـپتامبر گذشـــته به طور اضطراری و زمانی که تراشـــتگن به شـــدت مصدوم شد به بارسا پیوســـت. او قبلاً اعلام کرده بود به طور رســـمی از فوتبـــال خداحافظی کـــرده تا چند ســـال به آرامی زندگی کند.

شزنی با آرامش در ماربیا مستقر شده بود که تماس دوســـتش لواندوفســـکی را دریافت کـــرد و دوباره دستکش‌ها را برداشت. او خیلی خارج از فرم به بارسا آمد و چند هفته طول کشـــید تا آماده شـــود. او تا ۴ ژانویه در بارباسترو بازی نکرد که آنجا هم کار خاصی نداشـــت. اما از آن زمان، بازی‌ها برایش سخت بوده و او نتوانسته پاسخگوی توقعات باشد. یک اخراج، یک پنالتی مرتکب شده و برخوردی با بالده که منجر به گل حریف شـــد، آماری نگران‌کننده که هم او و هم فلیک را تحت فشار قرار می‌دهد.

با این حال، بزرگ‌تریـــن پارادوکس در پایان رخ داد، زمانی که شزنی با یک سیو فوق‌العاده با پای چپ مانع گل به نظر حتمی دی‌ماریا شد و سپس یک پاس بد از جراردِ مارتین را نیز به خوبی کنترل کرد و اجازه نداد بازیکن حریف زودتر به توپ برسد. دی‌یونگ پس از گل پنجم بارســـا و در پایان بازی شزنی را در آغوش گرفت. او دیگر نجات یافته بود.

سوژه روز

## بدترین نسخه سرخابی تاریخ

پرسپولیس پرافتخارترین و استقلال امتیازآورترین تیم تاریخ لیگ‌برتر است. پرسپولیس در ۹ فصل گذشته ۷ بار به قهرمانی رسیده و ۲ مرتبه دوم شده است. استقلال هم در این ۹ فصل هرگز از ۳ رده نخست خارج نشده ولی ظاهراً در این فصل این آمار درخشان برای دو قطب سنتی پایتخت تکرار نخواهد نشد. همه این اتفاقات در حالی رخ داده که دو تیم ظاهرا از دولتی بودن رها شده‌اند و به شرکت‌هایی غیردولتی واگذار شده‌اند و پیش‌بینی می‌شد با این تغییرات، اوضاع آنها بهتر از قبل شود.

**بدترین استقلال تاریخ، شانس کم‌رنگ پرسپولیس**

استقلال لیگ بیست‌وچهارم تا پایان هفته شانزدهم با اختلاف بدترین نسخه این تیم در تاریخ لیگ‌برتر است. استقلال در این فصل از ضعیف‌ترین عملکرد تا این مقطع از فصل در ادوار گذشته، ۵ امتیاز کمتر کسب کرده است. استقلال برای اولین‌بار در ۱۶ هفته، ۶ بار بازنده شده و کمترین تفاضل گل و ضعیف‌ترین گل زده در تاریخ برای این تیم ثبت شده است. وضعیت در سمت قرمز پایتخت به اندازه آبی‌ها بحرانی نیست ولی چنگی به دل نمی‌زند. این تیم در ۸ فصل اخیر، ۷ بار به قهرمانی رسیده و در این ۸ فصل، تنها در فصل گذشته مانند این فصل پس از ۱۶ بازی، ۳۰ امتیاز داشت. این تیم در دوره قبل پس از هفته شانزدهم عملکرد عجیبی داشت و در ۱۴ بازی ۱۲ برد کسب کرد و قهرمان شد و برای تکرار قهرمانی تنها باید دلخوش به چنین بازگشت اعجاب‌انگیزی به لیگ باشد.

**بدترین مجموع امتیاز تاریخ برای سرخابی‌ها**

پرسپولیس با ۳۰ امتیاز و استقلال با ۱۸ امتیاز در مجموع ۴۸ امتیاز در این فصل به دست آوردند که این کمترین میزان امتیاز این دو تیم تا پایان هفته شانزدهم در تاریخ لیگ برتر است. پیش از این در لیگ چهاردهم، استقلال و پرسپولیس در مجموع ۴۹ امتیاز داشتند که بدترین فصل این دو تیم به شمار می‌رفت. پرسپولیس و استقلال پس از ۱۶ هفته در شرایطی جایی در جمع ۳ تیم اول جدول ندارند که در تنها دوره لیگ‌برتر که این اتفاق افتاده بود، لیگ چهاردهم بود.

**فصلی ناامیدکننده برای تیم‌های تهرانی**

تهران در این فصل از لیگ برتر تنها ۳ نماینده دارد که این کمترین تعداد تیم‌های تهرانی در یک فصل در تاریخ لیگ‌برتر است. به جز پرسپولیس و استقلال که در این فصل کمتر از حد انتظار نشان دادند، هوادار دیگر تیم تهرانی هم وضعیت وخیمی دارد. این تیم در رده آخر جدول و گزینه اصلی سقوط است و با این روند باید لیگ بیست‌وچهارم را بدترین فصل برای تیم‌های تهرانی در تاریخ لیگ‌برتر دانست.

منبع: فوتبال ۳۶۰

گوشه و کنار مستطیل سبز

## راز مصـــدوم نشـــدن رونالدو از زبان پزشـــک عربستانی

صالح الحارثی، پزشـــک پیشـــین تیم ملی فوتبال عربســـتان درباره عدم مصدومیت کریستیانو رونالدو در دیدارهای فشرده لیگ حرفه‌ای این کشور گفت: رونالدو همواره می‌خواسته که بدن او همانند یک ورزشکار و نه صرفاً یک فوتبالیست ساخته شود و تا سن ۴۰ ســـالگی به این روند و مراقبت از خود ادامه می‌دهد. الحارثی خاطرنشان کرد: بعد از ۴۰ سالگی افت بدن آغاز می‌شـــود اما با توجه به اینکه بدن رونالدو از ابتدا به شکل صحیحی تثبیت شـــده؛ به آن درجه‌ای که افراد عادی یا حتی فوتبالیست‌ها اُفت می‌کنند، نخواهد بود؛ البته کریســـتیانو رونالدو هم پس از ورود به ۴۰ سالگی بخش زیادی از آمادگی جسمانی خود را از دست خواهد داد. کریستیانو رونالدو در ۶ ماه پایانی قراردادش با النصر به سر می‌برد و این تیم در تلاش است تا او را برای یک تا دو فصل دیگر نیز حفظ کند.

## اخراج نوری شاهین از سرمربیگری دورتموند

باشگاه بوروسیا دورتموند با انتشار بیانیه‌ای از اخراج نوری شاهین، سرمربی این تیم خبـــر داد. دورتموند در این فصل نتایجی بســـیار ضعیف کســـب کرده؛ طوری که از ۹ بازی اخیر خـــود در تمامی رقابت‌ها تنها یک پیروزی داشته اســـت. باخت سه‌شنبه شب زردپوشـــان برابر بولونیا در هفته هفتم لیگ قهرمانان اروپا اما کاسه صبر مدیران باشگاه را لبریز و آنها را مجاب به تغییر در کادر فنی تیم کرده اســـت. دورتموند در بوندس‌لیگا نیز وضعیت جالبی ندارد و با ۲۰ امتیاز اختلاف نسبت به بایرن مونیخ صدرنشین در رده دهم جدول ایستاده اســـت. از اریک تن‌هاگ، سرمربی پیشین تیم فوتبال منچســـتریونایتد به عنوان جدی‌ترین گزینه جانشـــینی شاهین نام برده می‌شود.

## جدایی کاتانتس از تیم ملی ازبکســـتان به دلیل بیماری

فدراسیون فوتبال ازبکستان با انتشار بیانیه‌ای از قطع همکاری با سرمربی تیم ملی این کشـــور، ســـرچکو کاتانتس طی توافق دوجانبه به دلیل عود کردن بیماری این مرد اسلوونیایی و نیاز وی به تمرکز روی درمان خبر داد. تیم ملی ازبکســـتان که یکی از رقبای ایران در مرحله انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ است، در شـــهر دوحه قطر یک اردوی تدارکاتی برگزار کرده که تا پایان ماه ژانویه ادامه دارد اما بیماری کاتانتس مانع از آن شـــد که او روی عملکرد شاگردانش نظارت داشته باشد و این مســـئولیت به دستیارانش، آلش چه و ولادو رادمانوویچ سپرده شد. طبق اعلام رسانه‌های ازبکستان، گسترش بیماری سرطان در بدن کاتانتس ۶۱ ساله باعث شده که نتواند به کارش ادامه دهد؛ البته این نخستین باری نیست که او (از زمان انتصابش به عنوان سرمربی ازبکستان در سال ۲۰۲۱) برای درمان مجبور به بازگشت به کشورش اسلوونی می‌شود و پیش از این هم سه بار دیگر به همین دلیل مجبور به ترک ازبکستان شده بود. خروج کاتانتس از کادر فنی ازبکستان در حالی رخ داده که این تیم در دور بعدی بازی‌های مرحله انتخابی جام جهانی در ماه مارس، دو بازی مهم برابر قرقیزستان و ایران دارد.

## مو صلاح، ۳۹ گل تا ژانویه

محمد صلاح در آخریـــن فصل خود در آنفیلد یک فصـــل رؤیایی را تجربه می‌کند. البته بهتر کردن آمار فصـــل ۱۸/۲۰۱۷ (فصل اولش در لیورپول و فصل فینال لیگ قهرمانان در کی‌یف مقابل رئال مادرید) دشـــوار خواهد بود، زیرا آمار او در آن فصل فوق‌العاده و شبیه به آمار بازیکنانی چون مسی یا کریســـتیانو رونالدو بود. صلاح ۴۴ گل به ثمر رساند. اما این فصل ستاره مصری حتی در مسیر بهتری قرار دارد. در آن فصل صلاح ۱۴ پاس گل داد، اما این فصل تاکنون ۱۷ پاس گل داده است. و ما هنوز در ژانویه هستیم. او در ۳۱ بازی ۲۲ گل زده و ۱۷ پاس گل به ثبت رسانده است. آمارها خودشان گویای همه چیز هستند. او بیش از یک گل در هر بازی تولید می‌کند. او ۴۵ گل در لیگ قهرمانان و پنج گل در لیگ اروپا به ثمر رسانده است. این ۹ گل بیشتر از رکورد قبلی لیورپول است که متعلق به اسطوره‌ای چون استیون جرارد بود. در عین حال، صلاح همچنان در حـــال ورود به تاریخ لیورپول اســـت: ۲۳۳ گل در ۳۸۰ بازی. او چهارمین گلزن برتر تاریخ باشگاه است و تنها از گوردون هاجســـون (۲۴۱)، راجر هانت (۲۸۵) و ایان راش (۳۴۶) عقب‌تر است.

## آزادی میزبان دیدار حساس پرسپولیس - تراکتور

روابط عمومی ســـازمان لیـــگ فوتبال ایـــران اعلام کرد مســـابقه دو تیم پرسپولیس و تراکتور تبریز از ساعت ۱۸ روز یکشنبه ۷ بهمن در ورزشگاه آزادی تهران برگزار می‌شود. مســـابقه رفت این دو تیم در ورزشگاه یادگار امام تبریز به نتیجه تساوی یک - یک و تقسیم امتیاز بین دو تیم انجامید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک لویزان تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۵۱۰۰۲۷۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لویزان تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد ساریخانی قلعه باباخانی فرزند حیدر بشماره شناسنامه ۸۲۲ کد ملی ۳۹۳۰۵۵۶۲۷۸ صادره از ملایر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن بمساحت ۷۹/۶۷ متر مربع / قسمتی از پلاک شماره ۵۵ فرعی از ۶۷۲۰ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک لویزان تهران خریداری از مالک رسمی آقای ورثه مرحوم محمد جعفریان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴
۱۵۹۰۶ م الف رئیس ثبت اسناد و املاک لویزان تهران - ابوالفضل تریوه
شناسه آگهی ۱۸۵۹۳۳۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سندرسمی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی.**

برابرای شماره۱۴۰۳/۶۰۰۹مورخه۱۴۰۳/۰۷/۰۷هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض فرهادزندی فرزند محمدحسین بشماره شناسنامه۷۲۹صادره ازاسدآبادردرششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۶۰۷/۸۵مترمربع درقسمتی ازپلاک شماره ۵۰اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسدآباداراضی روستای بهرازخریداری ازمالکان رسمی عابدین افشاری فرزندطالب موضوع سندبرابرسندشماره ۴۴۵۰۱مورخه ۱۳۴۸/۱۰/۱۴دفترخانه۵همدان و ۲۳۸۶۹مورخه ۱۳۵۰/۱۰/۲۹دفتر۱۶اسدابادمقدار ۵۰۰۰م ترمربع ومحمدقربان بهرازی فرزندمحمدجعفرموضوع سندبرابرشماره۴۴۴۶۶مورخ ۱۳۴۸/۱۰/۱۴دفترخانه۵ همدان و۲۳۸۳۹ مورخ۱۳۵۰/۱۰/۲۹دفتر۱۶اسدابادمقدار ۷۰۰۰مترمربع و اسماعیل بشیری فرزندحسین موضوع سندبرابرسندشماره۴۴۴۸۵مورخ۱۳۴۸/۱۰/۱۴دفترخانه۵همدان و۲۳۸۷۵مورخ۱۳۵۰/۱۰/۲۹دف ترخانه۱۶اسدابادمقدار ۲۰۰۰ مترمربع وفیض الله شکری فرزندعبدالله موضوع سندبرابرشماره۴۴۵۳۵مورخ ۱۳۴۸/۱۰/۱۴دفترخانه ۵همدان و ۲۳۸۹۹ مورخ ۱۳۵۰/۱۰/۲۹دفتر۱۶ اسدآباد مقدار ۲۴۰۰مترمربع و سیف الله طالبی فرزندیوسف موضوع برابرسند شماره ۴۴۵۲۱ مورخه۱۳۴۸/۱۰/۱۴دفترخانه ۵همدان و ۲۳۸۹۰مورخه ۱۳۵۰/۱۰/۲۹ دفتر ۱۶ اسدآباد مقدار ۵۰۰۰مترمربع و عسگرزندی فرزندمیرزاعلی موضوع سندبرابرسندشماره۴۴۴۷۶مورخ ۱۳۴۸/۱۰/۱۴ دفترخانه ۵همدان و۲۳۸۴۷ مورخه۱۳۵۰/۱۰/۲۹دفتر۱۶ اسدآبادمقدار ۵۰۰۰مترمربع محرزگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف ۱۹۰۰
محسن حضرتی - رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد
نوبت چاپ اول: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹ نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴

انتقال پایتخت
به کویرلوت، بشتابید!
صفحه ۱۴

زندگی
داخل کارت پستال
صفحه ۱۶

۲۵۰ فیلم - شمارش معکوس- ۲۴

## جاسوس‌ها و بوکسورها

**ماراتن بزرگ به انتهایش نزدیک شده است. فیلم‌هایی که آنها را دوست دارم و هرکدام را بارها و بارها دیده‌ام. این پاورقی، این شمارش معکوس که از ۲۵۰ شروع شد، دو هفته دیگر تمام می‌شود.**

۳۰- سکوت بره‌ها. فیلم اضطراب‌آور جاناتان دمی بر مبنای رمان مشهور و پرفروش تامس هریس به شکلی غیرمنتظره همه اسکارهای مهم را به دست آورد. شیوه کارگردانی دمی در یک کلام استادانه است و تقریبا تمام ترفندهای مرسوم کارگردانی را در این فیلم می‌توانید در بالاترین حد خود تماشا کنید. فیلم درباره کمک یک پروفسور آدمخوار زندانی به یک نوآموز اف‌بی‌آی برای پیدا کردن یک قاتل مخوف زنجیره‌ای است. بازی‌های جودی فاستر و آنتونی هاپکینز در یک کلام شگفت‌انگیز هستند.
The silence of the lambs.1991

۲۹- راگلس اهل رد گپ. کمدی دیدنی لیو مک کری درباره یک مستخدم آدابدان انگلیسی که مجبور می‌شود ارباب متشخص خود را ترک کند و با یک زوج پیر و شلوغ تگزاسی راهی آمریکا شود و در آنجا با دنیایی عجیب روبه‌رو شود که فرصت‌های بی‌شماری برای ترقی و پیشرفت و حتی استقلال مالی را پیش پای او می‌گذارد. فیلم به نوعی یک تحسین و تقدیر پیچیده از سبک زندگی آمریکایی درباره شیوه زیست قراردادی و محدود شده اروپایی است. بازی چارلز لاوتون از امتیازات این فیلم درخشان است.
Ruggles of red gap.1935

۲۸-خاطرات کشیش روستا. فیلم تاثیرگذار و قدرتمند روبر برسون بر مبنای رمان برنانوس. نوعی کمال هنری بی‌نظیر در فیلم موج می‌زند و نوعی سلیقه متعالی در عرصه روایت. کلود لیدو کشیش جوان که از درد معده خود همیشه شاکی است، مسئول منطقه آمبریکور می‌شود و در آنجا با خانواده کنت آشنا می‌شود. کنتس بعد از مرگ پسرش حال و روز خوبی ندارد و ایمان او نیز در خطر است و بحث‌های زیادی با کشیش می‌کند ولی روز قبل از مرگش با کشیش صحبت می‌کند و ایمانش را دوباره پیدا می‌کند اما این موضوع را فقط کشیش می‌داند.
Diary of a country priest.1951

۲۷-لیدی ایو. یکی دیگر از کمدی‌های پیچیده و تودرتوی پرستن استرجس درباره زنی که به همراه پدر کلاهبردارش روزگار میگذراند و روزی مفتون معصومیت یکی از قربانیان پدرش می‌شود و در هویتی دیگر و لباسی دیگر برمی‌گردد تا مرد را فریفته خود کند. چنین داستان زیبایی و حضور دو ستاره بی‌همتا مثل هنری فاندا و باربارا استنویک درخشش فوق‌العاده‌ای به این فیلم کمدی پرفراز و نشیب بخشیده است.
Lady eve. 1941

۲۶- دکتر ژیواگو. اقتباس پرهزینه و پرفروش دیوید لین از رمان مشهور بوریس پاسترناک در پس‌زمینه وقایع انقلاب اکتبر شوروی، به یک منظومه زیبا و پرقدرت بدل شده. نقطه‌ای خاص در تلفیق هنر سینما همراه تمام پیچیدگی‌ها وسواس‌های هنرمندانه‌اش با ذائقه مردم عام و سینمادوست. فیلمی پرهزینه که برخی از فصول آن از بهترین تجربیات تاریخ سینماست. تیم بازیگران فیلم غبطه‌برانگیز هستند: عمرشریف، جولی کریستی، رداستایگر، جرالدین چاپلین.
Doctor zhivago.1965

۲۵- مرد آرام. یکی از معدود کمدی‌های جان فورد که همچون یک شربت گوارا در عصر تابستان بر جان آدمیزاد می‌نشیند. داستان یک بوکسور آمریکایی که بعد از حادثه‌ای دردناک در روی رینگ به زادگاهش در ایرلند باز می‌گردد تا به عنوان یک کشاورز خانواده‌ای تشکیل دهد و اینجا سرشاخ می‌شود با قید و بندهای خاص محلی در یک روستای ایرلندی. این فیلم دلنشین از بازی‌های خوب جان وین و مورین اوهارا و البته ویکتور مک لاگلن سود می‌برد.
Quiet man.1952

۲۴-اگتسو مونو گاتاری. اثر باشکوه کنجی میزوگوچی که نمونه‌ای از هنر کلاسیک شرق دور است. داستان یک رعیت که زندگی زناشویی‌اش را رها می‌کند و برای پول درآوردن به شهر می‌رود و آنجا به دام یک ساحره در یک خانه دورافتاده می‌افتد و بعد از تجربه زندگی‌ای پر از لذت ناگهان متوجه می‌شود که در داخل یک جادوی سیاه زندگی کرده است. بازگشت او به روستا خیلی دیر اتفاق می‌افتد و همسرش درگذشته است.
Ugetsu monogatari.1953

۲۳- بدنام. اثر تغزلی هیچکاک بر بستر یک داستان جاسوسی عجیب و غریب. ماجرای دختر یک فاشیست اعدام شده که خودش هم شهرت بدی در عرصه بی‌بندوباری دارد و قبول می‌کند که به عنوان یک جاسوس به محفل نازی‌های مهاجر در سال بعد از جنگ در ریودوژانیرو نفوذ کند. فیلمنامه بن هکت و بازی خارق‌العاده اینگرید برگمن و کری گرانت و البته کلود رینز جلوه‌ای زوال‌ناپذیر به این اثر استادانه هیچکاک بخشیده است.
Notorious.1946

۲۲- بوی خوش موفقیت. فیلم نوآر عجیب الکساندر مکندریک بر مبنای فیلمنامه ارنست لمان از فضای مافیایی روزنامه‌نگاران و هنرمندان و زدوبندهای پشت پرده. فیلم آکنده است از فصل‌هایی به یاد ماندنی و دیالوگ‌های محشر. کل داستان فیلم در کمتر از یک شبانه روز در نیویورک و در حد فاصل کلاب‌ها و رستوران‌ها و پشت صحنه گروه‌های موسیقی می‌گذرد.بازی‌های برت لنکستر و تونی کرتیس عالی هستند.
Sweet smell of success.1957

۲۱- امبرسون‌های باشکوه. دومین فیلم اورسن ولز در هالیوود وقتی ساخته شد که همشهری کین با شکست تجاری روبه‌رو شده بود و هالیوود به این صرافت افتاده بود که نبوغ این پسرک جاه‌طلب باید کنترل شود. پس فیلم زیبای ولز را به رابرت وایز به عنوان تدوینگر سپردند تا آن را کوتاه کند.با این حال حتی این نسخه کوتاه شده که برخی قسمت‌ها بی‌سروته به نظر می‌رسد از قله‌های تاریخ سینما محسوب می‌شود. این فیلم را ببینید و در خلسه این فیلم سینمایی و میزانسن غوطه‌ور شوید.
Magnificent ambersons.1942

# ستاره‌ها در جشنواره ۴۳

## مروری بر نقش‌های مهم زنان در فیلم‌های امسال و یادی از آنها که نیستند یا نتوانستند

جشنواره امسال به‌رغم کیفیت بالای فیلم‌ها به نسبت سه، چهار دوره گذشته سال خوبی برای بازیگران زن نیست. نقش‌های قدرتمندی برای زن‌ها نوشته نشده است. با این حال، مروری داریم بر لیست بازیگرانی که در جشنواره امسال خواهند، درخشید در حد بضاعت سینمای ایران و البته این که چهره‌هایی مثل نیکی کریمی، هدیه تهرانی، طناز طباطبایی، سحر دولتشاهی، ترانه علیدوستی، رعنا آزادی‌ور نگار جواهریان، هستی مهدوی و... اصولا فیلمی برای اکران نداشتند. امیدواریم نقش‌های زنانه در فیلم‌های آینده سینمای‌ایران بیشتروبیشتر شوند.

● الناز شاکردوست: پس از یک دوره شش‌ساله بازی در کارهای سنگین سینمایی و نمایشی از «شبی که ماه کامل شد» و «خفگی» تا «ابلق» و «تی‌تی» و تا «بی‌بدن» و «رستم‌وسهراب»، حالا با یک اثر نسبتا سبک سینمایی در جشنواره حضور دارد. «گوزن‌های اتوبان» در نقش دختری که در یک باشگاه بانوان معلم رقص است و بر اثر حادثه‌ای که برای نامزدش (نوید پورفرج) رخ می‌دهد با جمع ایفلوئنسرهای تهران و شیوه کارشان آشنا می‌شود و به یک چهره پرفالوئر فضای‌مجازی بدل می‌شود. فیلم بیشتر مال نوید پورفرج، صدف اسپهبدی و پیمان قاسم‌خانی بوده و بعید است نقش الناز چندان در فیلم جلب توجه کند.

● لیلا حاتمی. او می‌توانست با سه فیلم در جشنواره حضور داشته باشد. اما دو فیلم «پیرپسر» و «قاتل» و «وحشی» سر از بخش جانبی درآوردند. دو فیلمی که از پرتره دوپهلوی لیلا و این همنشینی شگفت‌انگیز معصومیت و زنانگی استفاده‌ای افراطی کردند و می‌توانستند بار دیگر جایگاه لیلا در صدر بازیگران سینمای ایران آن هم در سن ۵۲ سالگی تثبیت کنند. امیدواریم این دو فیلم را هر طور که هست حتی در بخش‌های ویژه در جشنواره ببینیم. به جز این دو فیلم لیلا با حضور در فیلم زمانی در ابدیت در جشنواره حضور دارد. یک فیلم به‌شدت فرمال و ذهن‌گرایانه که لیلا نیز به نظر می‌رسد توان همیشگی خود را در این فیلم به نمایش نگذاشته است.

● سارا بهرامی. یک نقش چشمگیر در فیلم خاتی دارد. در نقش یک زن بیوه شجاع که با دو فرزندش در کوهپایه‌های زاگرس زندگی می‌کند و حمایتش از حیوانات وحشی موجب درگیری او با خانواده همسر مرحومش و همین‌طور دیگر اعضای ایل و طایفه‌اش می‌شود. بهرامی با بازی برونگرایانه خود درخششی نسبی در این نقش دارد و می‌تواند تماشاگران را با خود همراه کند.

● پریناز ایزدیار. او که گرفتار سریال‌ها بی‌پایان خود با حسن فتحی است فرصت کمی برای حضور در سینما پیدا می‌کند. البته با توجه به حقوق ماهیانه‌ای که برای بازی در سریال ازازیل دریافت کرده (ماهی یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان) این رویه کاملا قابل درک است. هرچه هست دوستداران خانم ایزدیار امسال باید او را در یک کمدی محک بزنند. در نقش دختری که در سال ۵۸ مدیر یک هتل در تهران است و نامزدش در عراق به عنوان بدل صدام زندگی می‌کند و حالا برای ماموریتی به همراه محافظ سختگیر و خشنش یعنی آزاده صمدی به تهران برگشته و نامزد باید روابطش با محافظ خشن (با بازی آزاده صمدی) و نامزد پرشور، دلتنگ (با بازی پریناز ایزدیار) را کنترل کند. نقش این نامزد را نیز رضا عطاران بازی می‌کند. واقعا نقش سختی برای عطاران بوده (!) اما خانم ایزدیار در این فیلم نوعی توک‌زبانی صحبت‌کردن را برای عمق دادن به نقش خود انتخاب می‌کند که هرچه هست موجب شده شمای متفاوتی از ایزدیار ببینیم که الزاما باب‌طبع طرفداران ایشان نیست.

● آزاده صمدی. در نقشی کمدی باز هم ظرفیت‌های کمیک خود را با سخاوتمندی در اختیار کارگردان و تماشاگران می‌گذارد. استعداد کمیک او بی‌نظیر است هرچند بازی او در صدام خیلی به امتیازهای قبلی او اضافه نمی‌کند.

● هدی زین‌العابدین. ستاره شبکه‌های خانگی در سال گذشته با سریال در انتهای شب، حضوری کمرنگ در جشنواره امسال دارد. در نقشی نه‌چندان سرنوشت‌ساز در فیلم پرهیجان و خوب بازی را بکش. نمی‌دانیم زین‌العابدین هم به آن دسته از بازیگران تعلق دارد که قرار است هنر اصلی خود را در شبکه سینمای خانگی به نمایش بگذارد یا نه؟

● الناز ملک. نوستاره بلندپرواز سریال زخم‌کاری که در عرض چند ماه با حمایت سازندگان زخم‌کاری راهی دور و دراز را طی کرده است در فیلم پیشمرگ به عنوان یک دختر کرد نزدیک به حزب دموکرات و کومله ظاهر می‌شود و با واکنش‌های نسبتا اغراق‌آمیز خودشانس چندانی برای دریافت جایزه و یا اخذ توجه ویژه نخواهد داشت.

● سوگل خلیق. ستاره جوان شبکه‌های نمایش‌خانگی که با سریال دفترچه یادداشت درخشید در جشنواره امسال در دو، سه فیلم مختلف ظاهر شد که مهم‌ترین آنها فیلمی است با نام آبستن که سوگل، نقشی مهمی در نیمه دوم فیلم دارد و البته محدودیت فیلمنامه که او را مجبور کرده مدام در حال بغض و فریاد و گریه باشد، نمای کاملی از توانایی‌های او را به نمایش نمی‌گذارد.

● مریم مومن. نقشی حاشیه‌ای در فیلم کمدی غافلگیرکننده‌ای که از اردبیل عرضه شده است: سون سوز. فیلم کاملا به زبان ترکی ساخته شده است.

● فریبا نادری. بازی سهل و ممتنع او در فیلم شوهر ستاره از شگفتی‌های جشنواره امسال خواهد بود. در یک ملودرام نسبتا ملایم نادری در هیبتی جدید بازی کنترل‌شده و خوبی را نمایش می‌دهد و شاید به موفقیت بزرگی هم دست پیدا کند.

● مینا وحید. او را در نقش زنی مثلا اغواگر و پول‌پرست در فیلم شاه نقش ساخته شاهد احمدلو می‌بینیم. وحید باید مواظب باشد در این نوع نقش‌ها محصور نشود. او البته یک تجربه عجیب بازیگری را هم امسال از سرگذرانده. در فیلم آن دیگری در نقش مردی که در آستانه تغییر جنسیت، پوشش زنانه انتخاب کرده است که خب از قرار آن فیلم به جشنواره نرسیده است.

● گلچهره سجادیه. ستاره سینمای ایران در دهه شصت و هفتاد(دندان مار و گروهبان و ردپای گرگ و سرزمین خورشید و هیوا)بازگشتی شکوهمند به سینما داشته است. در فیلم ترک عمیق درام پرتنشی که آرمان زرین‌کوب ساخته و سجادیه در کنار رضا بابک، نمایشی درخشان از هنر بازیگری را عرضه می‌کند. امیدواریم حضور خانم سجادیه در این بازگشت دوباره طولانی باشد.

● صدف اسپهبدی. او باز هم نقشی حاشیه‌ای در یک فیلم روز دارد. در فیلم گوزن‌های اتوبان که سینماگران از بازی بدون واهمه او در نقشهای حاشیه‌ای و حتی منفی استفاده کامل می‌کنند. ظرفیت بازی او بیشتر از این نوع نقش‌هاست.

● دو نوستاره: مهسا اکبرآبادی در فیلم رکسانا آن‌قدر خوب و روان است که اگر فیلم در بخش مسابقه بود حتما نامزد جایزه بازیگری می‌شد. شهبازی بارها هنر خود در هدایت بازیگران جوان بخصوص دختران جوان را نشان داده است. در فیلم زیبا صدایم کن ساخته رسول صدرعاملی با بازی زیبای یک دختر جوان روبه‌روییم که از قرار دختر کریستف رضاعی آهنگساز مشهور و فرانسوی‌الاصل سینمای ایران است. بازی خانم رضاعی فوق‌العاده تاثیرگذار و تماشایی است و از بازی مقابل امین حیایی هیچ واهمه‌ای ندارد.

### خارج از مسابقه

ستاره‌هایی که به بخش مسابقه راه نیافتند: مهتاب کرامتی در فیلم مرمر و ....هانیه توسلی در فیلم در انتهای روز و همین‌طور بی‌سروصدا، لیندا کیانی در فیلم ماه پنهان، فرشته حسینی در فیلم بی‌سروصدا، شبنم مقدمی در فیلم در انتهای روز ،الناز حبیبی در عینک قرمز، بهنوش طباطبایی در گیس (۷۷ روز)، ریما رامین‌فر در برهوت، روشنک گرامی در ممنوع‌الخروجی،

تهران - ۱

# تهران از آغاز تا قاجار

**عباس عربی، تهران‌شناس** | برخی گمان می‌کنند تهران قدمتی ندارد اما تهران روستایی از توابع ری بود و تاریخی کهن دارد. شواهد باستان‌شناسی همچون بانوی هفت هزارساله که در چهارراه مولوی یافت شد، تپه‌های باستانی قیطریه با قدمتی سه‌هزار ساله، همچنین تپه‌های تاریخی اطراف اسلامشهر و شهریار در کنار سفالینه‌هایی قدیمی کشف شده در چشمه‌علی گواهی بر این مدعاست. دو منطقه شمال و جنوب تهران یعنی دماوند و شهرری جایگاه ویژه‌ای در تاریخ تهران دارد؛ شهرری با نام «راگا» و بعد «ری» در ادوار مختلف باستانی ایران، پایتخت یا از شهرهای اصلی ایران و جزو شهرهای مذهبی دین زرتشت بوده که مغان و موبدان در آن می‌زیستند. دماوند نیز جایگاه موبد موبدان (مَسمُغان) بود و فردوسی بزرگ توجه ویژه‌ای به دماوند دارد. تهران میان این دو پهنه (شهرری و دماوند) قرار داشته، آن را بخشی از قصران معرب کوهسران می‌دانند. به‌رغم آنکه تهران در آثار پیشااسلامی نشانه‌ای ندارد، برخی همچون اعتمادالسلطنه معتقدند این واژه احتمالا دگرگون شده «تهران» به‌معنای پایین دست، مقابل شمیران (بالادست) است. کسروی تهران را منطقه گرمسیر مقابل شمیران به‌معنای سردسیر می‌داند.

در دوران ساسانیان خاندان مهران مرزبانان ری و ساکن روستای مهران حوالی سه‌راه ضرابخانه امروزی بودند. جوقین تپه شهریار نیز به بهرام‌چوبین نامدارترین خاندان مهران منسوب است که بقایای این دژ عظیم همچنان پابرجاست. حدود سال ۲۳ هجری قمری اعراب مسلمان، شهرری و تهران را فتح کردند و نام تهران برای اولین‌بار در کتاب تاریخ بغداد اثر خطیب بغدادی ذیل شرح احوال محدثی به نام ابوعبدالله محمدبن حماد طهرانی ذکر شد و در فارسنامه ابن‌بلخی نام تهران به‌طور مستقیم ذکر و از میوه نیکوی انار تهران یاد شده است.

طغرل سلجوقی نیز در روستای طجرشت (تجریش فعلی) درگذشت و در شهرری دفن شد. نام تهران در کتب مشهوری همچون معجم‌البلدان، تاریخ طبرستان، عجایب‌نامه، راحه‌الصدور، آیه السرور، نزهه القلوب آمده و از انار نیکوی آن به دفعات یاد شده است. در برخی از متون آمده که اهالی تهران در دوازده محله تودرتو بدون برج‌وبارو و زیرزمین زندگی می‌کردند. ری با حمله مغول ویران شد و پس از آن هیچگاه شکوه قبلی خود را بازنیافت. از آن پس اغلب مردمان ری به شمال و جنوب ری یعنی تهران و ورامین مهاجرت کردند و تهران به‌تدریج گسترش یافت. اما بی‌تردید گسترش چشمگیر تهران در دوران صفوی به بعد روی داد. چون صفویان امامزاده حمزه(ع) در شهرری را جد بزرگ خود می‌دانستند.

سال ۹۶۱ هجری قمری به دستور شاه‌تهماسب دورتادور تهران به‌طول شش‌هزار گام، حصاروبارویی با صدوچهارده برج (به تعداد سوره‌های قرآن) و چهار دروازه در شمال، جنوب، شرق و غرب آن ساخته شد. تهران عتیق تشخص یافت و از شمال به خیابان امیرکبیر فعلی محدود و دروازه شمالی نیز دروازه شمیران نام گرفت که تقریبا در شمال پامنار قرار داشت؛ از جنوب، به خیابان مولوی فعلی و دروازه شاه عبدالعظیم محدود می‌شد، شرق تهران نیز خیابان ری فعلی بود و دروازه شرقی آن دروازه دولاب در مدخل بازارچه نایب‌السلطنه ساخته شد. غرب تهران هم خیابان وحدت اسلامی فعلی بود و دروازه غربی نیز حوالی بازارچه شاپور، دروازه قزوین نامیده می‌شد. این ساختار نزدیک به سه قرن یعنی تا اواخر دوران ناصرالدین شاه قاجار برجای ماند و پس از آن بود که حصار جدیدی پیرامون شهر تهران ساخته شد. شاه‌عباس صفوی نخستین پادشاهی است که برای تهران بیگلربیگی تعیین کرد و با ایجاد چهارباغی زیبا در قامت چنارستانی باشکوه بنیانی ایجاد کرد که بعدها ارگ سلطنتی در آن بنا شد.

افغان‌ها پس از آنکه به قدرت رسیدند دروازه‌ای در شمال تهران عتیق حوالی میدان توپخانه امروزی ساختند و آن را دروازه اسدالدوله نامیدند. پس از دولت مستعجل افغان‌ها، نادرشاه افشار تهران را توسعه داد و فرزند و ولیعهد خود رضاقلی‌میرزا را به حکومت تهران برگزید. پس از افشاریان، کریمخان‌زند در آبادانی تهران کوشید و سال ۱۱۷۳ هجری قمری به دستور وی بنای دیوانخانه که امروزه ایوان تخت‌مرمر(واقع در کاخ گلستان) نامیده می‌شود و ابنیهٔ اطراف آن همچون خلوت کریمخانی ساخته شد. بعد از مرگ کریمخان زند، آقامحمدخان قاجار گویا قصد داشت استرآباد(گرگان) را تختگاه خود کند اما به خاطر موقعیت خاص تهران دستور داد تا تهران را برای پایتختی وی آماده کنند. روز یکشنبه، اول نوروز ۱۱۷۵ در تهران جلوس کرد و دستور داد و از این زمان به بعد تهران پایتخت شد. تهران شهری بی‌تاریخ نیست و کشف اسکلت بانوی هفت هزار ساله تپه‌های چندهزار سالهٔ قیطریه گواهی بر این مدعاست.

نام تهران در کتب تاریخی پسااسلامی تا عهد تیموری به کرات آمده است و از دوران صفوی به بعد با ساخت حصار صفوی از شهرهای اصلی ایران به‌شمار می‌آید. نادرشاه افشار، فرزند خود رضاقلی‌میرزا را حاکم تهران کرد. دیوانخانه یا ایوان تخت مرمر به‌همراه ابنیه خلوت کریمخانی که امروزه در کاخ گلستان است در دوران کریم‌خان زند ساخته شد قاجاریان تهران را به پایتختی ایران برگزیدند. ادامه دارد...

# قانون نانوشته تعویض پیراهن؛ یادگاری از ستاره‌هایی که دوست‌شان داری

**هفت یک** | در حالی که بازیکنان انگلیس با خستگی و به آرامی در تونل ویمبلی قدم می‌گذاشتند، بعضی از حریفانی که آنها چند دقیقه قبل در زمین شکست‌شان داده بودند، صبورانه در تونل منتظر گرفتن پیراهن‌شان بودند. یکی از بازیکنان آندورا به محض ورودِ کیه‌ران تریپیه به تونل جلو آمد و در گوش اَو چیزی زمزمه کرد، اما او درخواست گرفتن پیراهن این بازیکن را نداشت- شورت ورزشی‌اش را می‌خواست.

تریپیه هنوز از شوک مطرح شدن این درخواست بیرون نیامده بود که بازیکن بعدی آندورا هم جلو آمد اما این مدافع کناری انگلیس می‌دانست چه چیزی در پیش است و پیراهنش را هم درآورد.

این لخت شدن ناگهانی که تصاویرش توسط دوربین‌های تونل ضبط شد، نشانگر فرهنگ مدرن عوض کردن پیراهن فوتبال است- و همانطور که تریپیه متوجه شد، این فرهنگ جدید محدود به پیراهن نیست و این فقط بازیکنان نیستند که در این داد و ستد دخیل هستند.

عوض کردن پیراهن و جمع کردن یادگاری حالا اتفاق جدید و عجیبی نیست. اولین عوض کردن پیراهن ثبت شده پس از بازی بین فرانسه و انگلیس در سال ۱۹۳۱ رخ داد، زمانی که یک بازیکن فرانسوی درخواست عوض کردن پیراهن کرد تا اولین پیروزی تاریخ این کشور برابر انگلیس را در خاطراتش حفظ کند.

اما این اتفاق به مدت چند دهه فقط در مواقع خاص و بیشتر در در دیدارهای ملی رخ می‌داد و تصویر عوض کردن پیراهن پله و بابی مور پس از بازی مرحله گروهی جام‌جهانی ۱۹۷۰ مکزیک یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین تصاویر مربوط به عوض کردن پیراهن است- نمادی از اتحادی، برادری و احترام متقابل بین این دو اسطوره فوتبال. در این لحظه کوتاه است که قبیله‌گرایی فوتبال که در آن پیراهن باشگاه مقدس است و خون و عرق بازیکنان در دفاع از خودش جذب می‌کند، از میان می‌رود. با این حال همه سرمربی‌ها اجازه انجام این کار را نمی‌دادند و معروف‌ترین آنها سر اَلف رمزی بود که در جام‌جهانی ۱۹۶۶ مانع از عوض کردن پیراهن جرج کوهن با آلبرتو گونزالس پس از بازی جنجالی و پرتنش مرحله یک‌چهارم نهایی برابر آرژانتین در ویمبلی شد. سر الکس فرگوسن هم به بازیکنانش در این باره هشدار داده بود چون از نظر او پیراهن منچستریونایتد مقدس بود. با این حال، فرهنگ عوض کردن پیراهن در طول چند دهه گذشته به شکل قابل‌توجهی رشد کرده است؛ تا جایی که کارمندان باشگاه پس از هر بازی در حال دویدن بین رختکن تیم‌های مهمان و میزبان با چندین پیراهن برای عوض کردن دیده می‌شوند و بعضی از تیم‌ها حتی از قبل درخواست‌هایی برای بعضی از پیراهن‌های خاص ارائه می‌دهند.

مسئولان پیراهن و تدارکات در باشگاه‌های لیگ برتری حتی گروه واتساپی خودشان را دارند و پیش از هر بازی درباره درخواست‌های تعویض پیراهن صحبت می‌کنند.

بازیکنان در هر باشگاه معمولا دو پیراهن می‌گیرند تا بتوانند بین دو نیمه پیراهن تازه‌ای به تن کنند و اگر پیراهن آسیب دید یا پاره شد، جایگزینی داشته باشند. اگر بخواهند می‌توانند پس از بازی هر دو پیراهن را به بازیکنان حریف، دوستان یا آشنایان بدهند یا به خیریه‌ها ببخشند اما باید بهای هر پیراهنی که به عنوان جایگزین داده شده را بپردازند.

اکثر بازیکنان حاضر به عوض کردن پیراهن هستند اما این موضوع درباره همه صادق نیست. بعضی بازیکنان علاقه‌ای به این کار ندارند- سرشناس‌ترین آنها لیونل مسی است که می‌گوید در طول دوران فوتبالش تنها از یک بازیکن خواسته پیراهنش را به او بدهد و او هم زین‌الدین زیدان بوده است. او گفت هرگز مشکلی با درخواست تعویض پیراهن نداشته و از دریافت پیراهن‌هایی که به او داده شده، خودداری نکرده و به همین دلیل کلکسیون بزرگی دارد. شاید پیراهن مارک آلبرایتون که پس از بازی بارسلونا و لسترسیتی در اینترنشنال چمپیونز کاپ ۲۰۱۶ در استکهلم به او داده شد، در کنار پیراهن زیدان باشد.

آن روز، آلبرایتون تنها بازیکنی نبود که پیراهن مسی را دریافت کرد و به واسطه هماهنگی‌های قبل از بازی برای برآورده کردن سایر درخواست‌ها، جیمی واردی و چند بازیکن دیگر نیز پیراهن او را گرفتند.

اما اسطوره‌هایی مانند مسی همیشه به این اندازه سخاوتمند نیستند. معمولا دستیاران تدارکات هستند که برای درخواست دریافت پیراهن جلو می‌روند اما یک بار، پس از بازی آتالانتا و یوونتوس بود که رابین گوسنس، مدافع آلمانی، شخصا به عنوان اولین نفر خودش را به کریستیانو رونالدو رساند و خواست پیراهنش را بگیرد.

او در کتاب زندگینامه‌اش به نام رویاها ارزشمند هستند نوشت: پس از سوت پایان بازی به سمت او رفتم... اما رونالدو قبول نکرد. من پرسیدم کریستیانو، می‌توانم پیراهنت را داشته باشم؟ او حتی به من نگاه هم نکرد و گفت نه!

خیلی شرمزده شدم. دور شدم و احساس حقارت داشتم. تا به حال شده که اتفاق شرم‌آوری رخ دهد و شما به اطراف نگاه کنید تا ببینید که آیا کسی متوجه شده یا خیر؟ این حسی بود که من داشتم و سعی کردم آن را مخفی کنم.

اما گوسنس در آخر به پیراهن رونالدو رسید چون هانس هاتبوئر، هم‌تیمی او، یک پیراهن خرید و گوسنس را در رختکن آتالانتا شگفت‌زده کرد. فقط پیراهن بازیکنان نیست که بسیاری به آن علاقه دارند. سامی لی، وقتی کمک مربی وست‌بروموویچ بود، در آخرین بازی فصل ۲۱-۲۰۲۰ از مارسلو بیلسا خواست که ژاکتش را به او بدهد و با پاسخ مثبت مواجه شد.

سقوط وست‌بروموویچ قطعی شده بود که او این درخواست را پس از شکست ۱-۳ برابر لیدز مطرح کرد. بیلسا ابتدا تعجب کرد اما سپس لبخند زد و شروع به بررسی جیب‌هاش کرد تا این تعویض لباس در تونل عملی شود.

گاهی این تعویض پیراهن یک طرفه است و بازیکنی که از او درخواست شده علاقه‌ای به داشتن پیراهن درخواست‌کننده ندارد اما این اقدامی نامحترمانه است و بعضی از بازیکنان بزرگ همیشه روی انجام کامل تعویض پیراهن تاکید دارند.

مک‌اندرو به خاطر می‌آورد:«ماوقتی میکی آدامز سرمربی بود با منچستریونایتد بازی کردیم و همان روز از لیگ برتر سقوط کردیم. لوران بلان، کاپیتان فرانسه، برای آنها بازی می‌کرد و ما جان اشتون، بازیکنی جوان را در اختیار داشتیم.

پس از بازی، جان از لوران پیراهنش را خواست. بلان مرد خوبی است و آن درآورد. جان تشکر کرد و پیراهن خودش را همچنان به تن داشت. لوران طوری به او نگاه کرد که انگار منظورش بود حالا نوبت تو است. جان شرمنده شد و گفت پیراهن من را می‌خواهی؟ بلان پاسخ داد البته!

من دوست دارم فکر کنم که لوران بلان پیراهن جان اشتون را جایی در خانه‌اش آویزان کرده است. مایکل دافی از داندالک وقتی در اکتبر ۲۰۲۰ در لیگ اروپا برابر آرسنال که تیم محبوب کودکی‌اش بود قرار گرفت، محو حضور ستاره‌های این تیم شد. ماموریت او بلافاصله پس از سوت پایان بازی و شکست ۳ برصفر شروع شد. او به اتلتیک می‌گوید: بلافاصله پس از بازی به سمت پی‌یر امریک اوبامیانگ دویدم تا پیراهنش را بگیرم. او بازی نکرده بود اما من او را در تونل دیدم، جلو رفتم و درخواستم را مطرح کردم.

گفتم که طرفدارش هستم و پیراهنش را خواستم. او گفت این عالی است و پیراهنش را به من داد و پیراهن من را گرفت. امیدوارم که او یک روز عکسی از خودش با پیراهن داندالک در استوری اینستاگرامش منتشر کرد. این عالی می‌شود. من پیراهن کیه‌ران تیرنی را هم گرفتم چون او را از سلتیک می‌شناختم و او هم یکی از پیراهن‌هایش را به من داد. این عالی است. من آنها را قاب خواهم کرد و برای یادگاری نگه می‌دارم.

بعضی بازیکنان می‌توانند همان دو پیراهن را در تمام طول فصل حفظ کنند. یوری تیلِمانس در لستر به بازگرداندن پیراهن‌هایش پس از بازی معروف است و به ندرت پیراهنش را با دیگر بازیکنان عوض می‌کنند. با این حال یک بازیکن جوان قرضی در لستر پیراهن‌های او را برداشت تا این که از قیمت پیراهن برای هر بازی مطلع شد. سپس آن را برگرداند.

بعضی از بازیکنان لیگ برتر شاید مشکلی با عوض کردن پیراهن نداشته باشند اما وقتی باشگاه‌های بزرگ با باشگاه‌های دسته پایین‌تر در رقابت‌های حذفی یا اروپا دیدار می‌کنند، این درخواست‌ها ممکن است بسیار همه‌گیر شود. غیرمعمول نیست که باشگاه‌های بزرگ‌تر تمامی پیراهن‌هایی که آورده بودند را در اختیار میزبانی از لیگ‌های پایین‌تر قرار دهند.

خوانندگان و دیدگاه‌ها و سرگرمی‌ها
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷



## پیام‌های برگزیده خوانندگان / پنجشنبه‌ها / پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

# انتقال پایتخت به کویر لوت، بشتابید!

## غلامرضا تختی، فصل درختکاری، تصویب پالرمو CFT، فردوسی پور، خانه پوچ و بازجویی محترمانه...

**۰۹۰۴۴۴۷:** چه تلخ که در سالمرگ تختی از او هیچ نگاشتید جناب افشار، طفلک جهان‌پهلوان.

**والله** راستیش آقاغلامرضای ما را آنقدر دستمالی کردند، آنقدر مطالب تکراری ازش بالا آوردند، آنقدر جینگلی مستونش کردند که فکر کردم سکوت، سرشار از سخنان ناگفته است. خود غلامرضا هم زنده بود از این وضع تپوعش می‌گرفت می‌گفت «ترگس ظرف بیار»!

**۰۹۱۲۲۵۴:** اکنون فصل درختکاری نیست که رسانه ملی می‌گوید به مناسبت روز پدر، درخت بکارند ملت. درختی که اکنون کاشته شود، خشک می‌شود!

**آخه** اینا باغبونی نکردن که! لابد بلدن کود بدن که خشک نشه. کود دارن‌رو خوب بلدن البته!

**۰۹۱۹۱۳۰:** در گزارش سوخت صفحه اول، هر تریلی ۳۲۰۰۰ لیتر سوخت می‌گیرد، می‌نویسد ۱۲۹۰۰۰ لیتر سوخت در تریلی. مطالب کمی غیرواقعی است.

**آخه** ما اون جسارتا رو هم حساب کردیم دلش!

**۰۹۱۶۶۵۱:** استاد افشار، خسته نباشید. در بالای صفحه ورزشی روزنامه، نوشته شده «ورزش ایران و جهان». بهتره بنویسید «فوتبال ایران و جهان». غیر از رشته فوتبال، ورزشی نیست. با وجود عزیزی مثل شما عجیبه به نظر می‌رسه.

**لاکردارها** مرغ‌شون، غازشون، شترمرغ‌شون، بلدرچین‌شون و حتی همای سعادت‌شون به یادا‌ره. به پای دیگه‌شون مصنوعیه. از بازار سیداسماعل خریدن! (وجود من؟ مگه من تو صفحه ورزش کار می‌کنم؟ یا کارهای هستم؟ من فقط از دور بوق می‌زنم!) صدبار هم به‌شون گفتم آقا من عاشق «شنای ریتمیک» هستم‌ولی مگه به خرجشون می‌ره!

**۰۹۱۲۶۰۷:** استاد ابراهیم آبشار (درستش اینه) چون شما گنجینه‌ای از اتفاقات و اسرار آشکار و نهان تاریخی هستین که در گفتار و نوشته‌ها فوران می‌کند. پایندبه و سرافراز باشی مرد.

**به جان** خودم آقه فوران کنه! فقط ترشح می‌کنه!

**۰۹۱۲۵۸۶:** عادل فردوسی‌پور اوایل المپیک پاریس که ایران هنوز مدال نیاورده بود، گفت جایگاه واقعی هر کشوری در سطح بین‌المللی در رده‌بندی المپیک معلوم می‌شه. خب دیدیم که آخرش ایران کجا قرار گرفت و عربستان کجا. الان هم داره از کلاسیکو رو تو سر ما می‌زنه و باخت تیم ملی عربستان به اندونزی و بحرین برائش مهم نیست که اگه ایران بود حتما می‌گفت این همه پول خرج شده نتیجه‌ش چی بوده؟

**مقایسه** باخت به اندونزی با میزبانی ال کلاسیکو، مقایسه شقیقه با شقائل است!

**۰۹۱۹۰۹۲:** وقت بخیر. من از سال ۹۸ دائم اشتراک روزنامه‌تون‌رو تهیه کردم. می‌خواستم بپرسم برای خرید اشتراک جدید شامل هیچ تخفیفی نمی‌شم؟ شماره موبایل بنده که اشتراک تهیه می‌کردم ۰۹۱۹۰۹۲ ... می‌باشد.

**اتفاقا** چون از کلمه «می‌باشد» استفاده کردی، نه‌تنها تخفیف شامل تون نمی‌شه، بلکه دویل‌سویل هم حساب می‌شه! البته که ماچ هروش می‌دیم!

**۰۹۱۲۳۵۴:** در مورد تبدیل تاریخ‌ها به خصوص قمری در کتاب‌های پژوهشی اخیر به ویژه ترجمه‌ها به معادل میلادی، تاریخ‌های شمسی و قمری در پرانتز ذکر می‌شود. یک خاصیت این کار آن است که امکان مقایسه اوضاع را به خواننده می‌دهد تا دید وسیع‌تری پیدا کند. گذشته از این، ما در قرن ۲۱ زندگی می‌کنیم، نه قرن ۱۵!!

**اتفاقا کاشکی** تو همون قرن ۱۵ بلکه ۱۴ یا ۱۳ زندگی می‌کردیم می‌فهمیدیم زندگی چه طعمی داره. چیه آخه این هزاره مزخرف! (قرن ۱۵ شمسی)

**۰۹۱۵۱۰۴:** چندجمله است که تقریبا در هر دولتی، موضوع انتقال پایتخت مطرح می‌شود و تا مدتی بحث داغ است و کم‌کم فراموش می‌شود و مدتی بعد دوباره همین روند تکرار می‌شود. انتقال پایتخت، بیشتر شبیه افسانه و رؤیاست.

**خدایا** چی می‌شه پایتخت منتقل بشه به کویر لوت و منم قوری برم اونجا هکتارهکتار زمین بخرم و آخر عمری به نون و نوایی برسم! (ندیدید زمین تو مکران چقدر کشید بالا؟! من خودم رفتم یه ۵۰متری خریدم!)

**۰۹۳۰۰۵۲:** تکرار تاریخ: سال‌های ۶۹-۷۰ برنامه‌ای به نام «سراب» پخش می‌شد در مذمت مهاجرت؛ حالام برنامه «خانه پوچ» با همان مضمون رو نشون می‌دن!

**اصلا** این کلمه سراب میاد ایبرام شروع می‌کنه به خوندن ترانه سراب خانوم‌هایده تو تحریریه، همه هم گوش‌شونو می‌گیرن: «از آن زمان که آرزو چو نقشی از سراب شد... تمام جستجوی دل سؤال بی‌جواب شد... آی امان آی امان...»

**۰۹۲۱۷۳۸:** برجام برجام، رفع تحریم‌ها و تصویب FATF

**تحریم** به حق مردم است و باج دادن به ۱۵ کشور همسایه که از کاسبان تحریم ایران هستند کافیه. اجرای سیاست‌های اقتصاد غیردستوری باید بعد از اجرای برجام و تصویب تمام ۴۲ ماده ساز و کار FATF در مجمع تشخیص انجام شود. آقای رئیس‌جمهور.

**طفلی** اونقد درد رو دردش تلمبار شده که یکی‌رو می‌خواد متل من که سرشو بذاره و شونه‌اش و یه گریه اساسی بکنه! منم مدبار گفتم بیا پیش خودم که شونه چهارشونه منو تو هینکلی پیدا نمی‌کنی ولی مگه می‌ذارن بیشتهادم به گوشش برسه! من واقعا از اینکه شونه‌های خوبی دارم به خود می‌بالم. انگار فقط واسه جماعت سیاستمدار ساخته شدن!

**اتفاقا** چون از کلمه «می‌باشد» استفاده کردی، نه‌تنها تخفیف شامل تون نمی‌شه، بلکه دویل‌سویل هم حساب می‌شه! البته که ماچ هروش می‌دیم!

**۰۹۳۷۴۵۷:** بعید نیست خدای متعال بهانه دوام یک قوم را در تاریخ، اموری به ظاهر ساده قرار داده باشد (مثال قوم صالح به نگفتن شتر و...) ایران ما به همین حجاب نصف و نیمه... پس با چاپ تلویحی نوعی از بی‌حجابی در داخل، ناخودآگاه امر حجاب را کمرنگ نکنیم! پایان قوم صالح اگر نابودی با حادثه‌ای ناگهانی بود، عقوبت ما ممکن است بی‌انگیزگی در ازدواج و... پایان نسل تدریجی باشد؟

**والله** بالله اگه یک کلمه‌شو فهمیده باشم!

**۰۹۱۳۳۳۸:** به رئیس‌جمهور پیام فرمایید: شما و مجلس از آبرو و اعتماد خود جهت به کارگیری برخی افراد دارای سوءسابقه و بلاتوبه نصوح! سیاسی، مالی یا اخلاقی (معارض با اصل گزینش بهینه در بخش دولتی- حتی گواهی سوءپیشینه خواستن بخش خصوصی و گلایه‌مندی جوانان در بدو استخدام) به لحاظ فرصت دادن و سعی بر وفاق سیاسی و میدان دادن به گروه‌ها و افراد به اثبات جربزه خود (وفاق فرهنگی و اقتصادی هم دنبال شود؟) مایه گذاشتید، به گروه‌ها و مجلسی‌ها تذکر دهید بلوغ تحمل نظر مخالف ایجاب می‌کند به طرح سوال و استیضاح، پس به حق قانونی مجلس، بدون حب و بغض احترام گذارند. مشک مطلق خود می‌بوید! فلذا تعبیر تندرو و کندرو به کلیت مجلس، نابجاست. تشکر.

**اینجام فقط** «مشک منطق خود می‌بوید» را فهمیدم! (نمی‌دونم چرا اینقدر مغزم قاطی کرده و نمی‌کشه دیگه!)

**۰۹۹۱۶۱۱:** منوچهر منطقی در دوره صدارتش شرط‌هایی وضع کرد که واگذاری ایران خودرو و سایپا عملا اجرا نشود و هر دولتی برسر کار بیاید نتواند این دو چهارچرخ‌ساز را واگذار کند. تا قطعه‌سازهای ایران‌خودرو و سایپا سر یک سفره راحت نشسته باشند. دولت این دو چهارچرخ‌ساز را ۱۰۰ درصد به شرکت‌های خارجی واگذار کند.

**چشم.** الان به مدیرهای بوگاتی زنگ می‌زنم بیان بمبرن‌شون!

**۰۹۱۵۲۵۶:** وقتی عراق عملا در تقابل تجاری کریدوری با ایران درآمده و میلیاردها دلار هزینه کرده تا بندر فاو به ترکیه و سپس بندر فاو را از طریق سوریه به مدیترانه وصل کند و عراق حاضر نشده ۱۲ میلیارد دلار بدهی ایران را بدهد و عملا مخالف احداث خط ریلی ایران-عراق است، باید برجام را فورا احیا کرد.

**شما** اسـتراحت کنی، من خودم تا صبح احیاش می‌کنم!

**۰۹۳۶۲۲۹:** درود بیکران. ابراهیم‌خان! آیا می‌دانستید دخان همانا دخانیات به ویژه کنت کریستال است؟ به قول آقای کاووسی: «همدونستی بدون».

**دخان** در عربی به معنی دود یا بخار است. تو هم اگه «می‌دنستی، ندون»!

**۰۹۲۲۰۳۱:** عراق ۱۲ میلیارد دلار طلب ایران را ۱۰ سال نداده و اقدامش تو این چندسال ضد ایران بوده و شفاف گفته حاضر نیست منافع ملت عراق را به خاطر ایران به خطر بندازد. آن وقت فلان مجموعه در ایران صحن هزاران هکتاری در عراق می‌سازند. چراغی که به ایران روا‌ست، به عراق حرام است.

**آی بابا** هـزاران هکتار را جلـوی گربه بنداری قهر می‌کنه. به چیزی بگو با مستقلات من جز دریا!

**۰۹۱۱۸۴۶:** آقای رئیس‌جمهوری در حالی که روسـای برخی بانک‌ها صرفا به دلیل داشتن پارتی، وام‌های چندصد میلیاردی بدون بهـره می‌گرفتند امثال بنده بـرای گرفتن تنها چند ده میلیون، از هفت‌خوان رسـتم بگذریم. آن هم بدون نتیجه. آیا نباید نظارتی کنید؟ شرمنده، اگه چاپ نکنید مدیونید (جمالی. لاهیجان)

**من** حساب‌می امروز رفتم دویست میلیارد، دستی از بانک وام گرفتم اونم بدون بهره، بدون ربا، برگشتم خونه. بیا هر چقد می‌خوای به‌ت قرض بدم. اصلا نمی‌خواد هم برگردونی!

**۰۹۲۲۱۹۴:** حفظ صبحی‌های عزیز. خداقوت. دوستان، به نکته‌ای در مصاحبه‌های آقای نوروزی گرامی با نویسندگان وجود دارد که سطح احترام و ادب ایشون نسبت به شهرت و محبوبیت نویسنده، تنظیم می‌شه. یعنی مثلا با نویسنده‌های مشهور با اتنا -مثل خانم اکبری- دوستانه و محترمانه گفتگو می‌کنه و با نویسنده‌های ناآشنا و تازه-کار، سبکی شبیه بازجویی محترمانه‌رو پی می‌گیره. آقای نوروزی، لطفا عدالت عدالت. خواهش می‌کنم علاوه بر باسر بودن، عادل هم باشید. ممنون.

**آخه** آدم چه جوری می‌تونه هم باسر باشه هم عادل؟ عین اینکه من هم ایبرام باشم هم افشار هم سینه کفتری! والله سخته، بلاله سخته.

**۰۹۳۸۱۴۵:** به آقای پزشکیان بفرمایید تنها و عقلانی‌ترین راه که پذیرش اجتماعی دارد و واگذاری مافیای ایران خودرو و سایپا به شرکت‌های خارجی خودروسازان معروف جهانی است. واگذاری به مافیای قطعه، تشدید فساد اقتصادی و توجیه فساد و افزایش رانت انحصار است. باید قطعه‌ساز را خلع‌ید کرد نه سهامدار را.

**بذار** به بار موقعیتش بیفته، با داش‌مسـعود برم تو تبریز، قوتبال سالنی بازی کنم، حنماد رگوشش می‌گم!

**۰۹۱۵۸۷۹:** به دنیا گفتم چرا چرخ و فلک روزگار حقیر اینقدر بالا و پایین دارد؟ عددهای اندک بالا و عددهای زیاد پایین؟ گفت «نگران نباش، آسیاب به نوبت». به قول حضرت والا مولانا «ای که به هنگام درد، که که به هنگام رنج، راحت جانی مرا! ای که به هنگام فقر، گنج روانی مرا! روزی به باغم می‌کشی، روزی به داغم می‌کشی! پیش چراغم می‌کشی تا واکنی چشمان من»! با سپاس، روز مرد و پدر بر شما مبارک باد. (زادبخت آزادمهر)

**ای بابا** چه مبارکی چه کشکی؟ به شلوارک ماماندز خریدن، انداختن جلومون، روز مرد هم مثل هر سال کبیسه، به سلامتی و مبارکی طی شد!

**۰۹۱۲۷۶۰:** آقا ابراهیم درود. به راسـتی جریان چه هست که این مهاجران همسایه شـرق اکثرا به خاطر مسـائل -یا عرض پوزش- ناموسی، فرقی نداره پسر خاله یا عمو و... باشند، همدیگر را می‌کشند؟ سوالی دارم. چگونه اینها اغلب‌شان مسلح هستند؟ نکته به قول معروف ایران، تگزاس شده؟! (افراز)

**نه** بابا تگزاس، ایران شده!

**۰۹۱۰۶۴۶:** وفاق ملـی یعنی رفع تحریم‌هـا و احیای برجام و تصویب پالرمو CFT برای جلوگیری از خسارت سالی ۲۰۰ میلیارد دلار به ایران که سال‌ها‌ و‌ایران عراق برادر هستیم برای دریافت ۱۲ میلیارد دلار، طلب ایران. عراق برادر. [اهل کوفه قابیل-جان] دنبال منافع خودش هست نه لوطی‌گری با ایران [هابیل ساده].

بدون تصویب FATF پالرمو CFT حتی راه گذرهای شمال-جنوب و شرق-غرب، دسـتاورد مالی-تجاری برای ما نخواهند داشت. آیا عراق برادر که میلیاردها دلار هزینه‌اش کردیم از داعش نجاتش دادیم ۱۲ میلیارد دلار طلب ایـران را داده؟ اگر FATF را تصویب نکنیم و برجام را احیا نکنیم شک نکنید که ایران در کریدورهای جهانی تبدیل به یک کشور حاشیه‌ای بی‌خاصیت می‌شود. چرا عراق حاضر نشده سال‌ها پروژه ریل ایران-عراق را اجرای کامل کند؟ چون دنبال منافع خودش است که بندر فاو را از طریق ترکیه به اروپا و سپس از طریق سوریه به مدیترانه وصل می‌کند.

**شـیطونه** می‌گه به شـرخر پیدا کنم برد به اون ۱۲ میلیارد رو زنده کنه برگرده، شما راحت باشی!

## جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

### پاسخ‌های شماره قبل

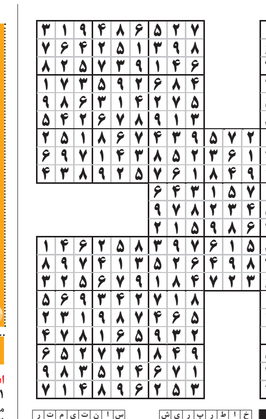

### نفت بازی

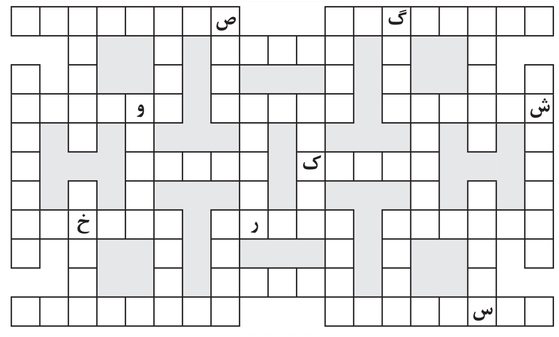

توضیح

کلماتـی که بر اسـاس تعـداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شـما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم، جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

**۴ حرفی:** آگاهی، ادبا، زمزمه، امنه، سمیرا، آجری، کیفور، راضی، لودگی، رموز، محکوم، سویه، مصالح، صحنه، منکسر، گریه، وارون، وجیهه، بالان، اخیرا، یکایک، الیاس، هایدپارک، انتخاب، اولی‌ها، شاه‌کوه، پوزگانت

**۶ حرفی:** پاسخنامه، پیام‌نگار، صورتجلسه

**۷ حرفی:** آتش و ابر، تشکیلات

**۸ حرفی:** ناسازگار

**۵ حرفی:** آشنا

### جدول کلمات متقاطع

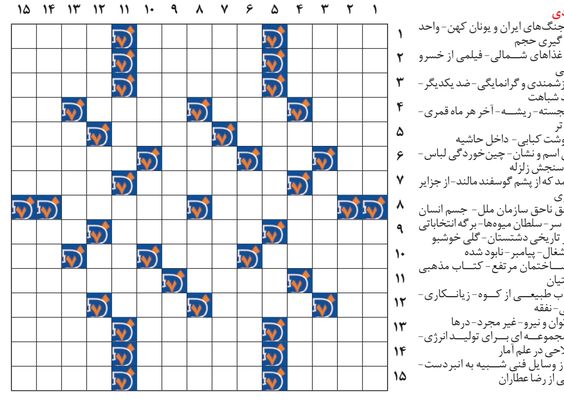

**افقی**

۱- کشوری در آفریقا- ماده قندی در اغلب میوه‌ها- بیهوده
۲- بلند- نوشته شده- بوی خوش
۳- جمع ماده- گوش کردن- نزدیک شده
۴- هم‌داستان رامین- بالای پا- خانه کوچک و محقر- گشوده
۵- بالای سقف خانه- آشکار- الا
۶- عدد تنها- گرداگرد لب و دهان- غیرشفاف- از فرزندان چنگیزمغول
۷- حرف عصا- حرکت دادن و جنباندن- مردمک
۸- آسان کردن- فیلمی با بازی هدیه تهرانی
۹- گرفتاری و مشکل- بخش مراقبت های ویژه- نثر
۱۰- از بیماری‌های چشمی- آقا و سید- کله- حرف ندا
۱۱- به دریا می‌ریزد- خاک- نزدیک به هم
۱۲- از قلزات- آه سوزناک- از ورزش‌های آبی- ریشه
۱۳- جستجو- گاو کلیله و دمنه- پیر نیست
۱۴- پرخاش و درشتی- فیلمی از میلاد کی مرام- مرحله‌ای از یک مسابقه
۱۵- سطح پوست- عنصر شماره ۷۵ اتمی- از بیماری‌های دهان و لثه

**عمودی**

۱- از جنگ‌های ایران و یونان کهن- واحد اندازه گیری حجم
۲- از غذاهای شـمالی- فیلمی از خسرو سینایی
۳- ارزشمندی و گرانمایگی- ضد یکدیگر- پسوند شباهت
۴- خجسته- ریشـه- آخر هر ماه قمری- شبیه تر
۵- گوشت کبابی- داخل حاشیه
۶- بی اسم و نشان- چین‌خوردگی لباس- واحد سنجش زلزله
۷- نمد که از پشم گوسفند مالند- از جزایر اندونزی
۸- حق ناحق سازمان ملل- جسم انسان غیر از سر- سلطان میوه‌ها- برگه انتخاباتی
۹- اثر تاریخی دشتستان- گلی خوشبو
۱۰- اشغال- پیامبر- نابود شده
۱۱- سـاختمان مرتفع- کتـاب مذهبی زرتشتیان
۱۲- آب طبیعـی از کـوه- زبانـکاری- بندگی- نقفه
۱۳- توان و نیرو- غیر مجرد- درها
۱۴- مجموعـه‌ای بـرای تولیـد انرژی- اصطلاحی در علم آمار
۱۵- از وسایل قنی شـبیه به انبردسـت- سریالی از رضا عطاران

## قاب

### قاب نوستالژی

**هت‌تریک پله در آزادی و پاداش ۳۴۰هزار تومانی - سال ۱۳۵۱:** داستان حضور پله در ایران و بازی دوسـتانه با تیم تاج را هم در ادامه به نقل از اطلاعات آنلاین بخوانید: بزرگ‌ترین ستاره‌ای که در تهران فوتبال کرده، اتفاقا به عقیده بسیاری بزرگ‌ترین فوتبالیسـتی است که تاریخ به خود دیده است: پله. اسطوره فوتبال جهان، یک سال بعد از درخشش در جام جهانی و قهرمانی با برزیل، به دعوت باشگاه تاج (استقلال) همراه با تیم سانتوس به تهران آمد. همان زمان گفته می‌شد که به پله ۳۴۰ هزار تومان پاداش داده‌اند، به شرطی که ۹۰ دقیقه بازی کند. بازیکنان اصلی استقلال همراه با تیم ملی در بازی‌های رسمی بودند و تیم منتخب تهران، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۱ بدون حضور ستاره‌های پرسـپولیس که آنها هم در تیم ملی بودند، چند ماه بعد از افتتاح ورزشگاه آریامهر (آزادی)، برابر سانتوس به میدان رفت. سانتوس به لطف هت‌تریک پله، ۵ بر یک برنده شد. حضور پله در تهران، یک اتفاق عظیم بود و هواداران را چنان هیجان‌زده کرد که تا امروز هم خاطره حضورش بازگو می‌شود.

### قاب تاریخ

**ماجرای فرار مالیاتی اشرف و درگیری با سنای آمریکا:** محمد بگانه، یکی از چهره‌های مطرح اقتصادی قبل از انقلاب بود. حضور او در زمان افزایش درآمدهای نفتی و توسعه نامتوازن کشور در کنار تضاد با سازمان برنامه، باعث شکل‌گیری تجربه و خاطرات جالبی شده است. در ادامه، خلاصه مصاحبه محمد بگانه با تاریخ شفاهی هاروارد در گفتگو با ضیاء صدیقی را به نقل از انتخاب بخوانید: اشرف پهلوی چند اتفاقی برایش افتاد: ایشان کمک وزارت دارایی و اقتصاد را می‌خواستند برای حل مسائل خودشان. موردی بود درباره پرداخت مالیات به وسیله شرکت ایرانتاکسی. این ایرانتاکسی که ایشان و والاحضرت فاطمه و عده‌ای دیگر صاحبان سهام آن بودند، اطلاع پیدا کردیم که باز کمیسیون‌هایی اینها گرفتند و در گزارش‌هایی که در سنای آمریکا بود، حتی چک‌هایی که صادر شده بود، به اسم تیمسار جهانبانی و بعضی افراد دیگر مسئولین گذشته این شرکت بود و می‌بایست این افراد بیایند مالیات‌های خودشان را بدهند و اینها هم از طرف شرکت ایرانتاکسی پول‌ها را گرفته بودند. عده‌ای را از وزارت امور اقتصادی و دارایی فرستاده دفاتر اینها را گرفتند و بیاورند رسیدگی بکنند و ایشان بلافاصله به من مراجعه کردند که چنین شده و خیلی ناراحت کننده و زننده است. پاسخ من هم این بود که اینها ذنبال کارهای معمولی خودشان هستند و می‌خواهند فقط قولشان پیاده بشود. البته قضـیه‌ را نکنه راه عرض شاه هم رساند و بودم که چنین اتفاقی هست. یک اتفاقی افتاده و این کمیسیون‌ها گرفته شده و ایشان هم موافقت خودشان را اعـلام کرده بودند ولی در یک ملاقاتی که ترتیب داده بودند، به خاطر رئیس sks که به ایران آمده بود، در آن موقع از من هم خواسته بودند که آنجا باشم. ایشان هم بودند و بعد از اینکه تمام مهمان‌ها رفتند، ایشان اصرار کردند که من چند دقیقه دیگر باشم و بعد ماندم و باز در اینجا این مسئله را مطرح کردند که فشار زیادی دارد و قرار می‌دهد به این شرکت‌های ایرانتاکسی و اینها، سعی بشود که یک قانونی از مجلس بگذرد که این شرکت را از پرداخت مالیات معاف بکنند. در آنجا به همان دلیلی که شرکت هواپیمایی ایران از پرداخت مالیات به دولت ایران معاف شد، من به اطلاع‌شان رساندم که شرکت هواپیمایی ملی ایران به خاطر فعالیت هواپیمایی است که فعال است ولی اگر درآمد دیگری داشت اگر فـروخت زمینی خرید و فروخت یا خانه‌ای ساخت و فروخت، اینها از این قبیلات معاف نیستند. بله از مالیات معاف نیستند. شما هم اگر فعالیت هواپیمایی دارید این را می‌شود توجه کرد و این را جزءاش را گرفت از مجلس، بایستی مجلس موافقت بکند. ولی اگر کمیسیونی گرفتید، به‌خاطر خرید و فروش آن بایستی مالیاتش را بدهید.

## مرتضی کلیلی

**قاب مشاهیر ۱**

**هدیه جالب دختران نوفل‌لوشاتو به امام خمینی:** آیت‌الله خمینی از نخستین روزهای بهمن ماه ۱۳۵۷ تصمیم خود را برای بازگشت به ایران اعلام کردند. پس از فرار و نشیب‌های زیاد بالاخره روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ روز موعود همه مردم ایران برای استقبال از امام شد. اما آخرین روز حضور امام در فرانسه ناگفته‌های جالبی دارد که بخشی از آن در ادامه آمده است: امام خمینی در عصر روز یازدهم بهمن با پیامی به ملت و دولت فرانسه از مهمان‌نوازی آنها تشکر کردند. امام خمینی در آخرین ساعات آخرین روز، رئیس پلیس نوفل‌لوشاتو را نیز به حضور پذیرفتند. وی به همراه گارد حفاظت خدمت امام رسید. رئیس پلیس نطقی ایراد کرد و افزود: «از برکت وجود شما در نوفل‌لوشاتو با شخصیت‌هایی آشنا شدیم و بزرگانی را ملاقات کردیم که هرگز در دوران عمرمان فکر نمی‌کنیم دیدار آنان برای‌مان امکان داشت.» امام خمینی نیز متنی را به عنوان تشکر از زحمات پلیس آماده کرده بودند که به زبان فرانسه ترجمه و پس از قرائت به آنان تسلیم شد. از سوی ساکنان نوفل‌لوشاتو نیز یک شیشه حاوی خاک فرانسه به امام خمینی هدیه شد. داستان از این قرار بود که در آخرین لحظات که امام در حال آماده شدن برای حرکت به سوی فرودگاه بودند، دو دختر فرانسوی جلوی اقامتگاه امام خمینی آمدند و با آقای فردوسی‌پور صحبت کردند و وقت ملاقات با امام خواستند. وی عذر آورد که امام در حال جمع کردن اثاثیه هستند. آنها یک شیشه محتوای خاک که لاک و مهر شده بودند، به وی دادند تا به امام برساند و دو عکس با امضای امام برای آنها بیاورد. آن‌ها توضیح دادند که رسم مردم فرانسه این است که کسی را که خیلی دوست دارند، هنگام خداحافظی نفیس‌ترین چیز یعنی خاک خاک فرانسه را هدیه می‌کنند. امام خمینی نیز در پاسخ آنها دو عکس امضا و برای آنها ارسال کردند. (پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی)



**قاب مشاهیر ۲**

**یک عکس زمستانی ببینیم از ظاهر منفوت غلامرضا تختی در پیست اسکی آبعلی - زمستان اوایل دهه۴۰**

## جدول و سرگرمی

### جدول سودوکو

**سودوکوی سامورایی یا نام سودوکوی ۵ تایی،** ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

**در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.**

**هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.**

**برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.**

**قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.**

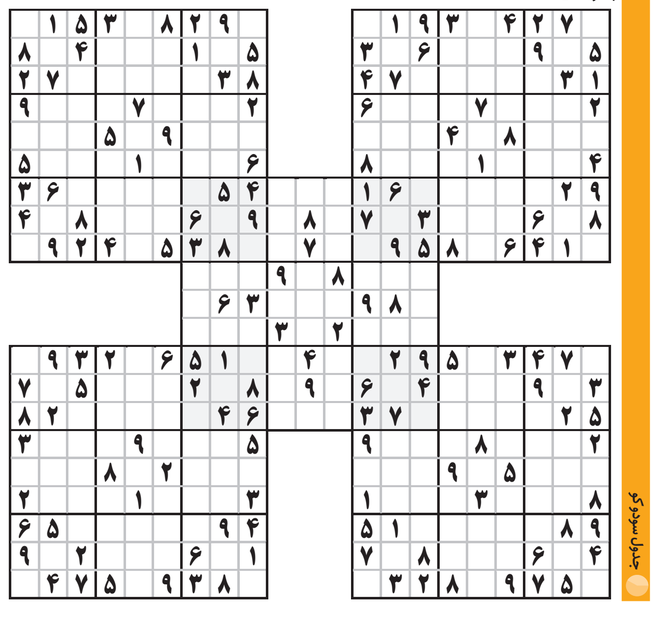

### جدول شرح در متن

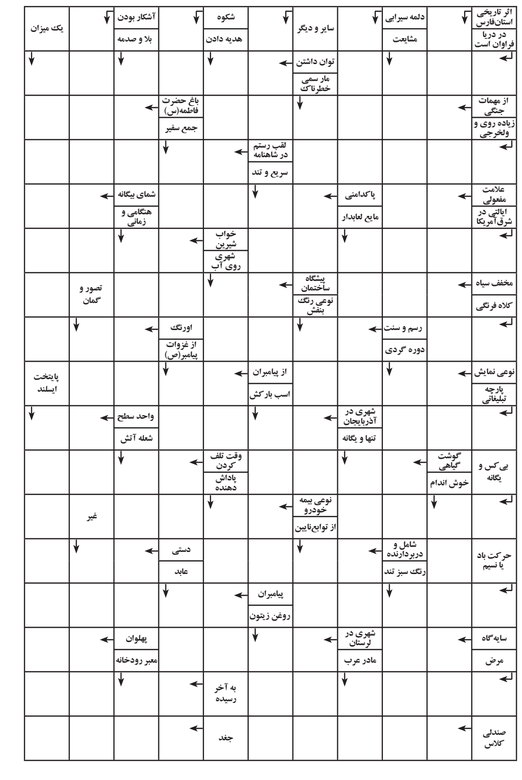

صبح هفتم
پنجشنبه | ۴ بهمن ۱۴۰۳ | شماره ۳۹۷۳

**سوژه هفته**
**مرگ در غربت**

ابراهیم افشار

# زندگی داخل کارت پستال

۱ هیچ‌وقت نتوانستم جهان‌وطنی باشم. مثل یک ایلیاتی در سیه‌چادر خود زیستم و مُردم. هرگاه هم سخن از مهاجرت افتاد گریه‌ام گرفت. منی که در همین تهران و حتی زادگاهم تبریز، یک غریب بالفطره‌ام، در ماساچوست چگونه می‌توانم به کلاغ‌ها نگاه کنم. یا ستاره‌ها. یا ماه. یا چغاله‌بادام. سرهمین وابستگی‌های مزخرفم بود که قدیم‌ها هرگاه به ماموریت خارج از کشور رفتم همان روز دوم، سوم دلم عین چاه توالت گرفت. دلتنگی نه برای مسئولین تحفه مملکت، که برای تک‌تک آجرهایش تنگ شد. هرگز هم نتوانستم به این پرسش ازلی-ابدی پاسخ دهم که من چرا این‌همه غربتی و درعین‌حال ضدغربت بودم؟ هرگز دلیلش را نیافتم. شاید یک دلیلش آن شعری بود که پدرم همیشه می‌خواند «آدمی را اگر در سرزمین خودش گرگ هم بخورد حلالش باشد». آخر این دیگر چه فلسفه‌ای بود که دامنگیر ما شده بود؟ گرگ ؟ گرگ درنده؟ چرا از یک پدر جهان‌وطنی به دنیا نیامدیم؟

۲ سال‌ها پیش وقتی روزنامه‌ها فرت‌فرت تعطیل می‌شدند برای منی که نه یک پیچ بستن بلد بودم و نه حتی شوفری، که بروم آژانس کار کنم، روزهایی پیش آمد که حتی برای خرید یک فقره بربری خالی هم درماندم و روزهای سیاهی پیش آمد که مجبور شدم حتی پول‌خُردهای صدقه‌های کنار گذاشته شده خانه را خرج کنم. اما باز هوس رفتن از کشور به سرم نیفتاد. نه که بخواهم بگویم خیلی وطن‌باز هستم. یا فخر کنم به پوسیدن در ماندن. اینجور وقت‌ها فقط شعر مولانا را قاطی‌پاطی می‌خواندم که «اینجا کسی است پنهان دامان من گرفته، باغی به من نموده ایوان من گرفته». حتی موقعیت کاری خوب — و نه پناهندگی- هم برای رفتن کم پیش نیامد. مَثَلش یکی در اوایل دهه‌شصت که آقای یاووز بایراقدار، کارم را برای نوشتن در یکی از روزنامه‌های استانبول جور کرد. حتی با روزنامه‌مان در تهران هم تسویه‌حساب کردم. چمدانم را بستم. اما آخرین بعد از ظهر قبل از رفتن را در خانه پدری در تبریز، داشتم چرت مرغوب مدل قیلوله اعلا می‌زدم که دیدم بویی می‌آید. بویی که جهان را فرا گرفته است و دارد نفس‌تنگم می‌کند. بوی چادرشب مادرم بود که رویم کشیده بود. پا شدم. بو کردم. بو کردم. بو کردم. این عطر تنش و گیسوان شبقش از کجای جهان روی صورتم نشست کرده بود که عین شبنم نشسته بود. بویی که دیوانه‌ام کرد و به آنی زدم زیر کاسه و کوزه. برگشتم همان خراب‌شده‌ای که بودم. یا روزهایی که از یک نشریه تمام‌طنز فارسی در کانادا دعوتنامه‌ای رسمی برای استخدام به دست من و مسعود (کاریکاتوریست) رسید. فقط توانستم چندشبی را در پشت‌بام سیر گریه کنم که چگونه از این لوله‌بخاری‌ها جدا شوم؟ آخرش فقط یک کلمه جواب دادم؛ نوچ. من حمّال‌تر از آن بودم که آنجا بتوانم دوام بیاورم. اکنون سال‌های بسیار است که هر وقت در زندگی به گیر و گرفت می‌افتیم زنم هزار بار شماتت و نفرینم می‌کند که ببین، اگر رفته بودیم، این بلاها سرمان نمی‌آمد. یا وقتی منظره‌ای زیبا از طبیعت آلمان را در تلویزیون خارجی می‌بیند. یا وقتی تعریف زندگی‌های آنچنانی ایرانیان مقیم بیرون را می‌شنود سرکوفت می‌زند. هرچه می‌گویم من آنجا به ثانیه‌ای می‌مردم. بی‌کس می‌مردم. منی که از دار دنیا چیزی جز بوی چادرشب مادرم و چایی و سیگار و فحش ترکی نمی‌خواستم آنجا دراز به دراز می‌افتادم و می‌مردم. اما او از شماتت‌هایش دست نمی‌کشد.

۳ امروز تصمیم داشتم به فری زنگ بزنم. او و حسین وقتی روزنامه‌ها فرت‌فرت تعطیل شدند و دیگر هیچ ممّر درآمد و امید به آینده‌ای پیدا نکردند بیست، سی سال پیش، بار و بنه‌شان را جمع کردند و رفتند هلند. حسین هر بار زنگ زدم گفت که «دلم برای بی‌سیم تنگ شده ایبرام و هر شب خواب بیسیم را می-بینم». یعنی یک آب خوش از گلویش پایین نرفت طفلک. من هم برایش آرزو کردم که کاشکی لندن و آمستردام هم میدون خراسان و بی‌سیم داشت. فریدون امروز گفت که دارد نقل‌مکان می‌کند به یک خانه سالمندان و حتی یک ملاقات‌کننده ندارد. گفت یکی از پسرانش در همان شهر هست اما ماه به ماه بهش سر نمی‌زند. گفت انگشتانش از کار افتاده‌اند و دیگر نه می‌تواند مطلبی بنویسد و نه حتی می‌تواند برایم اسمس‌ها را تایپ کند. آخرش هم که یکی دوماه پیش، حسین یک شب زنش زنگ زد که دیگر دارد تمام می‌کند و در اغما رفته است. گفتم شاید در اغما هم بی‌سیم را خواب ببیند که سی سال تمام بی‌سیم را ندید. خاکسپاری مادرش و داداشش را ندید. هی به همدیگر قول دادیم که سال آینده، حتما دیگر می‌رویم استانبول، همدیگر را سفت بغل می‌کنیم. اما در حسرتش ماندیم. من هم جای حسین یا داور یا فریدون بودم احتمالا آخر و عاقبتم یا رگ زدن بود یا طناب پیدا کردن برای آویختن از لوستر. اما اینجا حداقل می‌توانم نفس خالی بکشم. گیرم هرقدر هم که از مناسبات حاکم بر مردمان شهرش و خیابان‌هایش متنفر باشم.

۴ من از ناله‌های غربتی هیچ‌کس به اندازه روز مرگ «غُلا»، اشک‌آلود نشدم. در کبودی‌هایش کبود شدم و در نبودهایش نبود. همیشه به خود می گفتم که کاش سرنوشت «غُلا» به پاریس ختم نمی‌شد. خودش گفته بود که پاریس شهر خودکشی و ملال است. خودش گفته بود که «تمام ساختمان‌های پاریس عین دکور تئاتر است. انگاری داخل کارت پستال زندگی می‌کنی». خودش گفته بود که از خوابیدن و بیدار شدن می‌ترسد. خودش گفته بود که «آزرده کرد کژدم غربت، جگرم را». خودش گفته بود که «زندگی در یک اتاق دومتر در دومتر و دوری از وطن». آنجا خون استفراغ کرده بود و رسانده بودندش به بیمارستان و پایش را به تخت بسته بودند. هرچه گفته بود پرستارها دستش را باز کنند و انکرده بودند. هرچه گفته بود جلال در آن یکی اتاق منتظرم است کسی گوش نکرده بود. شلوارش پاره‌پاره بود و دکمه‌های پیرهنش عین دندون مادربزرگ، ریخته بود. لب به غذا نمی‌زد. گفته بود می‌خواهم پای دیواری بمیرم. گفته بود «من وطنم را می‌خواهم. من زنم را می‌خواهم» اما کسی چه می‌دانست در عصر جهان‌وطنی، وطن چه معنی پوچی دارد. شاید اگر جنازه‌اش به قبرستان مارالان تبریز برمی‌گشت دوباره زنده می-شد. دوباره پروار و سرزنده و آفرینشگر و گزنده می‌شد. مدل مرگش در غربت چنان ملکه ذهنم شد که هرگاه تبریز رفتم سری هم به قبرستان مارالان زدم بلکه عشق ازلی او طاهره را ببینم. عین دیوانه‌ها در قبرستان متروک مارالان پابه‌پای مرده‌ها دنبال قصه‌ای از عاشقیت یک زن ناکام بودم که با یک پاسخ ندادنش، نویسنده‌ای چنان نهنگ را از پا درآورد. کوچه غیاث را به دنبال بوی «غلا» گشتم و زیارتگاه پیر را به دنبال عطر طاهره لجوج. نه به این خاطر که در قبرستان قدیمی تار مویی از طاهره پیدا کنم. همین هم‌نوعی شانس آوردن است که آدم می‌تواند به‌راحتی مارالان و دبیرستان منصور و کوچه غیاث و زیارتگاه پیر را به جست‌وجوی عشقی باستانی بگردد. همان «غلا»ی بینوا که بعد از انتشار دومین کتابش تصمیم به خودکشی گرفت اما پرواز پروانه‌ای بالای سرش او را از خوردن سیانور بازداشت. پروانه‌ای که باعث شد او به دنبال تحقیقات میدانی از پروانه‌ها برود. این خود اقبال بزرگی است که آدمی را از ظلمات عدم، به زیست پروانه برساند.

۵ گیرم گاهی چنان از روزگار سیر شده‌ام که به قول صادق هدایت می‌خواستم خودم را بترکانم. مدل هدایت البته در توان من نیست و خدا هم پیش نیاورد. چون از وجناتم چنین برمی‌آید وقتی که دارم روزنه‌های پنجره‌ها را با پینه می‌پوشانم که گاز بیرون نرود، یکهو به خود می‌گویم حالا بگذار یک امشب هم بازی لیورپول را ببینم و بعد بمیرم! یا یک چایی تازه‌دم دیگر بخورم و بعد بیفتم در آغوش عزرائیلم. من قدرت آقای سارنگ را هم نداشته‌ام که بروم توی مسافرخانه‌ای دوردست در ناصرخسرو و آنقدر...! نه این چیزها را از من نخواهید. در زندگی گاهی به مرحله‌ای حاد از شیزوفرنی و عدم‌طلبی و جنون و رهایی و شکایت رسیده‌ام که رفتن از این ملک را تنها چاره دیدم که مثلا بروم مثل یک بی‌پناهی در کمپی کثیف در کشوری پلشت بتمرگم، اما دقایقی بعد به این نتیجه رسیدم که هیچ جا جان‌پناهی برای غریبان وجود ندارد. ملتجایی برای شریفان. روزی دوبار خودم را لعن کردم که تو برای زیستن در این خاک، پدرسوخته‌بازی بلد نبودی. این نهایت سفر من در تاریکی بود.

۶ داور نبوی، آخرین مرگ خودخواسته در غربت نیست. «چرا نمی‌توانیم زندگی کنیم.» این تنها پرسش زندگی من است.

حمید رستمی

# غریبی سخت مرا دلگیر داره!

۱ مادران همیشه بیدار، وقتی طفل شیرخواره را به سینه می‌فشردند در گوشش این نواهای آسمانی را زمزمه می‌کردند که برای گشت و گذار شاید دیار غربت خوب باشد ولی برای مردن وطن بهتره! یا آن پیرمرد توتون‌کش قهوه‌خانه‌ای در انتهای دنیا که سوگمندانه می‌خواند: اگر مُردم تابوت مرا بر جای بلندی بگذارید.... تا باد برد بوی مرا بروطن من! شاید مهم‌ترین دغدغه پیرانه سری به‌خصوص در جامعه‌ای که مرگ را اینچنین بزرگ می‌دارند، این باشد که چهار نفر پیدا شود زیر تابوتش را بگیرد و چهار انگشت خاک در کشور به این بزرگی سهمش شود به گاه مردن! چیزی که سهم غلامحسین ساعدی نشد که بعد از دو سه سال زندگی در پاریس از آوارگی‌اش می‌گفت و از ترس و واهمه‌های بی‌نشان زندگی در غربت آنقدر متنفر بود که دلش نمی‌خواست یک کلمه هم فرانسوی یاد بگیرد و یک ساعت برای تفرج به جاهای دیدنی شهر برود. می‌گفت اینجا از همه چیز می‌ترسد، حتی از شهرها و ساختمان‌های کارت پستالی، حتی از پلیس ساده ایستاده در جلوی گلفروشی در حالی که سیگاری را دود می‌کند، حتی از صدای سگ و کودک همسایه! کسی که روزگاری حتی از گرگ‌های گرسنه کمین کرده در کوه‌های سر به فلک کشیده خیاو، اهر و تبریز هراسی به دل راه نمی‌داد حالا از پارس سگ همسایه بالایی و حتی از خوابیدن و بیدار شدن هم می‌ترسید و در حالی که در سرزمین مادری یک پزشک به درد بخور بخصوص برای مردمان تنگدست بود و نویسنده‌ای چیره‌دست در حوزه تئاتر، داستان و سینما، حالا برای چندر غاز مستمری برای سد جوع هر ماه باید دستش را پیش کس و ناکس دراز می‌کرد و این چنین شد که غمباد گرفت و فقط غصه خورد تا خودش را نفله کند. کسی که حتی جشن صوری تولد ۵۰ سالگی‌اش را هم ندید و ادبیات ایران دست‌کم ۳۰- ۴۰ سال فعالیت و شکوفایی را از او طلبکار ماند.

۲ یک روز احمد شاملو در جواب کسانی که او را تشویق به مهاجرت می‌کردند گفت: «من اینجایی هستم، چراغم در این خانه می‌سوزد. آبم از این کوزه ایاز می‌خورد...!» ولی برخی آخرین راه چاره را در رفتن دیدند و یکی از آنها عباس معروفی بود که وقتی در ۶۳ سالگی سرطان چنگ در گریبانش زد فقط توانست این را بنویسد که قبلاً سیمین دانشور گفته بوده «غصه یعنی سرطان! غصه نخوری یک وقت معروفی! و من غصه خوردم!» آنقدر در بی‌کسی و تنهایی دیار غربت غصه خورد تا غصه‌دان‌اش پر شود و دو سال بعد خرقه تهی کند. کسی که آیدینِ «سمفونی مردگان» انگار خودِ خودِ خودش بود باید خردمندی را بی‌خیال می‌شد و می‌رفت در کار تخمه و آجیل‌فروشی و سعادتش را پیش‌خرید می‌کرد تا جبر زمانه آیدین را به تبدیل به سوجی دیوانه نکند که هر بچه‌ای هوس سنگ زدن به پیشانی‌اش را نکند و او برای خوردن یک استکان چای، تمام اردبیل را زیر پا بگذارد و به قهوه‌خانه شورآبی برود. چراکه معتقد است آدم باید چایی را بخورد که به مبال رفتنش بیارزد. او هم رفت تا با فراغ بال چای بخورد و قهوه بنوشد و سمفونی بنویسد اما از بد حادثه فقط غصه به تورش خورد و غصه خورد و تمام کرد.

۳ نقل است که یک روز معلم مدرسه غلامرضا تختی (پسر بابک تختی و منیرو روانی‌پور) از او پرسیده که این غلامرضا تختی که عکس و افتخاراتش این همه در اینترنت موجود است نسبتی با تو دارد و او با شعف غریبانه‌ای گفته بود: «پدربزرگم است!» و معلم انگشت حیرت به دهان که تو با این پس زمینه و این همه افتخار چرا در مملکت خودت زندگی نمی‌کنی و والدینت در آمریکا ساکن شده‌اند؟ دقیق نمی‌دانم آن لحظه تختیِ کوچک چه جوابی به او داده ولی می‌توانم چشمان غصه‌دارش را که کمی بعد به پنجره دوخته شده و به این فکر می‌کند که چرا آدم در عین حال هم می‌تواند در وطن غریب باشد هم در غربت را تصور کنم! دیالوگی که ژاله علو در فیلم «مجبوریم» خطاب به فاطمه معتمد آریا می‌گوید: «درسته اینجا سخته..... ولی اون جام غربته..... اینجام غربته .....غربت غربته دیگه..... مجبوریم!»

۴ رند عالم‌سوز را با مصلحت‌بینی چه کار؟ کار ملک است آنکه تدبیر و تحمل بایدش!

رندی که هرجا تشخیص داد باید کاری انجام دهد به تبعاتش فکر نکرد و سعی کرد به آن چیزی که دلش می‌گوید جامه عمل بپوشاند. چه در انقلابی‌گری‌های اوایل انقلابش، چه کار کردن در دفتر سیاسی وزارت کشور در دوران علی‌اکبر ناطق نوری، چه زمانی که به دعوت محمد هاشمی به صدا و سیما رفت و هم در مجله سروش عنصری کارآمد بود هم در برنامه‌سازی، چه زمانی که شمس‌الواعظین او را برای راه‌اندازی ستون طنز روزانه در روزنامه جامعه دعوت کرد و با آغوش باز پذیرفت و چه زمانی که برخلاف میل شمس همزمان در روزنامه آریا هم ستون طنز روزانه راه انداخت. حتی بعد از زندان و در اوایل انتشار روزنامه جام‌جم به دعوت حسین انتظامی در جام‌جم هم نوشت تا آماج حملات دوست و دشمن شود و خیلی راحت بگوید که اتفاقاً کار خوبی می‌کنم در روزنامه اصلاح‌طلبان راستگرایان را مسخره می‌کنم و در روزنامه جام‌جم اصلاح‌طلبان را! و مگر رسالت طنز غیر از این است که کژی و ناراستی را هرجا که ببیند با آن لحن شیرینش انگشت روی زخم بگذارد و آن را قلقلک دهد.

او حتی روزی هم که مجبور به نفی بلد شد و پاسپورتش را برداشت تا برای مدتی جلای وطن کند مصلحت‌بین نبود و به ندای قلبش گوش داد تا شاید با رفتنش قدرش دانسته شود. رفتنی که خیلی هم شبیه رفتن نبود و او از راه دور هم که شده در سایت روز آنلاین همان خوشمزگی‌های سابق را داشت تا با سیاستمداران تازه ظهور کرده که خود را معجزه هزاره سوم قلمداد می‌کردند سر شوخی را باز کند.

حتی روزی که علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی راه وزارت کشور را در پیش گرفت تا در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ ثبت‌نام کند او نوشت که چمدانش را آماده کرده تا تابستان را در تهران باشد. او آنقدر سیاستمدار نبود که مکنونات قلبی‌اش را پنهان کرده و ادای چگوارا بودن در بیاورد. به زبان ساده فارسی می‌گفت که دلش تنگ است همچنان که وقتی با ترک‌ها شوخی می‌کرد و خوشایند برخی‌ها نبود، خیلی راحت می‌گفت: به شما چه؟ من هم ترکم و از سهم خودم با پدر و مادر خودم شوخی می‌کنم!

این درست است که در اواخر سال ۷۶ به صورت رسمی از اسم سید ابراهیم نبوی پرده‌برداری شد ولی بعدها فهمیدیم که مغز متفکر مجله گل‌آقا بوده و در نشریه روزانه جشنواره فجر راپورت‌های یومیه را می‌نوشت که به زودی تبدیل به سبک خاصی در طنزنویسی ایران شد. طنزی با نثر فخیم دوران قجری که می‌توانست لابلایش با آدم و عالم و سینماگرهای حال حاضر و گذشته شوخی کند که بعدها شکل کاملش در تذکره‌نویسی‌اش نمود پیدا کرد و نشریه مهر محلی برای این نوع طنزهای وزین بود که به سبک تذکره الاولیای عطار، آدم‌های نامدار آن دوران را به ملاحت تمام به قلم می‌کشید که نشان از شناخت عمیقش از ادبیات کهن فارسی داشت. نمی‌دانم یک نفر در شبانه روز چقدر باید زمان صرف نوشتن و مطالعه کند تا هم ستون‌نویس و منتقد فیلم باشد و هم همه‌کاره چند روزنامه و مجله، از جمله روزنامه زن متعلق به فائزه هاشمی و مجله گزارش فیلم به مدیریت هوشنگ اسدی! چقدر می‌تواند فعال باشد که همین الان بعد از تاراج چندین باره کتابخانه شخصی‌ام توسط دوستان و آشنایان باز ۱۵ جلد از کتاب‌هایش را روبرویم چیده‌ام و به همین میزان هم از دست رفته احتمالاً!

اگر کتاب سالن ۶ که مجموعه یادداشت‌های روزانه زندان است بخوانی می‌فهمی که چقدر لطیف و دل‌نازک بوده و این سرنوشت از او خیلی هم غیرقابل انتظار نبوده، کتابی که یک نیمه‌اش خاطرات روزانه و اتفاقات تلخ و شیرین زندان است و نیمه دوم اختصاص به اصطلاحات و واژه‌های زندان دارد که در نوع خود جالب است و برای هر کسی که بخواهد در این حوزه نمایشنامه و فیلمنامه بنویسد خواندنش از نان شب هم واجب‌تر است!

به گمانم بهترین نویسنده‌ها آنانی هستند که از پس نوشته‌های‌شان نویسندگان جدید متولد می‌شود و ابراهیم درست همین بود. آدم با خواندن نوشته‌هایش سر ذوق می‌آمد و می‌خواست بنویسد، به همان حلاوت، به همان شیوایی و این چنین بود که در سال ۸۱ رسماً طنزنویسی را هم به حوزه کاری‌ام در مطبوعات اضافه کردم و ستون هفتگی در روزنامه اعتماد و نشریه آوای اردبیل که ۳ سال تمام انجامید تحت تاثیر قلم با نمک نبوی بود و بعد هم فرهنگ اسامی و اصطلاحات فوتبالفارسی را برای اعتماد نوشتم که چیزی حول و حوش ۵۰۰ اسم و اصطلاح رایج در فوتبال ایران بود و هر هفته سه‌شنبه‌ها نصف صفحه روزنامه اعتماد را پر می‌کرد و در جشنواره مطبوعات مرداد سال ۸۴ جزوه ۴ نامزد نهایی برای دریافت جایزه بهترین طنز مکتوب سال شد که سه نویسنده دیگر شهرام شکیبا، امیرمهدی ژوله و محمد کاظم سادات اخوی بودند که جایزه به این آخری رسید.

ابراهیم کسی بود که زندان هم حریفش نشد ولی غربت او را از پا درآورد تا چند سال نوشتن را طلبکار باشیم شاید هم جایی آن دنیا برایمان استندآپ کمدی اجرا کند خدا را چه دیده‌اید!

رضیه انصاری

# این‌جا همه‌چیز تعطیل است

ماجرای ممنوع‌الخروجی دکتر غلامحسین ساعدی، نویسنده برجسته ایرانی در آخرین سال‌های پیش از انقلاب و تلاش و اصرار دوستانش برای رفع این ممنوعیت به تفصیل در مقاله «روایت ناتمام» به قلم رضا براهنی تحریر شده است: پس از آزادی ساعدی از زندان، برایش دعوتنامه‌ای از مدیر انتشارات رندوم‌هاوس در نیویورک و انجمن ناشران آمریکا تهیه می‌کنند تا به بهانه مذاکره با ناشر به آمریکا برود، هوایی عوض کند و برای ترجمه و انتشار آثارش در آمریکا اقدام کند. اما دولت وقت ایران همچنان از صدور اجازه خروج برای ساعدی شانه خالی می‌کند. آن وقت اهل قلم دست به کار می‌شوند و از نویسندگان برجسته آمریکا و دانشجویان ایرانی مقیم می‌خواهند در زمان برگزاری مهمانی «انجمن آسیا»ی آمریکا و همزمان با حضور فرح، در برابر هتل محل برگزاری مراسم اجتماع کنند. آرتور میلر، آلن گینزبرگ، اریک بنتلی، کورت وونه گات و ده‌ها نویسنده مشهور آمریکایی با پلاکاردهایی بزرگ از عکس ساعدی در دست، در میان فریادها و شعارهای دانشجویان ایرانی، خواستار خروج او از ایران می‌شوند. سرانجام اجازه خروج صادر می‌شود و ساعدی به آمریکا می‌رود و بعد از انجام کارهایش به ایران برمی‌گردد.

او که همیشه عاشق وطن و شیفته زبان فارسی و نوشتن به این زبان بود اما چندسال بعد، در ۱۳۶۰ برای همیشه به پاریس مهاجرت کرد و بعد از چهارسال، بر اثر خونریزی معده در آنجا درگذشت؛ پایان تلخی که به واسطه غم غربت و دوری از وطن و البته نوشیدن بی‌حد و اندازه الکل برای فرونشاندن غم و افسردگی برای خود رقم زد. داستانی آشنا که نام‌های بسیاری را در یادها زنده می‌کند.

براهنی -که خود نیز در غربت جان سپرد- در مقاله نام‌برده، ضمن شرح ماجرای سفر ساعدی به آمریکا، همچنین از »کیف گنده«ای یاد می‌کند که ساعدی در فرودگاه نیویورک در دست داشته و در طول سفر همه‌جا آن را دنبال خود می‌کشیده است. براهنی بعدها از خود ساعدی می‌شنود که او از پانزده، شانزده سالگی، نامه‌هایی به دختری هم‌سن و سال خودش به نام طاهره در تبریز می‌نوشته و با آن‌که جوابی از او نمی‌گرفته هرگز از نامه‌نوشتن دست‌بردار نبوده. این نامه‌ها که بعد از فوت طاهره، در ۱۳۸۹ در قالب کتاب «نامه‌های عاشقانه غلامحسین ساعدی به طاهره کوزه‌گرانی» منتشر شده‌اند، از عشق پرشوری حکایت می‌کنند که به خاطر مخالفت مادر طاهره و هم‌سطح نبودن خانواده‌ها هرگز به وصل نینجامید. ساعدی بعدها در پاریس با بدری لنکرانی ازدواج کرد و عشق به او را همپای عشق بزرگش به نوشتن و زبان فارسی و عشق به وطن و آب و خاک گرامی داشت. نامه‌های ساعدی به همسرش نیز سرشار از حس تنهایی و فهمیده نشدن در غربت، افسردگی و نومیدی، هجران و دلتنگی است: «از بس قرص اعصاب خورده‌ام و در گوشه‌های عجیب و غریب خوابیده‌ام که فکر می‌کنم در مجموع، به اندازه ده‌ها هزار مُرده مزه مرگ را چشیده‌ام. بدری‌جانم اگر روزگار این‌چنین پیش برود، آهی از من در بساط تو خواهد ماند. سعی می‌کنم که روی پای خود بایستم ولی تلاشی بی‌فایده است، پاهایم را پیدا نمی‌کنم. بدبختی من، دوری از تو و دوری از وطن است.»

او که تا پیش از ترک وطن بیش از ۲۰ نمایشنامه، ۱۲ مجموعه‌داستان و رمان، ۵ فیلمنامه، ۱۳ اثر ترجمه و تک‌نگاری‌های بسیاری را به چاپ رسانده بود، در غربت تنها یک نمایشنامه طنز و یک فیلمنامه را به رشته تحریر درآورد. ساعدی در جایی غربت و دوری از دوستان را این‌گونه تعریف کرده است: «همه چیز تعطیل است؛ رفت‌وآمد تعطیل است، دیدار دوستان تعطیل است، کتاب تعطیل است. خنده، خنده واقعی تعطیل است، گریه هم تعطیل است. روده‌درازی چرا؟ زندگی تعطیل است.» او در نامه دیگری خطاب به همسرش از بزرگ‌ترین عشقش، نوشتن، می‌گوید و می‌نویسد حالا که از همه‌چیز خسته شده، بزرگ‌ترین عشقش هم برایش مضحک شده و نمی‌فهمد چه خاکی به سر کند.

غلامحسین ساعدی با نام مستعار گوهرمراد، پزشک و نویسنده آثار ادبی ماندگاری همچون عزاداران بَیَل، چوب‌به‌دست‌های وَرَزیل، گاو، ترس و لرز و واهمه‌های بی‌نام و نشان، که ۲۴ دی‌ماه امسال وارد نودمین سال تولدش می‌شد، عاقبت در غربت سرد و انزوای تاریکش از دنیا رفت و در گورستان پرلاشز، جایی در نزدیکی مارسل پروست، خالق «زمان از دست رفته» و در جوار آفریننده یگانه «بوف کور» ادبیات معاصر ایران به خاک سپرده شد. شاهرخ مسکوب -که او هم دور از وطن دارفانی را وداع گفت- در خاطرات مربوط به روز خاکسپاری ساعدی (شنبه نهم آذر ۱۳۶۴) چنین نوشت: «دیروز رفتم به تشییع جنازه ساعدی. کسان زیادی آمده بودند. باران می‌بارید. هوا تیره و آسمان روی زمین افتاده بود. جمعیت منظم و خاموش و آهسته به طرف گور می‌رفت و همه غمزده بودند. غم غربت و دهان گشوده‌ی مرگ در برابر و تیغ سرنوشتی که سعی می‌کنیم به شوخی ندیده‌اش بگیریم و به ریشخند برگزارش کنیم. امروز باری می‌گذرد و چو فردا شود فکر فردا کنیم.» فردایی که به احتمال زیاد شبیه امروز است و تنها یادی از دیروز می‌تواند تاشی از رنگ بر آن بنشاند.

احد بابایی منیر

# مرده‌ها که حرف نمی‌زنند، اما...اگر زدند چه؟!

۱ / مرگ در غربت ؟! چه حرف‌ها ، آدم خنده‌اش می‌گیرد! هر کجا که می‌خواهید ما را به خاک بسپارید، غریبی سیری چند ؟! یک نفر از ما در آمریکا خوابیده است، یک نفر دیگر ساکن گوری در هلند است یکی دیگر در بلژیک، در دانمارک در...

«صادق» در پرلاشز خواب

«زن اساطیری» را می‌بیند

ببین چند سال گذشته است؟! فکر این که گرد پیری بر سر و روی‌اش نشسته باشد، فکر این که صادق خودش بشود پیرمرد خنزرپنزری، دلم را می‌لرزاند! جمال‌زاده در گورستانی در سوئیس

با هفت‌هزارسالگان! قصه می‌گوید و قصه می‌شنود. این یکی، آن‌جا! آن دیگری یک جای دیگر، یکی دیگر ...

چرا باید از «تمام‌شدن» خود دور از خانه بترسیم؟!، در هر کجای جغرافیای این کره سرگردان در منظومه شمسی که پلک ببندیم، تن یک عمر در حسرت لبخند و شادی تکیده‌مان را که به دست‌های خاک‌سرد بسپارند، تنها و غریب و بی‌کس نیستیم! یک نفر حتما پیدا می‌شود که شب‌های وهم‌انگیز گورستان‌ها را به خاطرات کوچه‌های دیار آشنا پیوند بزنیم. ما، در هر کجا که بمیریم بی‌کس‌وکار نیستیم دل‌خوشی کمی نیست، نه؟!

۲ / نباید غصه می‌خوردی! مگر سیمین نگفته بود سرطان یعنی غصه؟!

_ عباس! یه وقت نشینی غصه بخوری‌ها!

و تو غصه خوردی، هیچ‌وقت حرف‌شنو نبودی

از همان بچگی، راست دماغت را می‌گرفتی، سر و سینه را جلو می‌دادی و راه می‌افتادی! حرف، حرف خودت بود و راه، راه تو! دیدی اندوه و دلتنگی با آیدین چه کرد؟! دیدی آیدین با آن همه شعر که در سرش می‌جوشید و فوران می‌کرد غصه که خورد به چه روزی افتاد:

ژولیده بی‌سروسامان بی‌خانمان، عابر کوچه‌های جنون و شیدایی، بازیچه کودکان بازیگوش که او را هو می‌کردند و سنگ می‌زدند!

همه این‌ها را می‌دانستی و باز غصه خورد.

آنقدر غصه خوردی تا آن خرچنگ لعنتی افتاد به جانت و تو را از درون جوید، جوید و تف کرد جوید و تف کرد و یک‌روز دیگر چیزی از تو نمانده بود که بجود! پوستی و استخوانی از تو را در آن گور سرد و نمناک کاشتند! شدی غربت‌نشین گورستانی در آلمان، ای کاش امید رویدنی بود عباس !

حالا، بین آن همه چشم‌آبی موبور حوصله‌ات سر نمی‌رود؟!

زبان‌آلمانی بلدی؟ اگر نه که باید فقط بنشینی و گوش کنی، مرا باش، چه فکر احمقانه‌ای!

مرده‌ها که حرف نمی‌زنند،امّا... اگر زدند، چه ؟!

۳ / در بارانی از اشک‌های تلخ جدایی پدر و مادرت را بدرقه کردی،سیزده سالت بود و پس از آن روز، در تمام روزهای زندگی‌ات، باران سر بازایستادن نداشت انگار! چقدر زندگی‌ات در شولای ابر پیچیده بود، ئچقدر باران می‌آمد احمدمیرزا!

مشروطه‌خواهان برنو به‌دست که آمدند دنبالت، زار می‌زدی ! با چشم‌های اشک‌بار تقلا می‌کردی که خودت را برسانی به کالسکه‌ای که «شاه‌بابا» و مادرت را دور و دورتر می‌کرد از تو! محمدعلی‌شاه و ملکه‌اش از خانه رانده می‌شدند و تو داشتی «شاه» می‌شدی، با خودت گفتی: مرده‌شور ببرد این تاج و تخت را!

بعدترها به یکی از ملتزمین رکابت گفته بودی:

من، کلم‌فروشی در کوچه،پس کوچه‌های پاریس را به پادشاهی در تهران ترجیح می‌دهم !

اشتباه می‌کردی «سلطان‌احمدمیرزا !»، کلم‌فروشی در خانه و کوچه‌های خاکی آشنا کجا و مغازه‌های سبزی‌فروشی پاریس کجا؟!

شاید وقتی قاشق‌قاشق سوپ را می‌ریختند در گلوی خشک‌ات، دلت هوای باران کرده بود. روی تخت بیمارستانی در پاریس، آن سوپ پر از سبزی‌های فرانسوی! طعم دلتنگی و بی‌کسی و غربت داشت لابد، که با بغض جرعه‌جرعه فرومی‌دادی! پایان تو، در غربت شروع شد با خواب بدون بیداری در پاریس! از کوچه‌های خاکی تبریز تا کنار برج ایفل و از پاریس تا زیر خاک خوابیدن در کربلا، چه مسیر پرپیچ وتابی را زندگی کردی .

چقدر قیقاج زدی احمدمیرزا !